

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۸۶، پنجشنبه اول تیر ۱۳۹۶ - ۲۲ ژوئن ۲۰۱۷

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- ۳۰ خرداد نقطه عطفی در مبارزات مردم ایران - شعله پاکروانص ۲
- چگونه انتخابات "پیروزمند"، "نظام" را اسقاط کرد - منصور امانص ۴
- گلوله به جای کار برای کولبران - زینت میرهاشمیص ۷
- نگاهی به طرح تحول سلامت پس از چهار سال - امید برهانیص ۸
- نامه آتنا دائمی خطاب به کسانی که در این مدت صدایش بودند و تنهایش نگذاشتنص ۱۳
- من و تو ما می شویم - ابراهیم فیروزیص ۱۵
- نامه شیما بابایی به آتنا دائمیص ۱۶
- دانشگاه در ماهی که گذشت (خرداد ۹۶) - کامران عالمی نژادص ۱۷
- چالشهای معلمان در خرداد ماه (۹۶) - فرنگیس بایقرهص ۲۱
- کارورزان سلامت (خرداد ۹۶) - امید برهانیص ۲۵
- زنان در مسیر رهایی (خرداد ۹۶) - اسد طاهریص ۲۹
- برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در خرداد ۹۶ - زینت میرهاشمیص ۳۳
- من یک بلشویک خدا پرست هستم - اکسپرس/ برگردان: بابکص ۴۵
- رویدادهای هنری ماه (خرداد ۹۶) - فتح الله کیاییهاص ۴۹
- سیمن بهبهانی، شاعر معترض و نو آور - م. وحیدیص ۵۴
- خلافت شام واریز می کند، خلافت ایران به حساب می ریزد - منصور امانص ۵۶
- شَبَح قیام و خیزش در آسمان ولایت - زینت میرهاشمیص ۵۷
- اقدام جهت حمایت از اعلام جرم و دادخواست خانواده های قتل عام ۶۷ - لیلا جدیدیص ۵۸
- «آتش به اختیار»، حکمی علیه جامعه - زینت میرهاشمیص ۵۹
- "دانشجو پزی"، شبکه های اجتماعی و تجربه ای از یک مبارزه مشترک - لیلا جدیدیص ۶۰
- بلوای خامنه ای پیرامون سند ۲۰۳۰ - مهدی سامعص ۶۰
- شهادت فدایی در تیر ماهص ۶۳
- انتشارات تصویری سازمانص ۶۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

۳۰ خرداد نقطه عطفی در مبارزات مردم ایران

شعله پاکروان

امروز روزی است که به یاد زندانیان سیاسی چه کسانی که در دهه های قبل کشته شدند و چه کسانی که هم اکنون در زندانند هستیم. سر منشا این روز یعنی ۳۰ خرداد ۶۰، من نوجوانی بیش نبودم. روزی که به روی تظاهرات مردم آتش گشوده شد و پس از آن فقط اسامی دختران و پسران جوان اعدام شده در روزنامه ها اعلام شد. روزی که نقطه عطفی شد در تاریخ مبارزات مردم برای دستیابی به آزادی. آنچه سالها بعد از سوی فعالان مدنی شروع شد، باز هم با سرکوب و دستگیری و حتی کشتار روبرو گردید.

در آن روزها هیچ نمی دانستم که معنای دستگیری و اعدام چیست. دستگیری و اعدام برایم دو کلمه بود که وسعت رنج پنهان در آن را درک نمی کردم. آگاه نبودم و از این ناآگاهی شرمسارم. نمی دانستم که وقتی فرزند فلان همسایه دستگیر و زندانی می شود یعنی چه؟ نمی دانستم وقتی خانواده های زندانیان و همکلاسیهایی که یکی یکی غیب شان می زد، کمتر رفت و آمد می کنند یعنی چه؟ وقتی مادر هم مدرسه ای ام را می دیدم و در چشمهایش فقط اشک حلقه می بست و با بغض می گفت رویا زندان است یا افسانه حکم گرفته، هیچ نشانی از نشاط یا امید در چهره اش نبود.



کانون حمایت از خانواده جان باختگان و بازداشتی ها

<http://www.kanoonjb.com/>

من معنی ناامیدی آنان را نمی فهمیدم و به زودی فراموش شان می کردم. می بایست سالها می گذشت و خودم پشت در دادگاه می نشستم تا بفهمم ظلم یعنی چه. نادادرسی یعنی چه. ناقاضی یعنی چه. بی عدالتی یعنی چه. می بایست سالها می گذشت و خودم پشت در زندان منتظر می ماندم تا یاد بگیرم معنای ناامیدی را. معنای اعدام را، رنج بازمانده اعدام بودن را! وقتی می گویم از ناآگاهی ام شرمسارم به این معنی است که اگر من و ما در آن زمان با آنان همراه و همبسته بودیم ای بسا قوانین ضد بشری وضع نمی شد. ای بسا قضاات غیر مستقل نمی آمدند، ای بسا دادگاههای ظاهری و احکام دیکته شده و کیلویی شکل نمی گرفت، ای بسا عدالت گم نمی شد در سرزمین ام، ای بسا عدالت از دخترم دریغ نمی شد و او اکنون زیر نور خورشید می خندید و شاد

بود. اکنون نیز وقتی مردم از خیابانها عبور می کنند می توانند معصومه نعمتی را ببینند که به دنبال عدالت است برای اتناش، سیمین عیوض زاده را ببینند که آزادی امیدش را می خواهد، اکرم نقابی را ببینند که در جستجوی سعیدش جوانی و سیاهی گیسوان اش را گم کرد. هزاران و هزاران زن و مرد را ببینند که جوان شان زندانی ست و نشاط از زندگی شان رخت بر بسته!

آگاهی یافتن از اوضاع زندانیان و خانواده های شان وظیفه ای انسانی بر دوش تک تک افراد جامعه است تا در دهه های آینده شرمسار نباشیم. آگاه کردن جامعه به لطف رسانه های اجتماعی تا حدی در حال انجام شدن است. هر چند اطلاع رسانی خانواده ها می تواند بیشتر از این باشد که امروز هست. دادخواهی خانواده ها تا آنجا ادامه خواهد داشت که چوبه های دار به موزه ها و زندان عقیدتی به تاریخ سپرده شود.

تا وقتی زندانی سیاسی وجود دارد و تا وقتی حکم اعدام لغو نشده همچنان سالها از پی یکدیگر خواهند گذشت و به بزرگداشت انسانهایی که همچنان مورد بی عدالتی قرار می گیرند خواهیم پرداخت بدون اینکه تغییری در سرنوشت کودکان امروز و زندانیان فردا، نوجوانان امروز و خوراک ماشین اعدام فردا ایجاد کرده باشیم.

سالهاست شاهدیم که سیستم قضایی و حاکمیت در برابر مطالبات بر حق مردم ایستاده است. چند دهه گذشته شاهد بودیم که گام به گام زنجیرهای بیشتری بر تن و جان مردم بسته شد تا جایی که امروز شاهد قطع دست و پا و شلاق و اعدام در ملاء عام و شکنجه معترضان صنفی و صدها نمونه دشمنی با انسانیت هستیم. درست زمانی که طبل رسوایی اختلاس و غارت و آدمکشی سردمداران در مناظرات انتخاباتی کوفته می شد، اسماعیل عبدی در اعتراض به حقوق از دست رفته معلمان در اعتصاب غذا بود. وقتی وزیران و وکیلان با لبخندهای ریاکارانه با مقامات بین المللی دست می دادند، جعفر عظیم زاده، ارش صادقی، سعید شیرزاد، برادران رجبیان و دهها زندانی دیگر لب بر غذا بسته و با فدا کردن سلامتی شان اجرای عدالت را فریاد می زدند. وقتی که پز امضای حقوق شهروندی را می دادند آتنا دائمی می جنگید که خانواده زندانی را تبدیل به گروگانی جهت خفه کردن زندانی معترض نکنند.

رسیدن به آگاهی و آزادی تلاش بسیار می طلبد که برگزاری بزرگداشت و سمینار و کنفرانس فقط سرآغاز آن است. وقتی در طول نزدیک به ۴۰ سال همچنان همان قوانین و همان بی عدالتی و همان روشهای سرکوب ادامه یافته، برماست که به دنبال راههای دیگری برای احقاق حقوق از دست رفته و برقراری عدالت باشیم.

تا دیگر شرمسار نسلهای آینده و جوانان در خون تپیده و عزیزان به خاک افتاده ی تاریخ معاصر نباشیم.

آن روز با هم سرود می خوانیم و می گوییم دادخواهی مان به بار نشسته است.

من به عنوان یک بازمانده ی اعدام تا برگزاری دادگاهی عادلانه برای کسانی که فرزند بیگناهم را کشتند سکوت نخواهم کرد و همچنان در پی اجرای عدالت و دادخواهی هستم. در مسیر پیش رو در کنار هزاران دادخواه دیگر، اجرای عدالت، لغو اعدام و ممنوعیت شکنجه و زندان عقیدتی را فریاد خواهیم زد.

زنده باد زندگی، زنده باد آزادی، نه به اعدام با هر شکل و هر بهانه!

کانال تلگرام نبرد خلق
@nabard_khalgh
t.me/nabard_khalgh

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

چگونه انتخابات "پیروزمند"، "نظام" را اسقاط کرد

منصور امان

نمایش انتخابات ریاست جمهوری به پایان رسیده و نتیجه آن به گفته آقای خامنه ای، "بُرد نظام" بوده است. با این حال جدال دو جناح اصلی در دستگاه قدرت از همانجایی که پیش از این قرار داشت، با شدت بیشتر از سر گرفته شده. کوتاه زمانی پس از فرو افتادن پرده نمایش، همه شواهد نشانگر افزوده شدن دوچندان بر شدت و دامنه بحران سیاسی "نظام" چه در شکل و چه در درونمایه است. توافق در دستگاه حاکم بر سر پیشبرد "برجام" که ترجمان عملی آن تمدید دوره ماموریت آقای روحانی است، دارای مبنایی برنامه ای و درازمدت نیست، بلکه از آنجا که از جانب هر دو طرف سازشی موقتی و پروژه ای برای حل و فصل بحران هسته ای و تحریمها به حساب می آید، توانایی شکل دادن به مناسبات آنها بر پایه سازش را ندارد. از این رو، ویژگی غالب در این رابطه ی عشق و نفرت نه توافق و اتحاد عمل، بلکه سوووطن، بدبینی، دسیسه چینی، نیرنگ بازی و فشارهای قانونی و غیرقانونی خواهد بود. این بدان معنا است که با ورود فاکتورهای تازه پس از نمایش انتخابات، مناسبات دو جناح نیز یکبار دیگر از نو تعریف خواهد شد و قواعد دور پیشین که با ریاست جمهوری آقای روحانی شاخص می شد، یا اعتبار خود را ازدست می دهد یا آنچنان کم رنگ می شود که به سختی شناسایی پذیر خواهد بود.

فاکتور تازه

مهمترین فاکتور فعال در شرایط تازه، آگاهی اجتماعی و مرزبندی شکل گرفته بر اساس آن است؛ تحوُّلی که ناشی از خارج شدن معرکه انتخابات ریاست جمهوری از گفتمان حکومتی است. هیژم بی حساب و کتابی که به "تنور انتخابات" ریخته شد، در انتها ریش "نظام" را دود داد.

بحران سیاسی در دستگاه قدرت، صفحه تلویزیون دولتی و رسانه های رسمی جمهوری اسلامی را به صحنه ای میلیونی برای نمایش ناکارآمدی و انحطاط نظام حاکم بر کشور بدل ساخت. این بار منتقدان و مخالفان نبودند که رژیم استبدادی - مذهبی را به خاطر به تباهی کشاندن اکنون و آینده مُلک و مردمان بر صندلی مُحاکمه می نشانند، بلکه شخصیتهای مُمتاز و وفاداران دست چین شده اش بودند که حاکم کریه منظر را لُخت و عُریان در برابر نگاه توده ها در شهر و روستا می گردانند. تازیانه افشاگری آنها که برای نواختن رقیب بیرون آمده بود، آنگونه "کش" آمد که گشاده دستانه و به گونه دردناکی "نظام" را شلاق کش کرد. کارنامه چهل ساله حکومت و اسرار آن، به کالای ارزان بازار مکاره ای بدل گردید که نُخبگان حکومتی در نقش جارچی آن پدیدار شده بودند.

آقای قالیباف، یک سرکرده ارشد نظامی - امنیتی، "دو قُطبی" واقعی موجود در کشور را اینگونه تشریح کرد که ۹۶ درصد جامعه به حاشیه رانده شده اند و چهار درصد باقیمانده "زالو وار خون این ۹۶ درصد را می مکند". او اعتراف کرد که "نزدیک به ده میلیون نفر از جمعیت کشور در فقر شدید و ۲۵ میلیون نفر کم درآمد هستند". نُخبه "نظام" پرورده در جایی دیگر آوار نکبتی که او و همگنانش بر سر مردم خراب کرده اند را چنین تشریح کرد: "۱۰ درصد جامعه ما فقیر هستند، فقر مُطلق. اگر می گوئیم گُرسنه می خوابند، حرف گزافی نگفته ایم."

حُجت الاسلام رئیسی، قصاب بلندپایه حکومتی، گزارش داد: "بنده در سرکشی به روستاها مشاهده کردم که مردم تنها با یارانه ۴۵ هزار تومانی زندگی می کنند." رییس کارتل میلیاردی آستان قدس ابراز تاسف کرد که "آمار بیکاری در بعضی شهرها ۳۰ تا ۴۰ درصد است"، "پدرها از خانواده خود احساس خجالت می کنند"، "مادران و همسران اشک بر چشم دارند" و... .

گزارش منکوب کننده و شرم آور آقایان قالیباف و رئیسی از شرایط حاکم بر زیست و معاش جامعه، شکست خوردگی و بی مشروعیتی حکومت را به شهادت دو منبع دست اول روایت کرد. آنها دستاوردهای چهار دهه حاکمیت رژیم ولایت فقیه و نمایندگان مُمتاز این نکبت سیستم شده را در برابر داوری جامعه قرار دادند.

دو نامزد جناح حاکم با حرکت در امتداد این خط، کاندیداهای جناح میانه حکومت را به گونه شخصی نیز مورد حمله قرار داده و آنها را از جمله به بالا کشیدن زمین و ملک، بانکداری، پرداخت وامهای میلیاردی صفر درصد به افراد خاص، فساد برادر، رانت خواری پدر داماد و جز آن متهم کردند.

در مقابل، آقایان روحانی و جهانگیری نیز رقبایشان را بر صندلی اتهاماتی همچون واگذاری رانتی املاک در شهرداری، فساد ۱۲ هزار میلیاردی در آستان قدس، واگذاری بانک به "مفسد اقتصادی"، ایجاد موسسات کلاهبردار اعتباری، پولشویی و رانت خواری زیر پوشش مراکز خیریه و جز آن نشانند.

نمایش همگانی "جلاد"

با این حال این هنوز پایان به نمایش گذاشته شدن همگانی "نظام" بر سکوی تبهکاری و رُسوایی نبود. بسیج شتابان بخشهای وسیعی از جامعه علیه معرفی یک قصاب بدنام به عنوان نامزد ریاست جمهوری، آقای روحانی را نیز با هدف کسب نقطه اتکا در "پایین" به این کارزار کشاند. آنچه که صف بندی ذهنی جامعه را علیه حُجت الاسلام رئیسی شکل می داد، از یکسو پیشینه جنایتکارانه و خونین وی و از سوی دیگر نگرانی از پیامی بود که باند حاکم با به میدان فرستادن یک قاتل بیرحم ارسال می کرد.

در مقابل، روی آوردن آقای روحانی به این تاکتیک داوطلبانه نبود. او به این وسیله به فشار شدید باند رقیب از دریچه بُحران اقتصادی "نظام" و شرایط وخیم معیشتی واکنش نشان می داد. او در دور پیشین نمایش انتخاباتی نیز به همین تاکتیک مُتوسل شده و از نقشه باند حاکم برای یورش "گازانبری" به دانشجویان در سال ۸۲ سخن گفته بود.

در این راستا، رییس جمهور "نظام" در کمپین خود انتقاد از روشهای مُستبدانه و سیاست خارجی "بی دنده و ترمز" رقیبانش را نیز جای داد. او آشکارا کوشید زمینی که در پهنه کارنامه اقتصادی اش از دست می دهد را با تصرف ارتفاعاتی مُسلط بر باروهای اقتدار امنیتی - نظامی رُقا جُبران کند. هم از این رو بود که در یک همایش انتخاباتی در همدان در سَخنایی بی پیشینه رقیبان خود را مورد حمله مُستقیم و از روبرو قرار داد و از آنها به عنوان کسانی که در "۳۸ سال گذشته اعدام و زندان بلد بودند" یاد کرد.

گرچه اشاره آقای روحانی به این بخش از کارنامه سیاه رُقبای انتخاباتی خود از سطح کنایه زنی فراتر نرفت، اما همین مُختصر نیز برای ایجاد آشفتگی بزرگ در باند حاکم و زیر ضرب رفتن هر چه بیشتر نامزد آن، حُجت الاسلام ابراهیم رئیسی، بسنده می کرد.

صحنه عُریان درگیری باندهای حکومتی، دُرُست در برابر چشم انبوه تماشاچیان، درک شفاف و بی واسطه تری از روشها و ابزارهایی که مناسبات حاکم به وسیله شان سلطه خود بر آنها را تضمین می کند، ارائه کرد. در همین حال انتخاب سیاست سرکوبگرانه حکومت در برابر جامعه و به ویژه بخش مُنتقد و مُخالف آن به مثابه میدان امتیازگیری، یک راهکار بسیار ریسک آمیز برای پایوران ارشد سیستم - که آقای روحانی یکی از آنهاست - به حساب می آید. هرگاه این بخش از حکومت به دُرُستی و به گونه شفاف با سیاست مزبور، فرآورده های غیرانسانی و ساختارهای عمیق آن مرزبندی می کرد، نمی بایست از واکنش و پیامدهای اجتماعی افشاگری خود نیز هراسی به دل راه می داد. اما از آنجا که ایما و اشاره آقای روحانی به این زاویه از حُکمرانی "نظام" سطحی است و انگیزه ای پراگماتیستی و فرصت طلبانه دارد، بنابراین یک بازی روی لبه تیغ باقی می ماند.

گنجایش سیاسی و اجتماعی رُقبای باند حاکم را به ویژه از شوکه شدن "اصلاح طلبان" حکومتی از ابتکار آقای روحانی و واکنش هراس آلود آنها نسبت به آن دریافت. آقای سعید حجاریان، مقام ارشد امنیتی پیشین و نظریه پرداز این باند، ابراز نگرانی کرد: "مردم بنا به تجربیات شان نمی خواهند از شرایط نُرمال خارج شوند، چرا که تحمل شوک ندارند. در گفت و شنودهای پس از مناظرات یا سخنرانیها شنیدیم و خواندیم که مردم می گفتند: "روحانی از اصلاح طلبان هم جلو زده است" این در حالی است که اصلاح طلبان چنین خواسته ای نداشته و ندارند و حتی خودشان هم بعضاً از شعارهای شان عُدول کرده اند."

نخبگان "نظام" در پروسه نمایش انتخابات، از گفتمان حکومتی بیرون زدند و شرایط تکان دهنده و فلاکت باری که رژیم ولایت فقیه اکثریت جامعه ایران را بدان دُچار ساخته، به خوبی و روشنی تشریح کردند، آنها بر صحنه همگانی کارنامه خونین رژیم حاکم را ورق زدند و علت شکل گرفتن این شرایط وخیم و هُویت سود برندگان از آن را نیز به مردم نشان دادند.

انتخابات به پایان می رسد، اما این آگاهی باقی می ماند، بر تن و روان جامعه مُعترض و نگران می نشیند و همچون نیروی مُحَرکی آن را در کارزارهای کوچک و بزرگی که در پیش دارد، چند گام از نُقطه ای که هم اینک در آن هست، جلوتر می برد.

آتش به اختیار

پروژه "آتش به اختیار" آقای خامنه ای، واکنشی به خسارت جبران ناپذیر انتخاباتی و در درجه نخست تدبیری پیشگیرانه علیه جامعه است. او خیز برداشته تا ضربه وارد آمده در نمایش انتخابات را با وارد آوردن یک ضربه مُتقابل جبران کند و توازن سرکوب را دوباره برقرار سازد. "رهبر" فسادها و جنایتهای افشا شده به خوبی می تواند تصوّر کند که این تحوّل، جوانانی که دست خفقان گلوی شان را می فشارد و به آینده با بیم و دلهره می نگرند، کارورزانی که با تنگدستی و گرسنگی تحقیر می شوند، فرهیختگانی از همه پهنه های حیات زاینده فکر و فرهنگی که سایه سیاه ارتجاع حاکم چونان بختک بر سرشان سنگینی می کند و سرآخر مُخالفان و مُنتقدانی که از کوچکترین روزنه فعالیت و ابراز وجود، "نظام" را به چالش می کشند را به موضعی تهاجمی گرایش می دهد. باند حاکم خیز برداشته تا پیش از به حرکت در آمدن این گلوله آتشین و از قوه به فعل درآمدن نیروی ایجاد شده، آن را در نُطفه خفه کند و ضربه اول را بزند. آقای خامنه ای و همدستانش گمان می کنند صف آرای تهاجمی شان می تواند در همان حال که جامعه را غافلگیر و زمینگیر کند، همزمان میدان مأمور باند رقیب را با پهن کردن چتر نظامی و امنیتی بر سر آن، محدود سازد. تاکتیک مزبور بر خلاف آنچه که در نگاه نخست می نماید، مُتوجه اقدامات کوچک در سطح گسیل دسته های ارادل و چماقدار نیست. آنها در مرحله اول وارد کردن نیروهای رسمی خود در سپاه پاسداران، بسیج، نیروی انتظامی و لایه های اطلاعاتی و حفاظتی در دانشگاهها و ادارات و مراکز رسمی به کشمکشها و جا انداختن سیاست به وسیله این نیروی فشار را هدف گرفته اند.

ذخیره ناچیز آقای خامنه ای از مشروعیت و اجبار به کنش تحت شرایطی که فاکتورهای تعیین کننده آن به زیان وی و باندش عمل می کنند، قطار بی دنده و ترمز تدبیرهای از جنس "آتش به اختیار" را با دو سد بزرگ و عبور ناپذیر روبرو می سازد. نخست واکنش غیرقابل پیش بینی جامعه مُعترض به تهاجم علیه خود و قرار گرفتن در برابر چشم انداز وخامت بیشتر شرایط خویش و سپس مقاومت جناح رقیب در برابر جر زنی و حذف پلکانی اش خارج از قواعد بازی.

خامی پندارهای "رهبر" جام زهر خورده را صف آرای علنی در "بالا" علیه نخستین راهکار تراویده از آن به وی نشان داد. مُعاون آقای روحانی، حمید ابوطالبی، آن را "بحران زایی" نامید و آقای علی مُطهری، یک پایور جناح میانه، یک گام جلوتر رفته و باند رقیب را به اقدام مُتقابل از "پایین" تهدید کرده و گفت: "آتش به اختیار دو طرفه است."

برآمد

اسقاط "نظام" در نمایش انتخابات آثار پایداری را بر "بالا" و "پایین" به جا گذاشته که به تدریج خود را نمایان خواهد ساخت. روانشناسی جامعه و نیز حکومت، پیش و پس از این یکسان نیست و تلاطمی که ایجاد گردیده، به حرکت درآمدن موجهای کوتاه و بلندی را در دل می پرورد.

باند حاکم برای به عقب بازگرداندن عقربه ساعت، خود را تجهیز می کند، در حالیکه جناح میانه حکومت نه فقط برای اعمال قُدرت به دست آورده در این دور، بلکه و فراتر از آن، برای نیاختن در دور بعدی و نیز در میدان احتمالی تعیین "رهبر" آتی باید بجنگد.

"نظام پیروز" در انتخابات، با گامهای لرزان به یک دوران پُرتلاطم پا می گذارد.

گلوله به جای کار برای کولبران

زینت میرهاشمی



شمار کولبران به قتل رسیده و تعداد اسبهای کشته شده آنها همچنان سیر صعودی دارد. بخش گسترده اخبار به قتل رساندن این گروه از زحمتکشان، پایوران رژیم را به ناچار به واکنش واداشت. تصویب طرح دو فوریتی ساماندهی کولبران در مجلس ارتجاع در اسفند ماه سال ۹۵، تشکیل کمیته حقیقت یاب و سفر اعضای این کمیته به مناطق مرزی، به مانور حکومت، هنوز دستاوردی برای کولبران نداشته است.

مرگ با گلوله، مرگ در اثر سرما، بهمن، مین و پرت شدن از کوه و

یا نهایتاً مرگ زیر بار سنگین، همچنان سرنوشت کولبران را رقم می زند. در رژیم ولایت فقیه بیش از صدها تن از این کارگران، فقط به دست ماموران رژیم جان شان را از دست داده اند. این نوع شیوه سنتی بازرگانی در مناطق مرزی سابقه ای طولانی دارد، اما تنگدست تر شدن مردم این مناطق، آنها را از استفاده از حیوانات برای بارکشی محروم کرده است. اکثریت مطلق مردم این مناطق فقط از شانه های خود استفاده می کنند و توانایی تهیه ابزار کار دیگری ندارند.

کولبران، مزدبگیری در تمام رده های سنی از ۱۰ تا ۸۰ ساله هستند که برای امرار معاش تنها بر بدنهای خود تکیه دارند. به برکت جمهوری اسلامی و فقیرتر شدن مردم، حتی زنان هم در این کار دیده می شوند. کولبران، با باری بر دوش از راههای دشوار کوهستان و دشتهای خشک و سوزان عبور می کنند تا زندگی شان را بچرخانند. مزدبگیری که نه تنها مالک کالای بر دوش شان نیستند، بلکه حتی در زندگی خودشان از داشتن این کالاها محروم هستند. این کارگران از تهدید دست ترین مردم مناطق مرزی ایران از استانهای کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه هستند که سهم آنان از کشور فقط سرکوب و محرومیت است. مردمی که همواره تبعیض و نابرابری سه مشان از سرزمین ایران است.

در هنگامه نمایش انتخاباتی، پایوران رژیم وعده هایی از جمله دادن کارت و یا دفترچه کولبری و تحت پوشش قرار دادن کولبرانی را دارند. این وعده ها شامل مرور زمان و شد.

مجلس نشینی از پیرانشهر در ۳۱ اردیبهشت ۹۶، از قول و قرارهای ربیعی در آینده و بیمه کردن ۶۵ هزار کولبر در مرزهای غربی و شرقی خبر داد. (خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران) بر اساس حرف رسول حسری، مجلس نشین از پیرانشهر، ۶۵ هزار کولبر در مرزهای غربی و شرقی شناسایی شده اند. ویژه گی کولبری عدم تعیین آن است. یعنی در منطقه ای که هیچ چشم اندازی برای یافتن کار نیست، برای این اقشار رقمی نمی توان داد. به همین دلیل تعداد آنها مرتب افزایش پیدا می کند.

بر اساس صحبت مردم این مناطق، جوانان یا باید این مناطق را ترک کنند و یا باید به این کار دشوار تن دهند. در میان کولبران دانشجویانی هستند که برای خرج تحصیل خود تن به این کار می دهند. همچنین کودکان کار در این کولبران هستند که جهت تهیه معاش خانواده تن به این کار طاقت فرسا می دهند.

قتل کولبران با طرح بستن مرزها با عنوان «امنیت پایدار مرزی» هر چه بیشتر نهادینه شده و مامورانی که کولبران را به قتل می رسانند، قانون حکومتی را انجام می دهند و بر همین اساس از مجازات معاف شده و در نتیجه کشتن کولبران سیر صعودی پیدا کرده است. کارگزاران رژیم تنها هنگامی که چندین تن از کولبران در زمستان سال گذشته گرفتار سرما و بهمن شدند و جان شان را از دست دادند واکنش نشان دادند. البته این واکنشها همچنان در حد شعار و تشکیل کمیته باقی ماند.

قتل و آزار کولبران به بهانه مبارزه با قاچاق توجیه می شود. در حالی که شریانهای مافیای قاچاق در دست دانه درشتهایی است که بدون وابستگی به حکومت امکان ادامه حیات خود را ندارند. به گفته علی طیب از کارگزاران وزارت اقتصاد «۷۰

درصد کالای قاچاق از میادی غیر رسمی وارد می شود... افرادی تنها با یک تماس تلفنی و بدون طی مراحل قانونی از مرزها و جلوی چشم ماموران هزاران تن محصول وارد کشور می کنند.» (شرق ۹ اردیبهشت ۹۵)

در میان کولبرانی که تا کنون به قتل رسیده اند از دانشجو، دانش آموز تا تحصیلات افراد با تحصیلات عالی وجود داشته است.

گسترش پدیده کولبری، که محصول قاچاق کالا به سبک قرون وسطا است، دستاورد رژیم فاسد حاکم بر ایران است. این نوع شیوه کار و تعرض پی در پی حکومت به این کارگران، نمایی از قانون کار موجود است که از انگلی ترین بخش سرمایه داری حمایت و به ضرر نیروی کار عمل می کند.

ایجاد شغل و تامین امنیت و قرارداد کولبران تحت پوشش بیمه سلامتی و بیمه های اجتماعی اولین گامهایی است که می توان برای تغییر زندگی کولبران برداشت. این امر تنها در فراسوی پیشبرد توسعه ای دموکراتیک و غیر تبعیض آمیز و عدالت خواهانه میسر است. اقتصاد شبه دولتی و دلالی فعلی هیچ افقی را برای رسیدن به توسعه دموکراتیک برای نیروی کار باز نمی کند.

بازده خواسته کارگران زنده مانده معدن زمستان یورت آزادشهر

چهل روز پس از رویداد تاسف بار انفجار در معدن زغال سنگ زمستان یورت، روز یکشنبه ۲۹ خرداد، کار در این معدن در سطح آوار برداری و تعمیرات دوباره شروع شد و بخشی از کارگرانی که در انفجار این معدن زنده مانده بودند، شروع به کار کردند.

به گزارش مهر به نقل از مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان، کارگران این معدن ۱۱ خواسته مطرح کرده که مشخص شدن مقصر حادثه دلخراش انفجار معدن مهم ترین خواسته و دغدغه آنها است.

داشتن حقوق و مزایا، پرداخت شدن به موقع حقوق و معوق نشدن حقوق و مزایا و متناسب بودن حقوق با فعالیت انجام شده، قرارداد کار، ایمنی، وسایل ایمنی در معدن، طبقه بندی مشاغل برای کارگران، مسائل بیمه ای و کار سخت و زیان آور، تعطیلی کار معدن در روزهای تعطیلی رسمی و ... از دیگر خواسته های مطرح شده از سوی نمایندگان کارگران معدن است.



نگاهی به طرح تحول سلامت پس از چهار سال

امید برهانی



پیش درآمد

"طرح تحول سلامت" که مهم ترین دستاورد دولت روحانی بعد از توافق برجام معرفی می شد و مانور تبلیغاتی و رسانه ای بی پایانی روی آن داده شد، در نیمه راه خود به بار کجی تبدیل گردید که پیش بینی می شود در پایان راه این دولت، سالم به مقصد نخواهد رسید. شوهای شبکه ای فراوان هاشمی، وزیر، و دستیارانش و دمیدن بیش از حد واقعی در شیپور طرح تحول،

خود پاشنه آشیل آن شد و منتقدان و مخالفان طرح را به واکنش متقابل واداشت. همزمان، تشدید دشواریهای شغلی و معیشتی پرستاران و پیراپزشکان، نابرابری و تفاوت فاحش درآمدی آنها با پزشکان متخصص در حقوق و رفاه، خاک خوردن چند ساله طرح تعرفه های پرستاری و اجرای نکردن قانون کار و بازنشستگی کشوری در مورد پرستاران، آنها را به اعتراضات گسترده و مستمر واداشت تا جایی که در کنار کارگران و معلمان، بخش قابل توجهی از بدنه ی نیروهای کار تحت ستم و معترض را تشکیل دادند و کرسیهای سازمان نظام پرستاری را با نمایندگان خود تسخیر کردند. بدون قصد تکرار وقایع، نگاهی تئوریک و کوتاه به این طرح می اندازیم.

طرح تحول سلامت

در دنیای امروز دیدگاههای سلامت چشم اندازی وسیع تر یافته و به انتظارات غیر پزشکی توجه ویژه ای معطوف شده است. رشد انتظارات و توجه مردم نسبت به ایمنی، کیفیت و عدالت، فشار جهت ایجاد نظام سلامتی پاسخگو در برابر عملکرد را افزایش داده است.

یکی از مهم ترین دغدغه های در امر سلامت، برقراری عدالت و دسترسی به خدمات مربوط است. وزارت بهداشت دولت روحانی اجرای برنامه تحول سلامت را از اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ آغاز کرد. تحول در نظام سلامت به گفته این وزارتخانه با سه رویکرد حفاظت مالی از مردم، ایجاد عدالت در دسترسی به خدمات سلامت و نیز ارتقای کیفیت خدمات اجرا شد. اهداف اعلام شده طرح تحول نظام سلامت عبارت بودند از:

افزایش پاسخگویی نظام سلامت

کاهش پرداخت مستقیم از جیب مردم

کاهش درصد خانوارهایی که به خاطر دریافت خدمات سلامت دچار هزینه کمرشکن شده اند

بهبود پیامدهای بیماران اورژانسی

افزایش زایمان طبیعی

این طرح شامل ۸ بسته اجرایی بود:

۱- کاهش میزان پرداختی بیماران بستری در بیمارستانهای دولتی

قرار بود تمامی بیماران دارای بیمه پایه سلامت ساکن در شهرها که در بیمارستانهای دولتی بستری می شوند، تنها ۱۰ درصد از کل صورتحساب بیمارستان را پرداخت کنند و بیماران روستایی، عشایر و ساکنان شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر که از طریق نظام ارجاع به بیمارستانهای دولتی مراجعه می کنند، ۵ درصد هزینه های درمان را پرداخت کنند. همچنین بیماران و یا همراهان آنها برای تهیه دارو، خدمات آزمایشگاهی و تصویربرداری و سایر ملزومات پزشکی به بیرون از بیمارستان ارجاع داده نشوند.

۲- حمایت از ماندگاری پزشکان در مناطق محروم

ماندگاری پزشکان عمومی و متخصص در مناطق محروم تا مردم این مناطق ناچار نباشند برای انجام امور درمانی خود، با زحمت و مشقت به شهر دیگری مراجعه کنند. هدف از اجرای این بسته، حذف زیرمیزی در مناطق محروم و افزایش دسترسی مردم به خدمات تخصصی و عمومی از طریق افزایش میزان دریافتی پزشکان شاغل در این مناطق بود تا بیماران مناطق محروم بتوانند کلیه خدمات درمانی مورد نیاز خود را از نزدیکترین مکان محل سکونت دریافت کنند.

۳- حضور پزشکان متخصص مقیم در بیمارستانهای دولتی

حضور پزشک (متخصص داخلی، طب اورژانس، اطفال، جراحی عمومی، زنان و زایمان، بیهوشی مقیم اتاق عمل، ارتوپدی، قلب و عروق و هر متخصص دیگر به تشخیص بیمارستان) به صورت شبانه روزی در بیمارستانهای دولتی بالای ۶۴ تخت، انجام به موقع معاینه و ویزیت بیماران، تعیین تکلیف بیماران اورژانسی در نخستین فرصت و پاسخگویی به موقع و به صورت ۲۴ ساعته در بیمارستانهای دولتی و فعال بودن اتاق عمل در شیفت عصر و شب.

۴- ارتقای کیفیت هتلینگ در بیمارستانهای دولتی

ارتقای کیفیت خدمات بیمارستانها که بر پایه آن چهره فیزیکی بیمارستانهای دولتی مانند وضعیت اتاقها، سرویسهای بهداشتی و تختهای آسیب دیده بهسازی و نوسازی شود و خدمات هتلینگ و سرویسهای تغذیه و پرستاری ارتقا یابد.

۵- ارتقای کیفیت خدمات ویزیت در بیمارستانهای دولتی

ارتقای کیفیت ویزیت در بیمارستانهای دولتی، کلینیکها و بیمارستانهای وزارت بهداشت در ۵۶۰ بیمارستان کشور با همکاری پزشکان متخصص، فوق تخصص و عمومی. استاندارد سازی خدمات ویزیت از طریق بهبود وضعیت کلینیکی و تجهیزات کلینیکی، استاندارد سازی زمان ویزیت همکاران پزشک و توجه ویژه به معاینات بالینی، اجتناب از انجام تستهای پاراکلینیکی بی مورد، جلوگیری از تکرار ویزیتها بی مورد و افزایش دسترسی مردم به پزشکان متخصص.

۶- برنامه ترویج زایمان طبیعی

برنامه ترویج زایمان طبیعی با هدف ارتقای سلامت مادر و نوزاد از اولین روز اجرای طرح تحول نظام سلامت در بیمارستانهای کشور به اجرا درآمد. بر اساس این برنامه، کلیه بیمارستانها ملزم به کاهش میزان سزارین شدند. به منظور تشویق مادران به انجام زایمان طبیعی و کاهش پرداخت از جیب ایشان، زایمان طبیعی در بیمارستانهای دولتی رایگان انجام اعلام شد. به علاوه، به منظور حفظ حریم مادر و خوشایند سازی فرایند زایمان طبیعی برای مادر، بهینه سازی فضای فیزیکی بخشهای زایمان مد نظر قرار گرفت. تشویق مراکز دولتی و ارائه دهندگان خدمت به فراهم سازی روشهای کاهش درد زایمان شامل روشهای دارویی و غیردارویی و ترویج فرهنگ طبیعی بودن فرایند بارداری و زایمان با برگزاری کلاسهای آمادگی برای زایمان برای مادران باردار و توانمند سازی ارائه دهندگان خدمت از دیگر هدفهای این طرح اعلام شده.

۷- برنامه حفاظت مالی از بیماران صعب العلاج، خاص و نیازمند

در این برنامه بیماران مبتلا به بیماریهای خاص و صعب العلاج تحت عنوان مشترک "بیماریهای ویژه"، تحت پوشش معاونت درمان وزارت بهداشت قرار گرفته و هزینه بالای تشخیص و درمان آنها که مشمول بیمه نیست، طبق بسته خدمتی تعیین شده تحت حمایت قرار خواهد گرفت.

۸- راه اندازی اورژانس هوایی

یکی دیگر از برنامه های طرح تحول راه اندازی اورژانس هوایی است که به گفته وزارت بهداشت، تاکنون ۱۴ پایگاه اورژانس هوایی با همکاری هوانیروز و ارتش راه اندازی شده است.

آسیبها و چالشها

تأمین سلامت آحاد جامعه بر اساس قانون، بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که این مهم، با سیاستگذاری، برنامه ریزی، ارزشیابی و نظارت، امکان پذیراست. به عبارت دیگر، وزارت بهداشت مکلف است با راهبری و هماهنگی سازمانها و دستگاههای مختلف، سلامت جامعه را تأمین کند، ولی در نظام سلامت فعلی، از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان بزرگترین ارائه کننده خدمت یاد می شود. نقش تصدی گری و ذی نفع بودن، می تواند بر وظایف اصلی این وزارت خانه که شامل سیاستگذاری، هماهنگی، ارزیابی و نظارت است، تاثیر سوو داشته باشد، از این رو مشاهده می شود بسیاری از قوانین و برنامه ها که با همکاری این وزارتخانه تهیه و به تصویب می رسد، در عمل اجرا نشده و یا به طور ناقص اجرا می شود. در این راستا، ارتقا کیفیت و عدالت در ارائه خدمات که با مدیریت و اجرای قوانین مصوب امکانپذیر است، با تزریق مالی گسترده و احاطه بر بیمه ها برای پوشش ناکارایی ارائه دهندگان بخش دولتی صورت می گیرد.

تزریق منابع مالی به حوزه سلامت از اهمیتی بسیار برخوردار است، ولی با توجه به اینکه بخشهای مختلف اقتصاد با کمبود منابع مالی مواجه است، انتظار می رفت تخصیص منابع براساس اصول پذیرفته شده نظامهای سلامت، به ویژه بخشهای بهداشت و پیشگیری که دارای حداکثر بازدهی است، صورت گیرد و از آزمون و خطا در تزریق منابع پرهیز شود. اما در عمل عکس این اتفاق افتاد.

نقاط ضعف طرح تحول را می توان به دو گروه چالشهای ذاتی و اجرایی طرح تقسیم بندی کرد

ضعف ذاتی طرح

در نظامی که به لطف بی لیاقتی و دزد سالاری، منابع و ثروت ملی غارت شده و طرحهای نولیبرالی مثل خصوصی سازی مدارس و دانشگاهها، زمین خواری، دلالی و بساز و بفروشی، قراردادهای موقت کار بدون لحاظ کردن بیمه و سابقه و بازنشستگی و رشد قارچی شکل بانکها و موسسات مالی بی شناسنامه و دروغین از در و دیوار آن می بارد، معرفی و اجرای طرحهایی مانند پرداخت یارانه ی نقدی و یا کاهش هزینه های درمان کاملا غیر واقعی و عوام فریبانه خواهد بود و باور کردن آنها هم عذر بدتر از گناه. چنین طرحهایی در تضاد با حاکمیت تفکر سود و سرمایه به ناچار، پوشش و جاده صاف کنی برای حذف و جرحهای بعدی خواهد بود و یا در خوش بینانه ترین حالت، محکوم به شکست و بایگانی شدن در آرشیو سازمانی نظام است و در هر دو صورت هزینه ساز و زیان بار.

بهداشت و درمان عادلانه در بستری از عدالت اجتماعی، امنیت و رونق اقتصادی، گردش مالی و اطلاعاتی شفاف و نبود مافیای رانت ثروت و قدرت قابل دسترسی ست و این همه در سایه نظام سیاسی و اجتماعی آزاد و دولت مسوول و پاسخگو میسر می باشد.

ضعفهای اجرایی

۱- بی توجهی به خدمات بهداشتی و پیشگیری: محور اصلی طرح تحول، درمان است در حالی که پیشرفت حقیقی در سلامت جامعه، مبتنی بر مراقبتهای پیشگیرانه است و بدون گسترش نظامهای مراقبت سلامت، مواجهه با چالشهای نظام سلامت بسیار دشوار است. در اکثر کشورهای توسعه یافته، پیشگیری بر درمان اولویت می یابد.

۲- ارتقا نظام سلامت مبتنی بر تخصیص مستقیم منابع مالی: اکثر نظامهای توسعه یافته نظام سلامت، از ساز و کارهای تامین مالی برای مدیریت و سوق نظام به اهداف تعیین شده و رفع چالشهای پیش رو سود می برند و سرپرست نظام سلامت، نقش سیاستگذاری و نظارت را بر عهده می گیرد.

این در حالی است که در طرح تحول سلامت، نقش بیمه به عنوان یک ساز و کار برای مدیریت منابع سلامت کمرنگ شده و اکثر منابع مالی به صورت مستقیم تخصیص می یاب که زمینه بروز فساد را فراهم آورده است (بند ۷ سیاستهای کلی سلامت ابلاغی بر تفکیک دو بخش سرپرستی و تامین مالی و تدارک خدمات تاکید داشته و مدیریت منابع سلامت را بر عهده بیمه قرار می دهد).

همچنین طرح تحول، قوانین مبنایی حوزه سلامت مانند قانون برنامه پنجم توسعه در مواردی شامل مراقبتهای اولیه سلامت، خرید راهبردی خدمات، جواز خدمت پزشکان در بخش دولتی یا خصوصی و... که مبنای هر تغییری در نظام سلامت می باشد را دور زد.

۳- به حاشیه رفتن وظایف مدیریتی و نظارتی: مأموریت اصلی وزارت بهداشت، ایجاد بستر برای تامین سلامت کلیه افراد کشور است که از طریق سیاستگذاری، تنظیم مقررات، نظارت و ارزیابی بخشهای مختلف امکان پذیر است. اما در عمل مشاهده شد که وزارت بهداشت، خود به بزرگترین ارایه کننده خدمات درمانی تبدیل شده و این امر انجام موثر وظایف حاکمیتی را با مشکل مواجه می کند. به عبارت دیگر، وزارت بهداشت، مسوول نظارت و ارزیابی طرحی است که خود تامین مالی و اجرای آن را بر عهده دارد و در این صورت دیگر پاسخگوی منتقدان و مخالفان خود نیست.

۴- چالشهای اجرایی با فرض تداوم آن: قرار گرفتن طرح تحول نظام سلامت به عنوان یکی از سنگهای بزرگ دولت یازدهم، تداوم طرح را در میان مدت تضمین می کرد، اما تزریق منابع مالی با روند کنونی، موجب افزایش هزینه های سلامت شده است. همچنین افزایش منابع مالی مورد نیاز با ادامه سیاست یکسان سازی تعرفه ها، تامین منابع مالی برای سایر بخشهای اقتصادی را با مشکل مواجه می کند. با این وجود، افزایش شکاف درآمدی بین بخشهای مختلف نظام سلامت از جمله بین مدیران و پزشکان متخصص از یکسو، و پرستاران و پیراپزشکان از سوی دیگر، بر کیفیت خدمات درمانی ارایه شده تاثیر منفی گذاشته و اعتراضات فراوان گروه اخیر را در طول چهار سال گذشته رقم زد که در صورت تداوم طرح بدون تجدید نظرهای لازم، اختلافها عمیق تر و اعتراضها گسترده تر خواهد شد.

۵- چالشهای اجرایی با فرض عدم تداوم: تداوم روند کنونی طرح، زمینه ساز گسترش توقع و انتظار جامعه پزشکی (افزایش درآمد) و مردم (خدمت ارزان) است. با توجه به وضع اقتصادی بی ثبات و کسر بودجه های قابل انتظار در سالهای بعد، افزایش مستمر هزینه های سلامت می تواند مانع اصلی تداوم طرح باشد. از سویی توقف طرح و ناتوانی مدیران اجرایی در پاسخگویی به انتظارات ایجاد شده، می تواند محرومیت های بیشتر و نارضایتی های گسترده تر مردم را دامن بزند و به سرنوشت حذف یارانه ها دچار شود.

طرح در عمل

بنا بر گفته معاون وزارت بهداشت و درمان و معاون توسعه امور اجتماعی سازمان برنامه و بودجه، ۶۵ درصد منابع طرح تحول سلامت، تنها صرف کاهش هزینه های بستری مردم شده است؛ منابعی که قرار بود به صورت پایدار صرف افزایش مراکز درمانی و تخت های بیمارستانی، پیشگیری از بیماری های غیر واگیر و بهداشت تغذیه شود. طریقت منفرد، وزیر سابق بهداشت، با عنوان این مطلب که فرانشیز پرداختی در شهرهای بزرگ بابت خدمات سرپایی از جیب مردم ۳۵ درصد و در شهرهای کوچک ۱۸ درصد بود، گفت: "سالانه ۸۰۰ میلیون بار مراجعه به مراکز بهداشتی و درمانی کشور صورت می گیرد که فقط ۷ میلیون مورد آن مربوط به بستری است. در حالی که طرح تحول سلامت فقط به خدمات بستری توجه دارد."

وی افزود: "در سال ۹۱ کل بودجه سلامت ۱۶ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بوده که امسال به ۵۸ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان رسیده است."

طریقت منفرد با عنوان این مطلب که هزینه های خدمات بستری نیز افزایش پیدا کرده است، گفت: "در فروردین ۹۳ برای



یک بیمار تامین اجتماعی هزینه بستری ۵۵۰ هزار تومان تمام می شد و این هزینه برای بیمار دارای دفترچه خدمات درمانی ۵۷۰ هزار تومان بود. در حالی که در دی ماه ۹۳، هزینه بستری به طور متوسط به ۳ برابر رسیده و در حدود ۱,۵ میلیون تومان برآورد می شود."

یک بررسی در بیمارستان طالقانی تبریز بررسی نشان می دهد که بیشترین دستاوردهای طرح مربوط به کاهش پرداختی بیمار و کمترین دستاوردها در مقیم بودن پزشکان، ارتقای کیفیت ویزیتها و نیز ترویج زایمان طبیعی بوده است.

منابع:

ایرنا

خبرگزاری مهر

مرکز ملی تحقیقات سلامت

خانه ی پرستار

قدس آنلاین

نامه آتنا دائمی

خطاب به کسانی که در این مدت صدایش بودند و تنهایش نگذاشتن

اعتصاب غذا کردم که صدای بی صدایان باشم، ابتدا پدرم را مورد آزار قرار دادند و بعد در پرونده جدید خواهرانم را به حبس محکوم کردند، حبسی ناعادلانه و کاملاً خلاف قوانین خودشان، تنها برای آزار و سکوت من. به عالیجنابان گفته بودم چه یک روز و چه یک سال، چه تعلیق و تعزیر بودن آن تفاوتی ندارد، به نفس عمل گروگان گیری خانواده زندانی سیاسی و جانباخته راه آزادی اعتراض خواهم کرد و در این راه از مرگ هراسم نیست و مرگ آخرین سنگرم! خواستم صدای تمام کسانی باشم که در تمام این سالها خانوادگی گرفتار ظلم و جور شدند، خواهرانم بهانه ای بودند تا صدای مریم و رضا اکبری منفرد باشم که سی و نه سال پیش چهار خواهر و برادرشان تیرباران و امروز آنها به جرم دادخواهی در زندانند، مریمی که بعد از هشت سال حبس بی مرخصی به تازگی توسط ماموران امنیتی احضار و تهدید به حبس مجدد شده، گویی سایه ۱۵ سال حبس ناعادلانه مادر بر سر سه دختر نوجوانش کم است! خواستم صدای فاطمه مثنی باشم که ۱۳ ساله بود زندانی شد و سه برادرش اعدام شدند و حالا باز هم او و همسرش حسن صادقی هر کدام با ۱۵ سال حبس در زندانند، خواستم صدای فریبا کمال آبادی و مهوش شهریاری باشم که ۱۰ سال از حبس شان می گذرد و حتی نتوانستند در ازدواج فرزندان شان حضور یابند، خواستم صدای مادران زندانی باشم، صدای الهام فراهانی و عادل نعمیمی زوج زندانی که به تازگی پسرشان شمیم را بعد از ۴ سال از زندان بدرقه آزادی کردند. خواستم صدای آریتا رفیع زاده و پیمان کوشک باغی باشم که تنها فرزند ۷ ساله شان بشیر بین اوین و رجایی شهر سرگردان است و خاطرات کودکی اش در زندان به ثبت می

آتنا پیروز شد



رسد! خواستم صدای مهدی و حسین هنرمندی باشم که برادرانه با هم حبس می کشند و اگر هنرمند بودند و آلت دست دولتمردان، قطعاً حالا آزاد بودند و صدای سازشان گوش دنیا را گر کرده بود! خواستم صدای زوجهای زندانی چون آفرین نیساری و کارن وفاداری باشم که اوین شده خانه مشترک شان، صدای آرش و گلرخ، آرش که با داغ قتل مادر توسط امنیتها حالا زندگی مشترکش با گلرخ با حبسی سنگین بر دوش زیر سقف بندهای اوین سپری می شود، خواستم صدای خانواده دانشپورها

باشم، صدای پدر و مادر بهنود رضانی که پرسیدند چرا فرزندان کشته شد و به حبس محکوم شدند، خواستم صدای منصوره بهکیش باشم که پرسید چرا ۶ خواهر و برادرم تیرباران شدند و قبرشان کجاست اما با حبس سنگین پاسخ شنید یا خانواده زینالی که پرسیدند سعیدمان کجاست ولی بازداشت و زندانی شدند، خواستم صدای مادرمان شهناز باشم که گفت پسرمان را کشتید و حالا به جای مجازات آمران و عاملان قتل مصطفی، زندانیان سیاسی را ازاد کنید اما خودش یکی از آنها

شد، خواستم صدای پیمان عارفی باشم که مظلومانه مادر و همسرش را در راه ملاقات زندان از دست داد یا مادر محسن قشقایی، خواستم صدای زانیار و لقمان مرادی باشم زانیاری که حبس بی ملاقات را به عذاب پدر و مادر ترجیح می دهد و جوانی اش زیر تیغ اعدام چه تلخ می گذرد! خواستم صدای تک تک زندانیان کردی باشم که غیورانه برای حفظ حرمت و ناموس و برای دور نگه داشتن خانواده از افکار پلید و تهدیدهای امنیتی به هر شکنجه و اعتراف اجباری تن دادند و راهی چوبه دار شدند، عزیزانی چون برادران دهقانی و بهرام و شهرام و حامد احمدی و چه تلخ آمار بازداشت طایفه حسین پناهی ها در کردستان روز به روز افزایش می یابد!!! خواستم صدای مریم النگی باشم که همسرش محسن دکمه چی از بی توجهی در زندان جان داد و حالا مریم به خاطر توجه به همسرش در زندان است، خواستم صدای شبمنم و فرزند مددزاده، ژیلای بنی یعقوب و بهمن امویی، نیکا و نوا خلوصی، کیوان و کامران رحیمیان و فاران حسامی باشم، صدای شمیسی مهاجر و شهاب دهقان و خواستم صدای پرستو فروهر و معصومه دهقان باشم صدای سیامک و باقر نمازی محبوس در انفرادی! خواستم صدای تک تک کسانی باشم که از عدم امنیت، پس از آزادی ترک وطن کردند، چه کسی جز آنها و خانواده های شان عمق سختیهای تبعید اجباری را درک کردند؟! من با تمام وجود حتی خواستم صدای شکسته شدن سنگ قبر مادر شاهین نجفی باشم تا بگویم نه تنها ما منتقدان و مخالفان و زندانیان سیاسی در عدم امنیت بسر می بریم بلکه اعضای خانواده مان نیز علاوه بر تهدید و توهین و فشارهای ناشی از آزار عزیزان شان تحت خطر بازداشت و حبس هستند. پنجاه و چهار روز پیش در حالی اعتصاب غذایم را شروع کردم که نمی خواستم بار مضاعفی بر دوش هم بندیان درد کشیده ام باشم اما در آن روزهایی که تشنه قطره ای آب بودم، می دیدم که آنها هر روز و هر لحظه با تهوعهای مداوم با من زندگی را بالا آوردند! شرمسار بودم از دیدن درد کشیدنم، فریادهای اعتراض شان به بی توجهی مسئولان و بهمداری اوین به وضعیت جسمانی ام دیوارهای بند را لرزاند، تهدید و تنبیه شدند اما تنهایی نگذاشتند، در برابر یک به یک آنها سر تعظیم فرود می آورم. پنجاه و چهار روز در حالی در اعتصاب غذا بودم که علاوه بر وخامت حالم پله های دادسرا و دادگاه و بی تفاوتی مسئولان به وضعیتم، تازیانه ای شد بر تمام وجود اعضای خانواده ام، خانواده ای که ذره ذره با من شدند ولی با مقاومت کم نظیرشان و با همراهی شجاعانه شان ایستادند و صدایم شدند، از سوی وزارت اطلاعات تهدید شدند اما همچنان همراهی ام کردند، بوسه می زدم بر پاهای خسته پدرم و دستان مادرم که مادرانه می نوشت، بوسه می زدم بر چشمان اشکبار خواهرانم که نمی خواستند به خاطر آنها آسیب ببینم ولی در واقع آنها بودند که به خاطر من، به خاطر آزار من مورد هدف شکارچیان سیری ناپذیر قرار گرفتند، ممنونم که همراهم بودند. آری من خواستم صدای بی صدایان باشم اما در اوج تب و تاب انتخابات بود که زیر بار تبلیغات له شدم و این شما مردم شریف بودید که فریادم شدید و همراه و هم صدا با من و خانواده ام شدید، شما عزیزانی که نمی شناسم و شاید هرگز نشناسم یا دوستان و رفقای ناب که همواره در کنارم بودند، اگر نبودید حالا بعد از پنجاه و چهار روز موفق نمی شدم، قطعا از خلیجها باید نام ببرم و قدردانی کنم اما به خاطر امنیت معذورم! پنجاه و چهار روز گذشت و من نه، در واقع شما پیروز شدید، با حمایت گسترده، با قلمهایتان، با فریادتان، با شعر و ترانه و نقاشی و به هر طریق ممکن پیروزی را رقم زدید، که برای همه ما شیرین است، از تمامی نهادهای حقوق بشری ممنونم. من پس از پنجاه و چهار روز اعتصاب غذا به همراه شما موفق شدم که حکم تبرئه خواهرانم را به دست آورم و این آغاز راه است، آغاز راه ایستادن در برابر آزار و اذیت خانواده های زندانیان سیاسی یا خانواده های جانبختگان. با کسب موفقیتی که با حمایت شما عزیزان و سروران میسر شد. امروز ۱۰ خرداد ۹۶ به این اعتصاب غذا پایان خواهیم داد و از تک تک عزیزان همراه تشکر و قدردانی می کنم. به امید آزادی

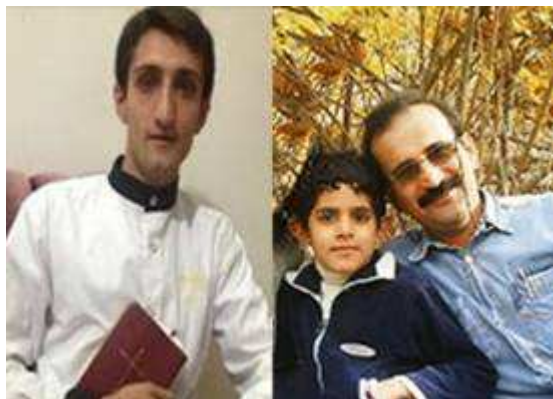
آتنا دائمی ۱۰ خرداد ۹۶، بند زنان زندان اوین

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

من و تو ما می شویم

ابراهیم فیروزی



روز ۱۱ خرداد ۹۳ غلامرضا خسروی در زندان رجایی شهر به اتهام محاربه و به دلیل هواداری از مجاهدین خلق اعدام شد. به همین مناسبت همبند سابق زنده یاد غلامرضا خسروی؛ نوکیش مسیحی ابراهیم فیروزی دلنوشته ای به حسام فرزند زنده یاد غلامرضا خسروی نوشته است که در زیر می خوانید.

حسام جان هر چند از آنچه به تو می نویسم آگاه هستی، اما خواهان این هستم مادامی که در این جسم هستم از به یاد آوردن شان غفلت نورزیم؛ زیرا نمی دانیم چه مدت دیگر در این جسم هستیم.

مشیت الهی بر این بوده است که بخشی از وقایع زندگی من مشابه هم باشد. اما خوشا به حال تو که محتوای غم مشترکمان سربلندی حال و آینده را برایت دربردارد.

حسام جان مردی را می شناختم که لبخندش تسلی دهنده لحظه های نا آرامم در زندان بود. مردی که هنگام نواختن سه تار سعی می کردم نزدیکش در هواخوری زندان بنشینم و نوای امیدبخش سازش را دریافت کنم. این مرد را همیشه در قلب خود دوست خواهم داشت و این مرد؛ من و تو را "ما" کرده است.

اما جسارت این را ندارم که بگویم ای کاش شجاعتی همانند او داشتیم. زیرا مقابله با دلتنگی و دوری از خانواده، آن هم خودخواسته و آگاهانه برای انجام هدفی فراتر از منافع شخصی عمل ساده ای نیست.

این بزرگ مردی که کلامم توان وصفش را ندارد، به مانند گذرا بودن دنیا از دلبستگیهای این دنیا گذر کرد تا هزاران حسام دیگر را از ستم دیکتاتوری آخوندی برهاند.

هنگامی که دست بر شانه هایم می گذاشت جریان عبور مهربانی را در رگهایم احساس می کردم.

حسام عزیز

این مردم مقاوم و با اخلاق که ستمگران دیکتاتور حتی با زور و تهدید و شکنجه توان خاموش کردن صدای او را نداشتند، اطمینان دارم در بهار ۱۳۹۳ با قدمهای استوار و سری برافراشته به پای چوبه اعدام رفت. این بزرگ مرد پدر تو؛ شهید غلامرضا خسروی بود.

بیست سال پیش در ساعاتی که انتظار آمدن پدرم را پس از هفته ها دوری می کشیدم، خبر فوتش را برایم آوردند و آرزوی آخرین دیدار با او را همچنان دارم. درست مانند تو که نتوانستی آخرین دیدار را با پدرت داشته باشی.

در این روزها که دوره جوانی ات آغاز می شود، بیشتر به یاد او خواهی افتاد، هر چند فقدان حضور فیزیکی اش موجب دلتنگی توست، لیکن تو سعادت مند هستی چون زنده یاد غلامرضا خسروی برای تو به عنوان پدر، سرمشق و میراثی فناپذیر مانند؛ ایثار، مهربانی، امید، ایمان، شجاعت، از خود گذشتگی و انسان دوستی نهاده است.

دوست عزیزم

من از هم رزمان یا هم مرام پدرت نیستم که از روی اشتراک مرامی یا تملق با تو سخن بگویم. ولی چندین بار هنگام مرور خاطره پدرت در خیالم ملاقات با تو را به تصویر درآورده ام.

مگذار ناهلان اشکهای دلتنگی ات را ببینند و به میراث پربهایی که پدرت با عملش برایت به ارث گذاشته است مفتخر باش و این فخر را با سرمشق گرفتن از فضایل پدرت در نسل آینده ات ادامه دار گردان.

ابراهیم فیروزی / زندان رجایی شهر، خرداد ۹۶

منبع: کانال تلگرام نه به زندان نه به اعدام

نامه شیما بابایی به آتنا دائمی

پس بجنگ خواهرم که به زودی ما پیروزیم و دشمن از روسیاه ترین روسیاهان تاریخ است!

شیما بابایی از فعالان مدنی و متولد سال ۱۳۷۳، در نامه ای خطاب به زندانی سیاسی در حال اعتصاب غذا، آتنا دائمی نوشت:



۳۰ خرداد ۹۳ بود که برای سالروز به خون کشیده شدن ندا بر مزارش رفتیم، آنجا بود که یافتمت؛ دختری از جنس ندا! می دانم که سکوت در مرام تو نیست و در جنگ نابرابر با جانیان جانت را در دست گرفته ای پس بجنگ خواهرم که به زودی ما پیروزیم و دشمن از روسیاه ترین روسیاهان تاریخ است!

از روزی که به دنیا آمدیم مدام در حال سرکوب بودیم! جنگیدیم برای احقاق ابتدایی ترین حقوقمان، با تکه پارچه سیاهی بر روی تنمان و بعد سرمان و

حال چشم مان! ما را از زندان بزرگی که برایمان ساخته اند می رباییدند و به زندان کوچکتری انتقال می دادند تا که نبینیم و ندانیم و محکوم به انکار موجودیت مان باشیم! آخر می دانی چیست آن سست عنصران تاب تحمل زیبایی زنان را ندارند که برایمان ببرند و بدوزند و گاه که فریادمان به هوا برخاست دهانمان را بدوزند با آیه و خشم و تزویرشان... تو که خوب می دانی سرزمینی آگاه و آباد را زنانی دانا می سازند، پس ما نباید بدانیم و بفهمیم، ما محکوم به این سکوتیم، محکوم به آزار تا که زینب نبیند، تا که گلرخ پژمرده شود و آتنا نگوید، ولی آیا می شود؟! چه بسیارند این گلها، گلهایی که زیبایی شان محکوم به حبس است تا که دزدان و قاتلان و جنایتکاران جولان دهند و غرش شیر زنی چون آتنا بر سرشان خراب نشود تا فریاد من و ما و زنان سرزمینم شود. زنانی که هم باید ها و نباید ها را به دوش کشیدند اما چون کوهی استوار در این برهه از تاریخ ننگین میهن شان ایستاده اند.

می دانم که سکوت در مرام تو نیست و در جنگ نابرابر با جانیان جانت را در دست گرفته ای پس بجنگ خواهرم که به زودی ما پیروزیم و دشمن از روسیاه ترین روسیاهان تاریخ است!

خواهر بغدای اعتصاب و دل سیرت، تاریخ در مقابل بلندای روح سرخ می کند در سپیده دم آزادی، در آن هنگام که دیگر آزادی هایمان یواشکی نیست شادمانه و رهاتر از همیشه به آغوش خواهم کشید.

شیما بابایی

منبع: کانال تلگرام زنان نیروی تغییر

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

t.me/radiopishgam

دانشگاه در ماهی که گذشت (خرداد ۹۶)

کامران عالمی نژاد

تداوم فشار بر دانشجوی زندانی، ماهر کعبی در زندان اردبیل

مسوولان زندان اردبیل به منظور بالا بردن فشار و اذیت و آزار زندانیان سیاسی، دانشجوی زندانی تبعیدی، ماهر کعبی را از بند ۷ به بند ۵ منتقل کردند. او در اعتراض به این موضوع اقدام به اعتصاب غذا کرد. بر اساس گفته نزدیکان وی، با وجود وعده مسوولان زندان مبنی بر انتقال او به بند، این زندانی همچنان در بند ۵ و برخلاف قانون تفکیک جرایم زندانی است. دانشجوی و زندانی سیاسی ماهر کعبی، در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۹۰ هنگامی که ۱۹ سال بیشتر نداشت، در شوش خوزستان دستگیر و مدت سه ماه در سلولهای انفرادی اطلاعات زیر بازجویی بود. وی به اتهام "اقدام علیه امنیت"، "عضویت در سازمان آزادی بخش اهواز" و "ارسال اخبار" به ۱۰ سال حبس در تبعید محکوم شده است. بنا به گفته نزدیکان این زندانی وی به هیچ گروهی وابسته نبوده است. ماهر کعبی در زمان بازداشتش در اطلاعات تحت شکنجه های شدید جسمی و روحی قرار گرفته و حتی دندانهایش ریخت. اکثر اتهامات مندرج در پرونده وی با فشار و شکنجه سرهم بندی شده است. برادر ماهر کعبی، احمد کعبی، نیز در زندان کرمان محبوس است. این دو برادر که با هم دستگیر شدند، به شدت مورد شکنجه قرار گرفته و شکنجه های شدید باعث به هم ریختن وضعیت تعادل احمد شد. (زندان ایران، ۲ خرداد)



اعتراض دانشجویان دانشکده هنر و معماری به لغو اردو

دانشجویان دانشگاه هنر و معماری دانشگاه کردستان در اعتراض به لغو اردوی دانشجویی دست به تحصن و اعتراض زدند. یکی از دانشجویان گفت: "سه ساعت قبل از حرکت به ما اطلاع دادند که اردو لغو شده است. سووالم این است که اگر الان زمان انتخابات بود، همین کار را می کردند؟" دانشجویان در کریدور این دانشگاه در اعتراض روی زمین نشستند و تحصن کردند. (جوانه ها، ۲ خرداد)



محرومیت مصطفی دانشجوی، درویش گنابادی، از ادامه تحصیل

دانشگاه آزاد تهران در تماسی با مصطفی دانشجوی، درویش گنابادی اعلام کرده که او دیگر حق ادامه تحصیل در رشته حقوق جزا و جرم شناسی را ندارد. مصطفی دانشجوی، وکیل پیروان درویش گنابادی و از زندانیان سابق، می گوید مسوولان هیچ دلیلی برای این تصمیم خود ارائه نداده اند اما او دلیل اصلی این اخراج را گرایش به درویشی و پیروی از طریقت درویشی گنابادی می داند. اخراج این درویش گنابادی یک روز پس از انتخاب حسن روحانی به عنوان رییس جمهور رخ داده است. مصطفی دانشجوی، دانشجوی ترم اول کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی در دانشگاه آزاد تهران است. او به مدت چهار سال به دلیل عقاید خود زندانی بود. دانشجوی در شهریور ۱۳۹۰ به همراه شش نفر از وکلای درویش گنابادی و گردانندگان سایت "مجدوبان نور"، سایت خبری درویش، بازداشت شد. اتهامات او "اقدام علیه امنیت ملی"، "تبلیغ علیه نظام" و "تشویش اذهان عمومی از طریق عضویت در فرقه درویش گنابادی" عنوان شد و به این دلیل به چهار سال زندان محکوم گردید. دانشجوی در دوران محکومیت خود بارها در اعتراض به حکم خود دست به اعتصاب غذا زد و سرانجام در سال ۱۳۹۴ با پایان حکم اش از زندان آزاد شد. (راديو زمانه، ۲ خرداد)

وفا هویدایی، دانشجویی بهایی، از دانشگاه امیر کبیر اخراج شد

وفا هویدایی، دانشجوی مقطع کارشناسی در رشته فیزیک دانشکده مهندسی انرژی و فیزیک، به دلیل بهایی بودن در ترم دوم از دانشگاه اخراج شد. این دانشجوی بهایی در کنکور مهرماه ۱۳۹۵ با رتبه ۲۷۰۲ در رشته فیزیک وارد دانشگاه پلی تکنیک امیرکبیر شد و در ترم دوم در اول خرداد ماه ۱۳۹۶ با مسدود شدن کاربری دانشجویی وی در سایت دانشگاه از ادامه تحصیل محروم گردید.

به گفته یک منبع نزدیک به این دانشجوی محروم از تحصیل: "مسوول آموزش دانشگاه به دنبال پیگیری وفا هویدایی به او گفته است که بدیهی است که شما چون بهایی هستی، حق تحصیل در این دانشگاه را نداری." این شهروند بهایی پس از اخراج برگه ای از مسوولان دانشگاه دریافت کرده است که در قسمت وضعیت دانشجویی "اختتام پرونده (محروم از تحصیل)" قید شده است.

لازم به ذکر است در روزهای اخیر فرزاد صفایی، دانشجوی ورودی ۱۳۹۲ در مقطع کارشناسی پیوسته در رشته متالوژی صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز نیز پس از گذراندن هشت ترم، در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ با احضار از سوی حراست دانشگاه و مسدود شدن کاربری دانشجویی در وبسایت دانشگاه از ادامه تحصیل منع شد. (دانشجو آن لاین، ۸ خرداد)

سه هزار دانشجو به کمپین دفاع از حق تحصیل پیوستند

بیش از سه هزار دانشجوی دانشگاههای ایران در روز ۱۰ خرداد با امضای بیانیه ای به محرومیت درویش گنابادی از تحصیل اعتراض کرده و بر حق برخورداری اقلیتهای مذهبی و قومی از آموزش و تحصیل تاکید کردند. اخراج مصطفی دانشجو، یکی از دلایل صدور این بیانیه بوده است.

در قسمتی از بیانیه سه هزار امضایی دانشجویان آمده است: "گروههای مختلفی از ایرانیان شاهد نقض حق برخورداری از آموزش بوده اند؛ گروههایی که در مرکز انواع اقدامات تبعیض آمیز تحت فشار قرار می گیرند و گاه بهای عقیده خود را با جان شان پرداخت می کنند و برای فعالان حقوق آنان نیز توسط دستگاههای امنیتی و سیستم قضایی، موانع متعددی ایجاد می شود. از جمله این گروهها درویش گنابادی هستند که سیطره نگاه امنیتی بر ایشان در ماههای گذشته سبب محرومیت از تحصیل و ممانعت از تدریس تنی چند از دانشجویان و اساتید درویش در دانشگاههای کشور شده است." دانشجویان با تاکید بر حق تحصیل و آموزش به عنوان حقوق اساسی هر یک از افراد جامعه فارغ از هر عقیده و باوری افزوده اند: "می بایست با برداشتن نگاه امنیتی از همه اقشار و اصناف از جمله درویش گنابادی و رعایت حقوق آنها، ممنوعیتهای تحصیل ایشان را رفع کرد."

امضا کنندگان در پایان می گویند: "ما امیدواریم که با تلاشهای بی امان خود و با پذیرش تمام هزینه های پیش رو، این محرومیتها را از بین ببریم که روزگار پیش رو روزگاری باشد که بتوانیم با نام انسان در کنار یکدیگر زندگی کنیم." (تنظیم و ویرایش: نیرد خلق)

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان به کیفیت غذا

دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان به کیفیت غذای دانشگاه اعتراض کردند. این دانشجویان به علت کیفیت بد غذا، از خوردن غذا خودداری کردند و سینیهای غذای خود را در محوطه دانشگاه چیدند و خواستار پاسخگویی مسوولان شدند. (دانشجو آنلاین، ۱۶ خرداد)

اعتصاب غذای دانشجویان دو دانشگاه در اعتراض به کیفیت غذای ماه رمضان

دانشجویان دانشگاه فرهنگیان یاسوج در اعتراض به کیفیت غذا در ماه رمضان اعتصاب کردند. یکی از دانشجویان گفت: "در ماه رمضان مسوولان دانشگاه به تغذیه آنها اهمیت نمی دهند و کیفیت غذای آنها برای افطاری و سحر مناسب نیست."



این دانشجویان افزود: "وضعیت غذای دانشگاه فرهنگیان بسیار نامناسب است و در ماه رمضان وضعیت بدتر شده است. امشب نیز دانشجویان اعتصاب غذا کردند و همه در بیرون از دانشگاه افطاری خوردند.

این دانشجویان یادآور شد که دانشگاه ماهانه از هر دانشجوی ۳۴۰ هزار تومان پول برای خوابگاه و سلف سرویس می‌گیرد.

به گفته این دانشجویان شب گذشته افطار به آنها حلیم با خرما و امشب نیز آش دادند.

از سوی دیگر، دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان نیز به علت کیفیت پایین غذای دانشجویی در ماه رمضان، از دریافت غذای ارابه شده خودداری کرده و دست به اعتصاب زدند.

(صبح زاگرس، خبرنامه دانشجویان ایران ۱۱ و ۱۷ خرداد)

تجمع دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه آزاد بروجرد

دهها تن از دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه آزاد واحد بروجرد در برابر وزارت بهداشت تجمع کردند و خواستار انحلال این دانشکده شدند.

یکی از این معترضان گفت: "دانشکده دندانپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد یکی از پنج دانشکده دندانپزشکی دانشگاه آزاد است که دارای ۲۲۰ دانشجو در مقطع دکتری عمومی دندان پزشکی است. این دانشکده پارسال به دلیل عدم وجود استاد در پایه های تحصیلی، بستر تجمعات دانشجویی بود، اما نه تنها این مشکل از سوی دانشگاه آزاد بررسی و رفع نشد، بلکه امروز نیز تجمعات تازه ای از سوی اساتید این دانشگاه شکل گرفته که کلاسهای این مرکز آموزشی را به تعطیلی کشانده است."

این دانشجوی معترض گفت: "یک سال است که ما رییس، هیات علمی و گروه آموزشی در دانشکده دندانپزشکی نداریم و حتی استاد راهنما برای طرح و پژوهش خود نداریم. لذا درخواست داریم که این دانشکده منحل شود و دانشجویان در دانشکده های دندانپزشکی دیگر ادغام شوند."

شایان یادآوری است که هفته گذشته ۱۴ تن از استادان این دانشکده استعفا دادند. (خبرگزاری صداوسیما، ۱۷ خرداد)



کشته شدن استاد دانشگاه و فعال مدنی در حادثه تروریستی تهران

مهدیه هراتی، استاد دانشگاه و فعال مدنی در "انجمن پایان کارتن خوابی لرستان"، در حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی در روز ۱۷ خرداد جان خود را از دست داد.

مهدیه رفته بود حق کودکان کارتن خواب را از نماینده اش بگیرد، او چه آرزوهایی داشت برای سامان دهی کارتن خوابها، چه دردهایی در دل داشت که همه هم و غمش را برای این درد اجتماعی گذاشته بود. مهدیه هراتی ۳۲ سال داشت و در دانشگاه علمی کاربردی استان لرستان تدریس می کرد. (تنظیم و ویرایش: نیرد خلق)

احضار شمار زیادی از دانشجویان پلی تکنیک به کمیته انضباطی

انجمن اسلامی دانشجویان ترقیخواه پلی تکنیک (دانشگاه امیرکبیر)، از احضار تعداد زیادی از فعالان دانشجویی به کمیته انضباطی به اتهاماتی بسیار جزیی و بعضا نامشخص خبر داده است.

دانشجویان در گزارشی به تاریخ ۱۹ خرداد در این باره نوشته اند: "متأسفانه در دوران مسوولیت جناب آقای طاهری، دبیر کمیته انضباطی دانشگاه پلی تکنیک، اموری بسیار عجیب و غیر قانونی را در روند رسیدگی به اتهامات دانشجویان شاهد

بوده ایم. ایشان که در دولت احمدی نژاد نیز دبیر کمیته انضباطی دانشگاه بوده اند، نقش بسیار موثری را در برخورد با فعالان دانشجویی و پرونده سازی علیه دانشجویان ایفا می کردند که از اقدامات ایشان می توان به صدور بیش از ۱۱۰ ترم "منع موقت از تحصیل" در دوران ریاست دکتر رهایی اشاره کرد."

دانشجویان تاکید می کنند که ریاست جمهوری روحانی نیز در این شرایط تغییری نداده و وضعیت سابق در دانشگاه همچنان ادامه دارد و طاهری نیز در سمت خود ابقا شده است.

آنها می گویند: "با وجود شکایت‌های فراوان دانشجویان از آقای طاهری، ایشان هنوز هم در این جایگاه قرار دارند و در روند رسیدگی به پرونده های انضباطی دانشجویان، در بسیاری از موارد، دانشجویان از حقوق صریح خود که در آیین نامه ها و شیوه نامه های انضباطی ذکر شده است، محروم شده اند و روند رسیدگی به اتهامات آنها بر خلاف قانون صورت گرفته است." دانشجویان از دکتر مغانی، معاون دانشجویی دانشگاه و رییس شورای انضباطی آن خواسته اند "در اسرع وقت تدبیری در قبال این موضوع اندیشیده و فرد دلسوزی را در این جایگاه حساس منصوب نماید". (تنظیم و ویرایش: نیرد خلق)

تحصن دانشجویان پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران

دانشجویان پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در اعتراض به واگذاری پردیس به موسسات خصوصی و بیرون کردن دانشجویان از پردیس در محوطه دانشگاه تحصن کردند. (دانشجو آنلاین، ۱۹ خرداد)

تجمع اعتراضی دانشجویان روزانه دکتری دانشگاههای تهران

جمعی از دانشجویان روزانه دکتری دانشگاههای تهران در اعتراض به شرایط سخت ارایه وام ویژه دکتری، عدم ارایه حقوق و دغدغه های معیشتی مقابل ساختمان مرکزی وزارت علوم تجمع کردند. یکی از دانشجویان دکتری معترض در این باره گفت: براساس قانون باید به دانشجویان دکتری حقوق ماهیانه تعلق گیرد، اما نه تنها حقوق داده نمی شود بلکه شرایط دریافت وامهایی که سالهای پیش ارایه می شد، نیز سخت شده و دانشجویان نمی توانند حتی این وامها را نیز دریافت کنند. (مهر، ۲۴ خرداد)

تجمع اعتراضی دانشجویان دکتری دانشگاه بوعلی همدان

مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه بوعلی سینا تجمع کردند. در پی تجمع اعتراض آمیز دانشجویان دکتری به منظور ایجاد سازوکار لازم برای پرداخت حقوق به دانشجویان این مقطع که همزمان با سراسر کشور برگزار شد، معاون دانشجویی دانشگاه بوعلی سینا با حضور در جمع دانشجویان به بیان توضیحاتی پرداخت. (ایسنا، ۲۴ خرداد)

تجمع اعتراضی دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی

جمعی از دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد در اعتراض به شرایط صنفی، رفاهی و شغلی خود، در مقابل سازمان مرکزی این دانشگاه تجمع کردند و مهم‌ترین مطالبات خود را با شعارهایی نظیر "چرا ما همانند دانشجویان وزارت بهداشت شاغل محسوب نمی شویم"، "وزارت علوم هیچ حمایتی از ما نمی کند"، "شغل و آینده حق ماست" و... از مسئولان خواستار شدند.

یکی از دانشجویان دکتری معترض در این تجمع گفت: دانشجویان دکتری در وزارت علوم از مظلوم ترین اقشار هستند؛ ما سالها تحصیل و تحقیق کرده ایم و برخی از دانشجویان روزانه هفت تا ۱۰ ساعت در دانشگاه مشغول تحقیق هستند و با توجه به میانگین سنی بالای ۳۰ سال و شرایط زندگی مانند تاهل و مخارج ما باید چه کار کنیم؟ (ایسنا، ۲۴ خرداد)

اعتراض دختران دانشجو در اهواز به "دانشجوپزی"



اعتراض گروهی از دختران دانشجوی دانشگاه اهواز به خرابی سیستم خنک کننده خوابگاهها در روز ۲۶ خرداد با دخالت حراست دانشگاه به تنش کشیده شد.

پس از آنکه مسوول خوابگاه دختران این دانشگاه، معترضان را تهدید به برخورد در کمیته انضباطی کرد، صدها دانشجوی دختر در مقابل در ورودی خوابگاه تجمع کرده و خواستار استعفای رییس دانشگاه شدند.

در دو روز گذشته، این دانشجویان عکسها و فیلمهایی از تجمع خود را بر روی شبکه های اجتماعی منتشر کردند و بسیاری از کاربران و دانشجویان دیگر با هشتگ #دانشجوپزی با آنها همراهی کردند. در روزهای اخیر، خوزستان شاهد گرمای بیش از ۵۰ درجه سانتیگراد بوده است. دانشجویان می گویند کولرهای خوابگاه خراب است و عدم توجه مسوولان به اعتراض آنها موجب شد تا پنجشنبه شب در مقابل خوابگاه ها تجمع کنند.

رئیس دانشگاه چمران در واکنش به اعتراض دانشجویان گفته، "انتظار این گرما را نداشتیم". این در حالی است که خوزستان همواره از گرم ترین استانهای ایران است.

رئیس دانشگاه چمران در گفتگو با خبر ۲۰:۳۰ به کلی منکر وجود مشکلات دانشجویان شد. دانشجویان در واکنش به این امر هنگام ورود وی و مسوولان به دانشگاه، با شعار "دروغگو، دروغگو" از آنها استقبال کردند. (تنظیم و ویرایش: نیرد خلق)



چالشهای معلمان در خرداد ماه (۹۶)

فرنگیس بایقره

تجمع اعتراضی زنان معلم حق التدریس

ایسنا، ۲ خرداد - جمعی از زنان معلم حق التدریس در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی شان برای باردیگر مقابل مجلس اجتماع کردند. معلمان حق التدریس زن با سر دادن شعارهایی خواستار تعیین تکلیف وضعیت شغلی، سنواتی و حقوقی شان از وزارت آموزش و پرورش شدند.

تحويل کمپین آزادی اسماعیل عبدی با پانزده هزار امضا به نهادهای مربوطه



ایلنا، ۳ خرداد - کمپینی که در فضای مجازی با هدف آزادی معلم زندانی، اسماعیل عبدی، به راه افتاده بود، با امضای بیش از پانزده هزار نفر از معلمان و فعالان صنفی به قوه قضاییه و دفتر ریاست جمهوری تحويل داده شد.

تعدادی از معلمان به نمایندگی از امضاکنندگان این امضاها را تحويل دادند.

تجمع اعتراضی چندباره فرهنگیان اصفهان مقابل صندوق ذخیره

ایلنا، ۷ خرداد - برای چندمین بار، جمعی از فرهنگیان اصفهان مقابل صندوق ذخیره فرهنگیان تجمع کردند. معترضان گفتند، پروژه مسکن هزار واحدی فولادشهر که قرار بود به معلمان تحویل شود، پس از گذشت ده سال هنوز به نتیجه نرسیده است.

به گفته یکی از تجمع کنندگان، معلمان اصفهانی تاکنون بارها اعتراض خود را به گوش مسوولان رسانده اند، اما هیچ پاسخی نگرفته اند.

کانون صنفی معلمان تهران مقامات ذیربط را مسوول سلامتی معلم اعتصابی دانست

تنظیم و ویرایش: نیرد خلق - کانون صنفی معلمان تهران در روز ۷ خرداد، با صدور بیانیه ای نسبت به وضعیت سلامتی معلم اعتصابی، اسماعیل عبدی، ابراز نگرانی کرد و پیرامون اعتراض سراسری معلمان به ادامه بازداشت وی هشدار داد. بیانیه مزبور با یادآوری سپری شدن بیست و هفت روز از اعتصاب غذای عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران، تاکید کرد تاکنون هیچ اقدام مثبتی از سوی مسوولان برای پیگیری وضعیت وی انجام نشده است.

معلمان افزوده اند: "اسماعیل عبدی که جرمی جز پیگیری حقوق صنفی خود و دیگر معلمان انجام نداده، از تاریخ ۱۰ اردیبهشت در اعتراض به حکم امنیتی خود و با درخواست "خروج حکم از امنیتی به عادی" دست به اعتصاب غذا زده است."

آنها پرسیده اند: "جرم عبدی چیست؟ اکنون چرا او باید در زندان باشد؟ چرا باید اتهامات امنیتی به او نسبت داده شود؟ چرا به بهانه های مختلف از دادن مرخصی به او جلوگیری می شود؟ چرا از حضور در جمع خانواده محروم است؟ این سوالات در حالی بی پاسخ مانده اند که معتقدیم عبدی کاری جز این انجام نداده است که به عنوان یک معلم با اتکا به حقوق شهروندی خویش به عضویت تشکلی قانونی درآمده و برای کمک به رفع برخی ایرادات، همراه با صدها و شاید هزاران معلم در سراسر کشور به صورت مسالمت آمیز، اعتراض نموده است."

کانون صنفی معلمان تهران تاکید کرده هرگونه برخورد امنیتی با فعالان صنفی را برنمی تابد و ضمن حمایت از خواسته های اسماعیل عبدی، نگرانی خود را از وضعیت جسمی وی اعلام داشته. کانون همچنین مقامات ذی ربط را مسوول هرگونه اتفاق برای سلامتی این معلم زندانی دانسته است.

معلمان در پایان بیانیه خود هشدار داده اند: "با توجه به اینکه خواسته اسماعیل عبدی خواسته کانون صنفی معلمان تهران، اعضای آن و بسیاری از معلمان در سرتاسر کشور می باشد و با توجه به نگرانی جامعه معلمی از وضعیت ایشان، احتمال هرگونه تحرک اعتراضی از سوی بدنه در روزهای آتی دور از انتظار نیست."

تجمع مربیان حق التدریس مقابل مجلس

خانه ملت، ۹ خرداد - جمعی از معلمان حق التدریسی مراکز فنی حرفه ای در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی مقابل مجلس تجمع کردند. به گفته یکی از مربیان تجمع کننده، دو سال از برگزیده شدن آنها در آزمون استخدامی می گذرد اما سازمان مربوطه اقدامی در راستای اعطای حکم به این افراد نکرده است.

وی افزود، بعد از گذشت ۱۶ ماه از اعلام نتایج، از ۳۵۶۹ نفر پذیرفته شده در آزمون استخدامی معلمان حق التدریس، فقط برای ۲۳۰۰ نفر حکم کارگزینی صادر شده و مابقی، یعنی بیش از ۱۲۰۰ نفر به علت نبود پست سازمانی در بلا تکلیفی کامل به سر می برند و حقوق تعداد زیادی از این قشر فرهیخته و خدمت رسان در جامعه در حال تضییع و پایمال شدن است.

در همین حال رییس سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور مدعی شد مقدمات تبدیل وضعیت ۱۱۵۸ نفر از این معلمان آماده شده است.

محمدامین سازگارنژاد گفت: "سال گذشته ۷۵ درصد مشکل استخدام مربیان حق التدریس این سازمان حل شد و ۲۵ درصد آن به دلیل وجود برخی دستورالعملهای قانونی باقی مانده است که به دنبال برطرف کردن آنها هستیم."

تجمع معلمان قراردادی و حق التدریسی سراسر کشور مقابل مجلس



مهر، ۱۶ خرداد - بیش از هزار نفر از معلمان قراردادی وزارت آموزش و پرورش با تجمع در جلوی درب اصلی مجلس شورای اسلامی خواهان پیگیری تبدیل وضعیت و مطالبات خود شدند. تجمع کنندگان با شعارهایی همچون "۳۰ هزار حق التدریس، استخدام استخدام" و "دولت منتخب، حمایت حمایت" خواهان استخدام خود پس از سالها سابقه کاری شدند. معترضان همچنین از دست اندرکاران کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس خواستند تا برای لغو آزمون استخدامی معلمان که سالها سابقه کاری دارند، اقدام کنند.

همچنین جمعی از معلمان نهضت سوادآموزی نیز در تجمعی مشابه خواستار رسیدگی به وضعیت استخدامی خود و تغییر شیوه پرداخت دستمزدشان شدند.

چند تن از این معترضان با بیان اینکه از سال ۹۱ تاکنون حق بیمه آنها واریز نشده، گفتند: "مسوولان هیچ توضیحی در این رابطه به ما نمی دهند."

از جمله مشکلات دیگر معلمان نهضت سوادآموزی که در این تجمع به آن اشاره شد، نحوه پرداخت حقوق به آنهاست که بر اساس قبولی هر سواد آموز است. تجمع کنندگان خواهان اصلاح این روش بودند.

یکی از معلمان ساکن ساری در همین رابطه گفت: "پس از کلی تلاش برای دانش آموختن یک فرد ۴۹ ساله و صرف انرژی برای آن، سوادآموز به دلیل فصل شالیرازی در امتحان شرکت نمی کند و در نهایت این ما هستیم که ضرر می کنیم. یا مثلا سوادآموزی که مادری ست دارای چند فرزند، در فصل امتحانات به دلیل بیماری فرزندش در امتحان شرکت نمی کند و در آخر دستمزدی به ما پرداخته نمی شود."

در این دو تجمع، معلمان از استانهای البرز، قم، خراسان رضوی، تهران، مازنداران، خوزستان، قزوین و برخی استانهای دیگر کشور نیز حضور داشتند.

جان باختن یک معلم در حادثه تروریستی تهران



ایلنا، ۱۷ خرداد - هانیه اکبری، از آموزشیاران نهضت سوادآموزی، که روز چهارشنبه ۱۷ خرداد به اتفاق جمعی از همکارانش در ادامه تجمع دیروزشان برای پیگیری مطالبات خود به جلوی مجلس رفته بودند، در جریان حادثه تروریستی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

هانیه اکبری ۳۷ ساله، از آموزشیارانی بود که تا پیش از این در شهرستان نورآباد دلفان در استان لرستان مشغول فعالیت بود.

این آموزشیار معترض در جریان تجمع اعتراضی که روز گذشته با مشارکت جمعی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی مقابل مجلس برپا شده بود، به تهران آمده و در ادامه پیگیری مطالبات خود و همکارانش امروز نیز به همان محل مراجعه کرده بود.

تشکل رسمی خواستار ابقای وزارت دانش آشتیانی شد

جماران، ۲۷ خرداد - دبیرکل "سازمان معلمان ایران" حمایت این تشکل را از ابقای مجدد دکتر دانش آشتیانی برای وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد.

علیرضا هاشمی ارسنجانی گفت: "پس از پیروزی گفتمان عقلانیت و امید در انتخابات، شاهد تحرک بیشتر وزیر آموزش و پرورش هستیم که باید آن را به فال نیک گرفت و تداومش را به انتظار نشست."

وی همزمان گفت: "البته مدت صدارت کوتاه وی، چندان برای ارزیابی دقیق و درست مناسب نیست اما به طور ضمنی، سازمان معلمان ضمن داشتن ملاحظاتی، این عملکرد را مثبت ارزیابی نموده است.

هاشمی اضافه کرد: "البته که باید وزیر را نقد کرد، اما باید توجه داشت که این نقد باید همراه با قید مسوولیت باشد. به تعبیری، مهم تر از افشاگری شر موجود، معرفی راه های رسیدن به خیر بدیل است."

جدایی انجمنهای اولیا و مربیان از آموزش و پرورش

ایسنا، ۲۹ خرداد - مدیرکل انجمن اولیا و مربیان از تهیه اساسنامه جدید برای انجمنهای اولیا و مربیان خبر داد و افزود:



"از این پس این انجمنها به صورت هیات امنایی اداره خواهند شد و باید به عنوان یک مجموعه غیردولتی فعالیت کنند." نورعلی عباسپور در توضیح علت این تغییر گفت: "قرار نیست انجمن توجیه گر فعالیتهای آموزش و پرورش باشد، بلکه باید جدای از آموزش و پرورش بتواند مطالبات اولیا را دنبال کند."

وی افزود: "امروزه به علت تحول و تغییرات در ابزارها و تکنولوژیها، بسیاری چیزها از جمله آموزش به سرعت در حال تحول و تغییر هستند و اگر بخواهیم جامعه ای توانمند داشته باشیم، ضرورت دارد افرادی توانا پرورش دهیم تا بتوانند تصمیمات مناسب اتخاذ کنند."

وی گفت: "در حال حاضر بیش از ۹۲ هزار مدرسه دارای انجمن اولیا و مربیان هستند و حدود ۸۰۰ هزار نفر در این انجمنها عضویت دارند."

تجمع دانش آموزان تهرانی در اعتراض به لو رفتن سوالات

تسنیم، ۲۹ خرداد - تعدادی از دانش آموزان تهرانی از صبح امروز در اعتراض به لو رفتن سوالات امتحانات نهایی، مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند.

یکی از دانش آموزان معترض گفت: "در اعتراض به لو رفتن گسترده سوالات امتحانات نهایی، تجمع کرده ایم، اما متأسفانه مسوولان این وزارتخانه در رابطه با لو رفتن سوالات پاسخ روشنی به ما نمی دهند و از اساس منکر این موضوع هستند."

به گفته این دانش آموز، سوالات امتحانات نهایی در تمام دروس لو رفته است و اغلب دانش آموزان به آن دسترسی داشته اند.

مادر یکی از دانش آموزان نیز می گوید از ساعت هفت صبح سوالات امتحانات نهایی در دست دانش آموزان بود و این در حالی است که امتحان راس ساعت هشت صبح شروع می شد. کانالهای بسیاری در تلگرام به فروش سوالات مشغول بودند. دانش آموزان در تجمع امروز خود مقابل وزارت آموزش و پرورش خواستار روشن شدن وضعیت لو رفتن سوالات امتحانات نهایی و چرایی این موضوع هستند، به گفته آنها، نمرات امتحانات نهایی در تعیین سرنوشت شان برای ورود به دانشگاهها تأثیرگذار است، چرا که سهم ۲۵ درصدی در کنکور دارد.

کارورزان سلامت (خرداد ۹۶)

امید برهانی

مهم ترین تیترو رویدادهای این ماه اعلام ۱۱ هزار پزشک خارج از شغل پزشکی، تصویب طرح پرستاری در منزل و رونمایی از "چادر پرستاری" در یکی از دانشگاههای علوم پزشکی بود که با هم می خوانیم.

طرح تحول سلامت اصلاح نشود، شکست می خورد

مهر، ۱ خرداد - یک متخصص پزشکی اجتماعی گفت: "اگر وزارت بهداشت به سمت اصلاح طرح تحول سلامت نرود، به زودی در تمام فازها شکست می خورد."

کامبیز عباچی زاده، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بهشتی، اظهار داشت: "طرح تحول سلامت را نمی توان به این اسم خواند، بلکه این طرح صرفاً طرح تحول بیمارستانها است."

این متخصص پزشکی اجتماعی افزود: "یکی از اصلی ترین مشکلات طرح تحول سلامت، رشد تقاضای القایی است که این موضوع باعث افزایش هزینه های طرح و افزایش فشار به بیمه ها شده است." وی افزود: "توزیع ناعادلانه کارانه در بیمارستان سبب کاهش کیفیت خدمات شده است. برای مثال در بیمارستانی از حراست تا کادر پرستاری و جراحی برای درمان بیمار به کار گرفته می شوند، ولی با اختلاف زیادی بیشترین کارانه را پزشک می گیرد و این موضوع سبب نارضایتی پرسنل بیمارستانها شده که نتیجه آن کاهش سطح کیفی بیمارستانهاست."

روحانی شعارها و برنامه های خود را اجرا کند

نظام پرستاری، ۲ خرداد - عضو شورایی نظام پرستاری کشور گفت: "رییس جمهور بدهکار مطلق جامعه پرستاری است، زیرا در دور اول بی مهریهای زیادی علیه جامعه پرستاری در وزارت بهداشت ایشان صورت گرفت." علی اشرف رحمان پناه افزود: "بنده از رییس جمهور منتخب ملت می خواهم شعارها و برنامه های خود را مطابق اختیارات قانون اساسی اجرا کند و اگر جایی هم موانعی هست، بدون مصلحتهایی که در مناظرات اعلام می کردند، به ملت بگویند تا خود ملت راه اجرای آن را پیدا کنند."



وی افزود: "ما هنوز باوجود توان و ظرفیت بالای علمی و عملی و اجرایی، در سیاست گذاریها دخالت داده نمی شویم. ما سنگ زیرین آسیاب برنامه ها و مشکلات نظام سلامت هستیم، ما تابلوی تمام نمای عملکرد سلامت هستیم، اما هنوز دیده نشده ایم."

عضو شورایی نظام پرستاری کشور یادآور شد: "ما معتقد به اصلاحاتیم و برای اصلاح امور تلاش می کنیم. ما مطالبه گریم و همه بدانند ما برای پیش نیامدن برخی چیزها از خود گذشتیم به نفع ملت و دولت. از دولت هم جز قانون و اجرای قانون نمی خواهیم."

رحمان پناه تصریح کرد: "در انتخاب وزیر باید با اکثریت اعضای یک سیستم همفکری شود. اگر فقط از یک گروه خاص نظرخواهی بشود، همان می شود که تمام منافع یک طرح زیربنایی تحت تاثیر گرایش صنفی به یک گروه خاص و محدود می رسد و همه و بدتر از همه دولت و ملت زیانش را و بار مسوولیتش را بردوش خواهند کشید."

هشدار نسبت به تعطیلی انبوه آزمایشگاهها پس از قرارداد با ترکیه

مهر، ۳ خرداد - جمعی از نمایندگان انجمنهای علوم آزمایشگاهی کشور، نسبت به قرارداد یک شرکت ترکیه ای با وزارت بهداشت برای تاسیس شبکه آزمایشگاهی در ایران، انتقاد کردند.



دکتر فرید کرمی، نایب رییس انجمن آسیب شناسی ایران، از قرارداد یک شرکت ترکیه ای برای ساخت "مگالاب" در کشور خبر داد و افزود: "مگالابها را تجمیع چند آزمایشگاه بزرگ تشکیل می شود و اگر قرار است این الگو در کشورمان اجرا شود، می بایست به وضعیت موجود آزمایشگاه های تشخیص طبی نگاه کنیم."

وی ادامه داد: "آزمایشگاههای ما هیچ کمبودی به لحاظ فنی و علمی ندارند، مشکل در مدیریت کلان حوزه سلامت است، زیرا طرز تفکر غالب بر وزارت بهداشت این است که آزمایشگاههای ما این توان را ندارند و خارجیها بهتر می توانند کار کنند."

همچنین دکتر سید مهدی بوترابی، رییس انجمن دکترای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی ایران، با اشاره به بحران مالی آزمایشگاههای بخش خصوصی گفت: "با تاسیس مگالاب در کشور، سرنوشت آزمایشگاههای بخش خصوصی چه می شود و چه آینده شغلی برای شاغلین در این مراکز متصور است؟ تاسیس مگالاب در کشور منجر به تعطیلی و نابودی آزمایشگاه های کوچک می شود."

دکتر میرمجید مصلائی، عضو انجمن دکترای علوم آزمایشگاهی، با اشاره به بازدیدی که از آزمایشگاههای ترکیه داشته گفت: "در این کشور قبل از ایجاد مگالاب که به ۱۰ سال قبل باز می گردد، در حدود دو هزار آزمایشگاه تشخیص طبی وجود داشته است که در حال حاضر به پانصد آزمایشگاه رسیده است."

وی ادامه داد: "از پانصد آزمایشگاه فعال در ترکیه، در حدود ۶۰ تا ۷۰ آزمایشگاه مگالاب فعالیت دارد و مابقی همان آزمایشگاه های قبلی هستند."

مهاجرت پرستاران ۳۰۰ برابر شده است

شرق، ۴ خرداد - دکتر ژاله عزتی، معاون فنی، آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پرستاری و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بهشتی به افزایش میزان مهاجرت میان پرستاران و تمایل فارغ التحصیلان این رشته به خروج از کشور اشاره کرد و از ۳۰۰ برابر شدن مهاجرت پرستاران - چه مشغول به کار و چه فارغ التحصیلان - در سالهای اخیر خبر داد.

به گفته وی این مهاجرتها بیشتر به این دلیل است که شرایط جذب برای این پرستاران در وزارت بهداشت وجود ندارد و وقتی شرایط کار را با کار در خارج از کشور مقایسه می کنند، ترجیح می دهند کشور دیگری را انتخاب کنند.

این درحالی است که وعده های کارانه های پرستاران از سوی دولت نیز عمدتاً محقق نشده و فشار کار بر پرستاران را دوچندان کرده است. وزیر بهداشت نیز خود در نشستی در روز پرستار از پرستاران به دلیل بدهیها معذرت خواهی کرد و وعده تحقق وعده ها را داد.

براساس گزارشها و آمارهای سازمان نظام پرستاری، تعداد پرستاران در ایران برخلاف استاندارد های بین المللی، یعنی به ازای هر صد بیمار، حداقل سه پرستار یا حتی در شرایط ایران ۱،۵ پرستار بوده است. این فشار در دوران اجرای طرح تحول سلامت بیشتر نیز شده است.

تجمع کارکنان بیمارستان امام سجاد یاسوج

فارس، ۹ خرداد - جمعی از پرستاران و کارکنان بخش سرپایی بیمارستان امام سجاد یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و دیگر مطالبات شان مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. یکی از این پرستاران به نمایندگی از

دیگر پرستاران گفت: ۶ ماه است که حقوق، بیمه و مزایای ما پرداخت نشده و وقتی به مسوولان بیمارستان مراجعه می‌کنیم می‌گویند دانشگاه متولی است و دانشگاه علوم پزشکی عدم تعیین پیمانکار را دلیل پرداخت نشدن مطالبات ما عنوان کرده است.

۱۱ هزار پزشک گمشده: پزشکانی که طبابت نمی‌کنند

مهر، ۱۲ خرداد - آنطور که رییس سازمان نظام پزشکی کشور عنوان داشته، در سالهای اخیر ۱۱ هزار فارغ التحصیل پزشکی، هنوز برای دریافت شماره نظام پزشکی به این سازمان مراجعه نکرده اند.

اصغر سلیمی، نماینده سمیرم در مجلس و دارای مدرک دکترای پزشکی، در واکنش به این اظهارات گفت: "بحث پزشکی در کشور کلاف سردرگم شده و هنوز برای حمایت از پزشکان و استفاده درست از ظرفیت آنها در حوزه بهداشت و درمان برنامه ریزی نشده است."

وی ادامه داد: "تعدادی از پزشکان که جذب حرفه پزشکی نشده و در واقع انگیزه لازم را نداشتند که به نظر می‌رسد باید مشکلات پزشکان جوان بیش از گذشته رسیدگی شود تا انگیزه بیشتری برای ورود در عرصه سلامت بین پزشکان شکل گیرد."

وی یادآور شد: "باید تمهیداتی اندیشیده شود تا حداقل نیازهای مالی پزشکان جوان فراهم شود. البته با طرح پزشک خانواده وزارت بهداشت قاعدتا نباید مشکلی در زمینه عدم به کارگیری پزشکان عمومی داشته باشیم، اما به نظر می‌رسد اغلب مراکز خالی از پزشک در مناطق محروم وجود دارد که بسیاری از این پزشکان تمایلی برای ارائه خدمت در مناطق محروم ندارند."

تجمع اعتراضی شرکت کنندگان در آزمون دستیاری تخصصی پزشکی

فارس، ۱۳ خرداد - تعدادی از شرکت کنندگان آزمون دستیاری تخصصی پزشکی سال ۹۶، مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند.



تجمع کنندگان نسبت به عدم مطابقت کارنامه با نمره ها و رتبه ها و لو رفتن سوالات این آزمون اعتراض دارند.

یکی از متقاضیان آزمون دستیاری گفت: "تعدادی از افراد با نمره های بالاتر، ضرایب درسی کمی به آنها تعلق گرفت و برعکس بودند افرادی که نمره کمتری داشتند، اما ضرایب درسی بالاتری داشتند."

وی ادامه داد: "همچنین سوالات آزمون قبل از برگزاری لو رفته بود و تعدادی از دانشجویان از سوالات خبر داشتند. تعدادی از دوستان قبل از شروع امتحان سوال و جوابها را به هم می‌گفتند."

تجمع کنندگان گفتند اعتراض شان به لو رفتن سوالات و عدم تطابق کارنامه و رتبه افراد را به سازمان سنجش پزشکی اعلام کرده اند، اما آنها این موضوع را نپذیرفتند به همین دلیل برای اعلام اعتراض خود مقابل وزارت بهداشت تجمع کرده‌اند. آنها افزودند در صورتی که به وضعیت شان رسیدگی نشود، هفته آینده مقابل مجلس جمع خواهند شد.

تجمع اعتراضی نیروهای آموزش دیده کمک پرستاری

فارس، ۱۶ خرداد - نیروهای آموزش دیده بهیاری (کمک پرستاری) در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند. به گفته تجمع کنندگان، دو سال پیش که به دلیل کمبود نیرو، کمک پرستار در بیمارستانها جذب شد، دوره آموزشی با عنوان بهیاری یکساله (که بعداً این نام به کمک پرستاری تغییر کرد) توسط وزارت بهداشت برگزار شد و به

افراد شرکت کننده قول جذب ده هزار نیروی بهیار داده شد، اما متأسفانه پس از اتمام دوره تنها ۱۲۰ نفر از این افراد به عنوان بیماربر و چند نفر به عنوان کمک بهیار جذب و بقیه بلا تکلیف رها شدند.

تشکلهای پرستاری خواستار توقف طرح تربیت پرستار بیمارستانی شدند

نظام پرستاری، ۱۷ خرداد - مجمع تشکلهای مردم نهاد پرستاری شامل انجمن علمی پرستاران قلب ایران، انجمن علمی پرستاری ایران، انجمن پرستاری ایران، خانه پرستار و سازمان نظام پرستاری در نامه ای به معاونت آموزشی وزارت بهداشت و درمان خواستار کاهش ظرفیت پذیرش دانشجوی پرستاری و توقف تربیت پرستار بیمارستانی شدند.

در این نامه آمده است: "مجمع تشکلهای مردم نهاد پرستاری بر این باور است که سپردن تربیت پرستار به بیمارستانها گامی به عقب محسوب می شود و حرفه پرستاری را از مسیر آکادمیک خارج می سازد. این اقدام با اصل لزوم رجوع و توجه به نظر خبرگان هر رشته که در سیاستهای دولت تدبیر و امید مورد تاکید جدی قرار دارد نیز در تضاد است." نامه ارسالی می افزاید: "تاریخچه حرفه پرستاری در ایران و جهان نشان دهنده حرکت آموزش پرستاری بیمارستان محور به آموزش پرستاری آکادمیک است و لذا عقب گرد و حرکت در خلاف مسیر تکاملی حرفه پرستاری که هدف غائی آن حفظ و ارتقای سلامت آحاد جامعه است، امری منطقی نبوده و نخواهد بود."

تشکلهای یاد شده خواستار شده اند: "درباره مفاد ابلاغیه وزارت بهداشت مبنی بر تربیت پرستار در بیمارستانها و افزایش ظرفیت رشته پرستاری که در برخی قسمتها مغایر با "آیین نامه توسعه همکاری بیمارستانها و مراکز بهداشتی درمانی با دانشکده پرستاری و مامایی در آموزش دانشجویان پرستاری" است، ملاحظاتی همچون استفاده از نظر خبرگان، انجام تحقیقات میدانی و التزام به اجرای آیین نامه توسعه همکاری مورد توجه قرار گیرد."

چادر سیاه بر سر سفید پوشان

به دنبال رونمایی از چادر مخصوص پرستاران در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، وزارت بهداشت لباس جدید نمایش داده شده را با مبانی علمی و کارشناسی پوششهای پزشکی و پرستاری مغایر خواند.



محمد میرزا بیگی روز ۱۹ خرداد در مصاحبه ای گفت: "این تصمیم در سطح وزارت بهداشت به هیچ عنوان مورد تایید نیست و توصیه می شود که از این گونه تصمیمات شخصی و سلیقه ای در مسایلی با ابعاد کشوری پرهیز شود."

مسئولان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان گفته بودند دانشجویان پزشکی و طراحان لباس به طور مشترک این پوشش را پیشنهاد داده اند. برخلاف پوشش پرستاری مرسوم در جهان، این لباس سیاه رنگ

است و از چادر سیاه رنگ و روپوش سفید ترکیب شده است.

آیت الله سلیمانی، نماینده ولی فقیه در استان سیستان و بلوچستان و امام جمعه زاهدان، هفته گذشته به طور رسمی از این پوشش رونمایی کرد. (تنظیم و ویرایش: نیرد خلق)

خودداری بیمارستانهای گلزار و قائم رشت از پذیرش بیمار

فارس، ۲۸ خرداد - مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران با اشاره به عدم پذیرش بیمه شدگان بیمه سلامت ایران در دو بیمارستان خصوصی گلزار و قائم رشت گفت: "تلاش کردیم تا مطالبات این دو بیمارستان را تا حد امکان پرداخت کنیم و آنها حق ندارند که از پذیرش بیماران خودداری کنند."

محمد جواد کبیر، مدیرعامل سازمان بیمه سلامت، اظهار کرد: "اقدام این دو بیمارستان خصوصی، از نظر حقوق بیمار و حقوق سلامت جامعه اخلاقی نبود و در همین راستا دستور دادیم که قرارداد بیمه سلامت با آنها لغو شود زیرا نمی توانیم بپذیریم که واحدهای درمانی یکسویه قرارداد خود را لغو کرده و از پذیرش بیماران خودداری کنند، چراکه در این صورت، در کشور شاهد بی نظمی و به خطر افتادن حقوق بیماران خواهیم بود."

وی در باره میزان بدهی بیمه ایران به بیمارستانهای مزبور سکوت کرد اما گفت: "در حال حاضر حدود ۷ ماه است که مطالبات بیمارستانهای دولتی را هم نتوانسته ایم پرداخت کنیم، اما آنها به ارایه خدمات به بیمه شدگان ادامه می دهند."

دولت قانون "پرستاری در منزل" را تصویب کرد

تسنیم، ۳۰ خرداد - هیات وزیران با تصویب تعرفه خدمات تشخیصی و درمانی در سال ۱۳۹۶، تعرفه خدمات پرستاری در منزل را نیز تعیین کرد.

در این رابطه محمد شریفی مقدم، معاون سازمان نظام پرستاری، با اشاره به اینکه خدمات پرستاری در منزل، ۶۰ سال قبل در آمریکا و اروپا وجود داشته و تحولی عظیم برای نظام سلامت این کشورها به همراه داشته، عنوان کرد: "مهمترین موضوع، کاهش هزینه های نظام سلامت و بیمه ها به ۳۰ درصد است، ضمن اینکه کیفیت خدمات پرستاری در منزل به مراتب بهتر از بیمارستان خواهد بود. این خدمات در منزل باعث کاهش عفونتهای بیمارستانی و از همه مهم تر، کمتر شدن مرگ و میر بیماران خواهد شد، کما اینکه با توجه به روند سالمند تر شدن جامعه ایرانی، مسلما مردم به خدمات پرستاری در منزل، نیاز مبرم و بیشتری خواهند داشت."



زنان در مسیر رهایی (خرداد ۹۶)

اسد طاهری

بازداشت و جلوگیری از حضور یک دختر در ورزشگاه آزادی تهران



حقوق بشر در ایران، ۱ خرداد - یک دختر جوان پس از حضور پنهانی در ورزشگاه آزادی برای تماشای بازی استقلال ایران و العین امارات، از سوی ماموران یگان ویژه دستگیر شد.

او پس از تفتیش بدنی، از ورزشگاه خارج و به بازداشتگاه منتقل شد.

عاصمه جهانگیر، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران، در نخستین گزارش خود تصریح کرده که تبعیض علیه زنان همچنان در این کشور ادامه دارد.

محرومیت یک فوتبالیست به دلیل فعالیت همسرش در فضای مجازی

ایران نبرد، ۴ خرداد - فدراسیون فوتبال، محسن فروزان، دروازه بان صبای قم، را به دلیل فعالیتهای همسرش در عرصه مدینگ به مدت سه ماه از حضور در میادین فوتبال محروم کرد.

در حکم فدراسیون فوتبال که به وی ابلاغ شده، اتهام وی "انتساب همسرش به اهالی فوتبال" ذکر شده است.

فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی در همین حکم، همسر محسن فروزان را به "عدم رعایت سئونات اسلامی و اخلاقی در سطح افکار عمومی و لطمه زدن به فوتبال" متهم کرده است.

بازرسی از وضعیت حجاب پرستاران در بیمارستانها



شورای ملی مقاومت، ۱۲ خرداد - یک روز بعد از عقب نشینی سخنگوی وزارت کشور در رابطه با بازرسی از وضعیت حجاب در ادارات و ارگانهای خصوصی و دولتی، تقویم جدیدی منتشر شد که به موجب آن در زمینه پوشش پرستاران و کارمندان بیمارستانهای دولتی و خصوصی بازرسی به عمل خواهد آمد.

طبق تقویم ابلاغی به استانداریهای سراسر کشور که از ابتدای ماه رمضان زمان بندی شده، تیمهای بازرسی به

سراغ عملکرد دستگاههای مختلف در حوزه حقوق شهروندی و البته عفاف و حجاب خواهند رفت. نکته جالب توجه در این لیست، گنجانده شدن نام بیمارستانهای دولتی و خصوصی به عنوان دستگاههایی است که بازرسان از دهم تیرماه سال ۹۶ برای بازرسی به آنجا مراجعه خواهند کرد. به گفته طراحان این اقدام، بازرسیها "بر اساس برنامه های ۹ گانه حقوق شهروندی و برنامه های ۱۰ گانه عفاف و حجاب" صورت خواهد گرفت و "متخلفان" تهدید به "برخورد" شده اند.



امام جمعه ساوه فعالان زن را "روسی" خواند

آفتاب نیوز، ۱۳ خرداد - حجت الاسلام سید ابراهیم حسینی، امام جمعه ساوه، در خطبه نماز جمعه این شهر با اشاره به کمپین چهارشنبه های سفید گفت: "برخی با کمک دشمنان، زنان بی هویت و بی عفت را الگو قرار می دهند، از جمله آنها چهارشنبه های سیاه است که به لحاظ دغل بازی آن را چهارشنبه سفید مطرح می کنند. می خواهند جامعه را به لجن بکشند. این طرح توطیه ای حساب شده برای حذف حجاب اسلامی است."

وی ادامه داد: "در این کمپین از خانمها دعوت می شود تا هرچهارشنبه بدون استفاده از حجاب در مجامع و معابر عمومی حاضر شده و با استفاده از نماد شال سفید، در تقابل با چادر مشکی حاضر شوند." حسینی بیان کرد: "نماد شال سفید مانند نماد سبز و بنفش جریان فتنه و مانند پرچم خانمهای بدکاره بر درخانه های روسپیهای دوران جاهلیت است."

وی افزود: "همانطور که آیت الله مکارم شیرازی در دیدار با رییس جمهور فرمودند، طوری نباشد که بعضیها خیال کنند اوضاع عوض شده است."

بازداشت فعال حقوق زنان در عربستان



بی بی سی، ۱۴ خرداد - "لجین الهدلول"، فعال حقوق زنان، در فرودگاه بین المللی ملک فهد در دمام عربستان سعودی دوباره بازداشت شد.

طبق اطلاعات عفو بین الملل، لجین الهدلول قرار بوده که عصر یکشنبه گذشته از دمام به ریاض انتقال داده شود تا توسط دفتر دادستانی مورد بازجویی قرار گیرد. او از دسترسی به وکیل محروم شده و اجازه نداشته که با خانواده اش تماس

گیرد. مقامات هنوز علت دقیق بازداشت او را معلوم نکرده اند، اما عفو بین الملل باور دارد که دستگیری او در ارتباط با فعالیتهای حقوق بشری او است.

لجین الهذلول یک فعال برجسته حقوق بشر است که در آذر ۱۳۹۳ پس از به چالش کشیدن ممنوعیت رانندگی زنان در عربستان و رانندگی از امارات به عربستان سعودی، به مدت ۷۳ روز بازداشت شد. لجین الهذلول خود را در انتخابات ایالتی سال ۹۴ در عربستان نامزد کرد. این اولین انتخابات در عربستان بود که زنان در آن حق رای دادن و نامزد شدن داشتند. او به عنوان نامزد به رسمیت شناخته شد، اما نام او هیچگاه به برگه های اخذ رای اضافه نشد.

راهپیمایی حامیان جنبش مبارزه با خشونت علیه زنان در آرژانتین



صدای امریکا، ۱۴ خرداد - آرژانتین این روزها صحنه حرکت‌های اعتراضی علیه نابرابری و خشونت علیه زنان است.

جنبشی که از دو سال پیش با شعار "حتی یک زن هم نباید آزار ببیند" فعالیت می کند، روز شنبه ۱۳ خرداد با راهپیمایی در "بوینس آیرس" ادامه پیدا کرد. شرکت کنندگان در آن، بار دیگر زنان را به مبارزه برای حفظ حقوق شان فراخواندند.

معترضان با خود تابلوها و پلاکاردهایی را حمل می کردند که بر آنها شعارها و جملاتی در محکوم کردن عملکردها و رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان نوشته شده بود.

"مانوئلا کاستانرا"، فعال سیاسی در باره این فعالیتها گفت: "در این سالها آگاهیهای اجتماعی بیشتر شده، زنان از طیفهای بیشتری در اجتماع به این جنبش پیوسته اند، اما آنچه تغییر نکرده بی تفاوتی و بی اعتنایی دولتهای قبلی و فعلی به دادخواهی زنان است. به همین دلیل هم این حرکت هم هنوز ادامه دارد."

جنبش مبارزه با خشونت علیه زنان، خواستار آموزش جوانان علیه نابرابریهای جنسیتی و قانونی کردن سقط جنین همراه با مراقبتهای بهداشتی است.

این جنبش که دو سال پیش در واکنش به قتل یک دختر نوجوان شکل گرفت، اکنون از مرزهای آرژانتین گذشته و به جنبشی بین المللی تبدیل شده است.

"آدا بناتریس ریگو"، رهبر کمیته محلی این جنبش گفت: "زنانی که در خانه با خشونت با آنها رفتار می شود، بدانند که تنها نیستند و اگر قدم اول را بردارند و خودشان را از این وضعیت رها کنند، تشویق می شوند. این بخشی از تحول فرهنگی است که باید صورت گیرد."

دادگاه عالی آرژانتین هفته پیش تلفات ناشی از خشونتهای جنسیتی در سال گذشته در این کشور را در میان زنان ۲۵۴ نفر اعلام کرد. این آمار نشان می دهد سال گذشته در آرژانتین در هر ۳۵ ساعت یک زن جان خود را از دست داده است.

مسجد فمینیستی برلین در جست و جوی تغییر

رادیوزمانه، ۲۷ خرداد - داخل ساختمانی با آجرهای قرمر، جدیدترین و شاید عجیب ترین مسجد برلین قرار دارد؛ مسجدی که "سیران آتش"، در آن انقلابی فمینیستی برپا کرده است.

در این مسجد زن موذن مسلمانان را برای نماز فرا می خواند و در یک اقدام سنت شکن دیگر، زنان و مردان که معمولا برای نماز از هم جدا می شوند، روی زمین کنار هم نشسته اند و نماز می خوانند.

سیران آتش که خودش را یک مسلمان فمینیست می نامد، بنیانگذار این مسجد جدید است. او قدم روی فرش کرم رنگ می گذارد و خطبه می خواند. دو امام جماعت، یک زن و یک مرد، بعد نمازهای روز جمعه را به عربی می خوانند. نماز با پیوستن دو خاخام برای بازدید و خواندن یک آهنگ به عبری که درباره دوستی است، پایان می یابد.

نماز جمعه در مسجد "ابن رشد- گوته" این چنین پایان می یابد: ارایه گونه ای دیگر از اسلام. با وجود مشکلاتی مانند افراط گرایی در اروپا و سراسر جهان، آتیس و حامیان او می گویند که برای این مشکلات راه حل ساده ای دارند: ارایه اسلامی پیشرو و حتی فمینیستی. آتش می گوید: "هدف ما این است که به اسلام لیبرال فضایی امن ببخشیم."

آتش، مسجد برلین را از راه دریافت کمکهای مردمی راه اندازی کرده است. او به دلیل فعالیتهايش در حوزه زنان بارها تهدید به مرگ شده است.

حضور زنان در ورزشگاه، نخستین هدف "آتش به اختیاری" حزب الله

رادپوزمانه، ۲۷ خرداد - انصار حزب الله تهدید کرده که اگر از ورود زنان به استادیوم جلوگیری نشود، خودشان بر اساس



فرمان "آتش به اختیاری" رهبر ایران از این اتفاق جلوگیری خواهند کرد.

حسین الله کرم، رییس شورای هماهنگی حزب الله، در صفحه اینستاگرامی خود نوشت: "این تشکل شکایت از وزارت ورزش و جوانان دارد که صدها تماشاگر دختر و زن را به طور غیرقانونی و غیرشرعی به مسابقات اخیر والیبال مردان کشانده است."

انصار حزب الله روز جمعه ۲۶

خرداد با تهیه طومار و جمع آوری امضا، از صادق لاریجانی، رییس قوه قضاییه، خواست مانع ورود زنان به ورزشگاهها برای تماشای مسابقات لیگ جهانی والیبال در تهران شود. این تشکل تهدید کرد: "لطفا دستور رسیدگی دهید، والا مجبوریم بر اساس بند (م) وصیت نامه امام راحل و امر آتش به اختیاری امام خامنه ای جلوگیری کنیم."

انصار حزب الله در حالی نسبت به ورود زنان به ورزشگاهها اعتراض می کند که این کار هنوز برای همه زنان میسر نشده است. شقایق یزدانی، همسر پزشک تیم ملی والیبال ایران در پستی اینستاگرامی پس از نخستین بازی تیم ملی والیبال ایران و حضور تعدادی از زنان در این بازی نوشت: "متأسفانه ورود به استادیوم هنوز برای عموم بانوان آزاد نشده و فقط همسران و خانواده اعضای تیم ملی که اسم شان در فدراسیون نوشته شده، با ارایه کارت شناسایی حق ورود دارند."

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در خرداد ۱۳۹۶

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

جنبش غارت شدگان

در ماه گذشته غارت شدگان موسسات مالی دست به حرکت‌های اعتراضی زدند. این موسسات ابتدا توسط نیروی انتظامی



رژیم ایجاد شد و پس از آن سپاه پاسداران نیز با ایجاد بانگهای متعدد وارد این جریان شد و در ابتدا با پرداخت سندهای مناسب به سپرده گذاران، پولهای مردم را جمع آوری و در نهایت با اعلام خالی بودن ذخیره پولی موسسه، پولهای مردم را بالا کشیدند. با برملا شدن این شگرد ضد انسانی، مردمی که سپرده های آنان دود شده بود دست به اعتراضهای گوناگون زدند که اخبار بخشی از این اعتراضات در شماره های گذشته نبرد خلق منتشر شده است.

حرکت‌های اعتراضی سپرده گذاران موسسات مالی اوج جدیدی گرفت و در شهرهای مختلف جنبش اعتراضی سپرده گذاران شکل گرفت. این اعتراضات علاوه بر تهران در شهرهای مشهد، اهواز، بابل، ساری، آمل، همدان، دورود، آبادان، خرمشهر، بوشهر، زاهدان، رفسنجان، مهران، دهلران، یاسوج، محلات، ایلام، دلفان، رامهرمز، کوهدشت، شوش، امیدیه، الیگودرز، اردبیل، ازنا، الشتر، رشت، گرگان، نهاوند، بروجرد، خرم آباد، مینودشت، کرمانشاه، سوسنگرد و ... به صورت تجمع انجام گرفت.

روز دوشنبه ۸ خرداد، غارت شدگان توسط موسسه کاسپین متعلق به سپاه پاسداران که خود را فریب خورده بانک مرکزی می دانند، از سراسر کشور خود را به تهران رسانده و مقابل بانک مرکزی در خیابان میرداماد تجمع کردند و این تجمع سبب بسته شدن این خیابان شد. به گزارش دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، تجمع کنندگان در این حرکت اعتراضی با مأموران سرکوبگر که قصد پراکنده ساختن آنها را داشتند، درگیر شدند. مردم خشمگین شیشه های در شمالی بانک را شکستند و خیابان میرداماد را بسته و شعار می دادند: «عزا عزاست امروز روز عزاست امروز - سپرده ما مردم روی هواست امروز»، «دولت بی کفایت خجالت خجالت»، «کاسپین دزدی کرده، بانک مرکزی حمایت کرده». در این تظاهرات گسترده زنان حضور چشمگیری داشتند. روز چهارشنبه ۱۰ خرداد، تجمع‌های اعتراضی غارت شدگان توسط موسسه کاسپین در شهرهای مختلف از جمله در تهران، نیشابور و مشهد ادامه پیدا کرد.

به گزارش خانه ملت، جمعی از سپرده گذاران مؤسسه مالی و اعتباری کاسپین روز سه شنبه ۱۶ خرداد، برای چندمین بار در اعتراض به عدم پرداخت وجوه خود و همچنین بی توجهی به سود سپرده های شان مقابل مجلس تجمع کردند. در هفته آخر خرداد دهها حرکت اعتراضی از جانب سپرده گذاران در شهرهای تهران، سمنان، دامغان، گرمسار، لنگرود، اهواز، تویسرکان، اندیمشک، جهرم، آستارا، شیراز، اراک، مشکین شهر، مسجد سلیمان، سبزوار، کرج، سبزوار، سوسنگرد و ... صورت گرفت. به گزارش تصویر روز، روز دوشنبه ۲۹ خرداد، پاسدار حسین ساجدی نیا سرکرده پلیس تهران تجمع موسسات مالی را «غیر قانونی» اعلام کرد. وی در جمع خبرنگاران گفت: «تنها روز گذشته ۲۴ تجمع مقابل مؤسسات مالی در تهران برگزار شده و «ایست و بازرسیها تا اطلاع بعدی در سطح شهر تهران ادامه دارد.»

۱۷۷ حرکت اعتراضی

*بامداد روز دوشنبه ۱ خرداد، کارگران معادن زغال سنگ البرز مرکزی (شرکت سامان) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و جلوگیری از تعطیلی معادن و بیکارشدن، در میدان شهر زیرآب سوادکوه تجمع کردند که منجر به مسدود شدن جاده سوادکوه به سمت تهران شد. به گزارش ایلنا، نماینده کارگران شرکتهای خصوصی زغال سنگ البرز مرکزی سوادکوه مسدود کردن جاده سوادکوه را آخرین راه حل برای دریافت مطالبات و رهایی از بن‌بست ذکر کرد.

*روز سه شنبه ۲ خرداد، یک روز پس از حادثه دلخراش کارخانه فولاد یاسوج، جمعی از کارگران و خانواده های کارگران آسیب دیده این واحد تولیدی در اعتراض به وضعیت ایمنی و بهداشتی و عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد زدند. به گزارش صدا و سیما، تجمع کنندگان گفتند: علاوه بر عدم پرداخت مطالبات معوق توسط مدیرعامل و مسئولان کارخانه، حتی از کمترین امکانات و تجهیزات اولیه ایمنی هنگام بروز حوادث و یا آتش سوزی نیز محروم هستند.

*روز سه شنبه ۲ خرداد، کارگران اخراجی سد چمشیر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان و برای بازگشت به کار مقابل فرمانداری گچساران تجمع کردند. به گزارش آفتاب جنوب، یکی از کارگران اخراج شده سد چمشیر گفت: بیشتر این کارگران اخراجی متاهل و دارای فرزند هستند و تامین مخارج زندگی بعد از اخراج بسیار برایمان سخت است و نمی توانیم جواب زن و بچه هایمان را دهیم.

*بامداد روز سه شنبه ۲ خرداد، تعدادی از موتورسیکتهای پیمانکاری شرکت حمل و نقل ریلی رجاء در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه دست از کار کشیدند و در محوطه راه آهن تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که طرف قرارداد با شرکت پیمانکاری «طاها» هستند، گفتند: مطالبات مزدی ما در سال جدید پرداخت نشده و وعده هایی که شرکت پیمانکاری به ما داده، هیچ کدام محقق نشده است.

*روز سه شنبه ۲ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل برای بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران با بنر نوشته هایی همچون: «مبارزه با فساد با شعار محقق نمی شود اقدام و عمل لازم است»، «معوقه ۱۷ ماهه»، «عزا عزاست امروز روز عزاست امروز- کارگر ذوب آهن رو به فناست امروز» و... اعتراض شان را به نمایش گذاشتند.

*بامداد روز چهارشنبه ۳ خرداد، جمعی از کارگران شاغل و بازنشسته بخش صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل ساختمان اداری این مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران خواستار پرداخت سهم ۴ درصدی بازنشستگی خود در مشاغل سخت زیان آور هستند و در عین حال پاداش بهره برداری سالهای ۹۴ و ۹۵ را از کارفرما طلبکارند.

همچنین کارگران شاغل بخش صنعت مجتمع که در این حرکت اعتراضی همکاران بازنشسته خود را همراهی می کردند، گفتند بابت یک ماه مزد معوقه و پاداش و بهره برداری سالهای ۹۴ و ۹۵ دست به اعتراض زده اند.

*روز دوشنبه ۱ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه آذر آب در هفتمین روز اعتصاب شان در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و مطالبات دیگرشان، به مرکز شهر اراک آمده و در میدان صنعت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض از روز سه شنبه ۲۶ اردیبهشت برای معوقات مزدی خود در محوطه کارخانه تجمع کردند اما هر بار به جز وعده، سخن دیگری

از زبان کارفرما و مسئولان مربوطه نشنیدند. روز سه شنبه ۲ خرداد، اعتصاب کارگران کارخانه آذر آب پس از یک هفته و آمدنشان به شهر اراک و تجمع در میدان صنعت و وعده پرداخت مطالبات شان طی دوهفته آینده پایان گرفت.

*به گزارش تیتراژ، روز چهارشنبه ۳ خرداد برای دومین روز متوالی کارگران کارخانه آجر ماشینی آزادشهر در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مقابل فرمانداری اجتماع کردند. کارگران کارخانه آجر ماشینی آزادشهر: ما برای طلب حق و حقوقمان معترض گفتند: گاز کارخانه قطع شده است. بیمه ما را خیلی وقت است نریخته اند، عیدی و پاداش ما را نداده اند، حقوق ما را بین ۱۳ تا ۱۵ ماه نداده اند، حق اولاد و ... را نمی دهند.

*روز چهارشنبه ۳ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه فرآورده های نسوز پارس در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و برای بازگشت به کار مقابل اداره کار استان یزد تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران کارخانه فرآورده های نسوز پارس گفت: ۵-۶ ماه است حقوق نگرفته ایم، دو ماه هم هست که به ما قول می دهند امروز و فردا بیائید سر کار اما در این دو ماه هم به وعده خود عمل نکرده اند.

*بامداد روز پنجشنبه ۴ خرداد، جمعی از کارگران شهرداری فسا با همراهی خانواده های شان دست به یک تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران خبر بعضی از کارگران ۱۵ ماه است حقوق به آنها داده نشده است. یکی از کارگران گفت: پول برای درمان فرزندم ندارم و برای دادن هزینه های درمان فرزندمان باید از این و آن قرض کنیم.

*بامداد روز شنبه ۶ خرداد، حدود ۲۰۰ کارگر بخشهای خدمات و فضای سبز شهرداری آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق، مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، این کارگران در بخشهای آسفالت، فضای سبز، خدمات شهری و دیگر بخشهای شهرداری آبادان کار می کنند و حدود پنج ماه است که حقوق و مطالبات آنها پرداخت نشده است.

*روز چهارشنبه ۳ خرداد، جمعی از رانندگان تاکسی ویژه فرودگاههای تهران مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این رانندگان به سوء مدیریت نالایق آقای میثم مظفر رییس پیشین سازمان تاکسیرانی که باعث بیکار شدن آنها شده معترض و خواستار ورود مجلس به این قضیه شدند. روز شنبه ۶ خرداد، تاکسیرانان فرودگاهی تهران همچون روزهای گذشته مقابل وزارت کار و وزارت راه برای سومین روز تجمع کردند.

*روز یکشنبه ۷ خرداد، جمعی از کارگران شهرداری بروجرد در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق ابتدا مقابل شهرداری و سپس مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش بازتاب بروجرد، در این تجمع کارگران شهرداری بروجرد خواستار رسیدگی به این وضعیت بودند و گفتند پنج ماه است حقوق دریافت نکرده و زندگی آنها هر روز با مشکلات بیشتری همراه می شود.

*بامداد روز شنبه ۶ خرداد، جمعی از اهالی روستای مال حاجی دهستان جاوید در اعتراض به مشکلات و کمبود آب آشامیدنی مقابل اداره آب و فاضلاب روستایی شهرستان ممسنی تجمع کردند. به گزارش دیار ممسنی، روستای مال حاجی یکی از روستاهای شهرستان ممسنی است که مردمش چندین سال است با مشکل کمبود آب شرب مواجه هستند و طبق گفته یکی از معترضان علیرغم مراجعات مکرر، اقدام عملی از سوی مسئولان صورت نگرفته است.

*به گزارش ایلنا، بامداد روز یکشنبه ۷ خرداد، کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری بروجرد در اعتراض به ۵ ماهه مزد معوقه مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

*روز دوشنبه ۸ خرداد، اعتصاب و تجمع کارگران شرکت هیپکو اراک که حدود سه ماه و نیم حقوق معوق دارند سومین روز را پشت سر گذاشت. به گزارش اراک امروز، کارگران در محوطه شرکت تجمع کردند. شرکت هیپکو به عنوان بزرگترین تولید کننده ماشین آلات راه سازی کشور با ظرفیت ۱۵ الی ۲۰ درصدی مشغول فعالیت است و برای افزایش تولید این شرکت نیازمند ۲۰ میلیارد تومان نقدینگی است.

*روز دوشنبه ۸ خرداد، کارگران گرانول شهاب میبد در استان یزد به دنبال قطع ناگهانی گاز کارخانه مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کار چندین مرتبه دیگر نیز صورت گرفته که این عمل باعث خسارت زیادی به دستگاهها و خط تولید می شود.

*بامداد روز دوشنبه ۸ خرداد، تعدادی از کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه به دلیل پرداخت نشدن حق بیمه ۴ درصد سهم کارفرما به تامین اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، کارگران مشمول بازنشستگی، پس از پیگیری مکرر از طریق مدیریت و عدم تغییر شرایط شان، در اعتراض به سیاستهای دولت در واگذاری شرکت به بخش خصوصی و انجام ندادن تعهدات شرکت دست به تجمع زدند.

*بامداد روز شنبه ۶ خرداد، حدود ۳۰۰ نفر از کارگران پیمانکاری شاغل در پروژه های فاز ۱۳ کنگان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل دفتر کارفرمای اصلی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران از طریق یکی از پیمانکاران به نام پایندان در پروژه در دست ساخت یونتهای ۱۰۱، ۱۰۴ و ۱۰۵ فاز ۱۳ کنگان مشغول کارند و بابت مطالبات مزدی زمستان گذشته تاکنون از کارفرمای خود طلبکارند. روز سه شنبه ۹ خرداد، برای چهارمین روز متوالی، اعتصاب کارگران پیمانکاری شاغل در پروژه های فاز ۱۳ کنگان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان ادامه پیدا کرد.

*ظهر روز سه شنبه ۹ خرداد، کارگران اخراجی کارخانه ذوب آهن اردبیل در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مقابل دفتر امام جمعه اردبیل تجمع کردند. به گزارش آفتاب جنوب، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: در حالی که تنها منبع درآمد من و خانواده ام برای معیشت و گذران زندگی درآمد حاصل از اشتغال من در کارخانه است، چندین ماه است که حقوقی از کارخانه دریافت نکرده و این امر من و خانواده ام را به شدت در تنگنا قرار داده است.

*بامداد روز یکشنبه ۷ خرداد، کارگران خدماتی شهرداری منطقه ۲ آبادان در اعتراض به چند ماه از معوقات مزدی خود دست از کار کشیده و تجمع کردند. به گزارش ایرنا، تجمع این کارگران در روز سه شنبه ۹ خرداد و در سومین روز متوالی مقابل شهرداری مرکزی این شهر صورت گرفت.

*روز سه شنبه ۹ خرداد، تعدادی از کارگران خدماتی شاغل در بخشهای مختلف شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و عیدی دست به تجمع مقابل منطقه آزاد اروند زدند. به گزارش ایرنا، کارگران معترض گفتند: در هوای گرم و شرجی خرمشهر از بامداد تا دیر وقت، مشغول نظافت و کار هستیم به امید آنکه حداقل برای خانواده روزی حلال ببریم، ولی همین حقوق کم نیز به موقع پرداخت نمی شود.

*بامداد روز سه شنبه ۹ خرداد، حدود ۱۵۰ نفر از کارگران فضای سبز مناطق ۳ و ۴ اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و حق شیر روزانه، مقابل شهرداری مرکزی اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، جمعی از این کارگران گفتند که

پیمانکاران این دو منطقه که کارهای مربوط فضای سبز را بر عهده دارند دستمزدهای فروردین و اردیبهشت ماه آنان را پرداخت نکرده اند.

*روز سه شنبه ۹ خرداد، کارگران شهرداری دلفان در استان لرستان، برای ابراز اعتراض خود به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق دست از کار کشیده و مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش تسنیم، کارگران و حتی کارمندان شهرداری دلفان بیش از شش ماه است که حقوق نگرفته و وعده مسئولان همیشه در حد یک وعده باقی مانده است.

*روز سه شنبه ۹ خرداد، تعدادی از کارگران شهرداری نورآباد در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و مطالبات دیگر دست به اعتصاب زدند و مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این رانندگان مدت ۴ ماه حقوق نگرفته و حدود ۶۰۰ میلیون ریال از شهرداری طلب کارند.

نورآباد یکی از شهرهای استان فارس در جنوب ایران است. این شهر مرکز شهرستان ممسنی است
*بامداد روز سه شنبه ۹ خرداد، تاکسیرانان فرودگاهی تهران در ادامه اعتراضات روزهای گذشته شان دست به تجمع مقابل مجلس زدند. به گزارش خانه ملت، نماینده رانندگان معترض به خبرنگاران گفت: روز ۶ خرداد پس از تجمع مقابل وزارت راه و شهرسازی، نماینده وزیر راه و شهرسازی به میان ما آمد و اعلام کرد که وزیر به فرودگاه خمینی دستور داده است که قرارداد با شرکت تعاونی تاکسیرانی تهران تمدید شود، اما مسئول مربوطه فرودگاه از انعقاد قرارداد با شرکت تعاونی تاکسیرانی تهران سر باز می زند.

*روز سه شنبه ۹ خرداد، رانندگان سرویس رفت و آمد کارگران کارخانه پتاس شهرستان خور و بیابانک در استان اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت ماهها مطالبات شان مقابل ساختمان اداری شرکت تجمع کردند. به گزارش سفیر خور، معترضان علت تجمع خود را عدم پرداخت هشت ماه حقوق عنوان کردند و افزودند: مسئولان شرکت هر روز وعده می دهند که به زودی پرداختها انجام می شود.

*روز چهارشنبه ۱۰ خرداد، تعدادی از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه مقابل تعاونی مسکن شرکت واحد تجمع کردند. به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد، پروژه این تعاونی شامل ۳۱۴ واحد است و در حال حاضر ۲۶۵ عضو دارد و بیش از چهار سال از زمان تحویلش می گذرد و تا کنون رانندگان شرکت واحد چندین تجمع مقابل شهرداری و شورای شهر برگزار کردند اما تاکنون هیچ نتیجه مطلوبی بدست نیاوردند .

*بامداد روز پنج شنبه ۱۱ خرداد، جمعی از کوهنوردان، دوستداران طبیعت و ساکنان روستاهای اطراف کوه سرخ و روستای دره جوز شهرستان رفسنجان در اعتراض به تخریب منطقه توسط معدن کاران مقابل فرمانداری زرند تجمع کردند. به گزارش سایت هیات کوهنوردی شهرستان رفسنجان، تجمع کنندگان دست نوشته هایی با مضامین «حمایت از محیط زیست، حمایت از زندگیست»، «مرگ هر بوته سبز، مرگ ما انسانهاست»، «کوه سرخ از طبیعت زیباییست، حفاظت خواهیم کرد» در دست داشتند.

کوه سرخ در فاصله ۳۵ کیلومتری غرب زرند، مرز بین شهرستانهای رفسنجان و زرند واقع شده است.

*بامداد روز شنبه ۱۳ خرداد، جمعی از کارگران اخراج شده معدن سرب و روی انگوران در استان زنجان و اهالی این منطقه در اعتراض به معضل بیکاری و بکارگیری نیروهای غیربومی در این معدن، مقابل «شرکت کالسیمین» تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش شمیم ماهنشان، جمعی از کارگران بومی را این شرکت اخراج و بعد با واسطه گری اداره کار قبول داده بودند آنهایی که اخراج شدند در قسمت کیک شویی شرکت که قرار بود دوباره بازیافت مواد را داشته باشد استخدام کنند،

اما این امر تاکنون محقق نشده است. معدن سرب و روی انگوران در منطقه انگوران و شهر دندی از توابع شهرستان مانیشان (ماهنشان) در ۱۳۵ کیلومتری غرب زنجان واقع شده است.

*روز شنبه ۱۳ خرداد، ۵۰۰ نفر از کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه به دلیل دست نیافتن به مطالبات خود، جاده بین المللی اندیمشک اهواز را بستند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران بازنشسته به دلیل تاخیر و بدقولی کارفرما نسبت به انجام تعهداتش، مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع نمودند. اما به علت این که کارفرما فقط حاضر به پرداخت بخشی از مطالبات سالهای ۹۴ و ۹۵ آنها شد، کارگران خشمگین شده از شرکت خارج شده و جاده بین المللی اهواز - اندیمشک را بستند که موجب ترافیک سنگینی در این مسیر شد که بلافاصله با مداخله نیروهای انتظامی و دعوت کارگران به مذاکره جاده باز شد و آنان به کارخانه بازگشتند.

*روز سه شنبه ۱۶ خرداد، گروهی از مستندسازان که نسبت به نحوه همکاری و ثبت صنف خود در خانه سینما اعتراض داشتند، مقابل خانه سینما تجمع کردند. به گزارش ایسنا، تجمع کنندگان با پلاکاردهایی در دست که روی آنها نوشته شده بود؛ «خانه مستندسازان کجاست؟» خواست خود را اعلام کردند.

*عصر روز سه شنبه ۱۶ خرداد، کارگران کارخانه آذراب اراک در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست به تجمع مقابل استانداری مرکزی زدند. به گزارش اراک امروز، یکی از کارگران تجمع کننده گفت: کارگران شرکت حدود چهار ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. یک کارگر این شرکت با بیان اینکه بخشی از فعالیتهای شرکت ساخت تجهیزات نفت و گاز، تجهیزات پالایشگاهی و پتروشیمی است افزود: متأسفانه شرایط کشور به گونه ای است که سرمایه گذارهای دولت در پروژه های نفت و گاز و عمرانی به دلیل افت شدید قیمت نفت به شدت کاهش یافته است که به دلیل ارتباط مستقیم فعالیتهای آذراب به وجود چنین پروژه هایی، بخش زیادی از ظرفیتهای این شرکت بلا استفاده باقی مانده است.

*روز یکشنبه ۱۴ خرداد، رانندگان تاکسی بی سیم در شهر یاسوج در اعتراض به اخذ هزینه های اضافی توسط مراکز بی سیم، مقابل سازمان بازرسی کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش چهار فصل، معترضان گفتند: کمیسیون نظارت استان کهگیلویه و بویراحمد در اسفند ۹۵ نرخی را برای پرداخت حق کمیسیون تاکسیها مشخص کرد که این نرخ باید به مدت یک سال بدون تغییر باشد و بعد از یکسال ۲۰ درصد افزایش یابد.

*روز سه شنبه ۱۶ خرداد، کشاورزان و عشایر شهرستان رابر در اعتراض به انتقال آب رودخانه سرمشک به سد صفارود مقابل فرمانداری رابر تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، به دنبال تجمع این کشاورزان در فرمانداری، فرماندار رابر از برگزاری دو جلسه در استان کرمان در زمینه این موضوع و پیگیری طرح انتقال آب رودخانه سرمشک به سد صفارود خبر داد.

*بامداد روز چهارشنبه ۱۷ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه ملی فولاد اهواز برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و مطالبات دیگر، مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع اعتراضی کارگران در روز اول در محوط کارخانه و مقابل دفتر مدیریت برپا شده بود.

*روز چهارشنبه ۱۷ خرداد، کارگران کارخانه روغن نباتی نهال گل بروجن در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق، حق بیمه و مطالبات دیگر مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش کلار، یکی از کارگران تجمع کننده ضمن بیان این که شرکت نهال گل ۶ ماه حقوق به ما پرداخت نکرده است، گفت: نصف عیدی سال گذشته را هم هنوز دریافت نکرده ایم.

*روز دوشنبه ۱۵ خرداد، کارگران شاغل در نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد ماههای فروردین و اردیبهشت ماه سالجای و پاداشهای سالهای ۹۴ و ۹۵ برای دومین روز اعتصاب و در محوطه شرکت تحصن کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال این اعتصاب قائم مقام شرکت، سیامک نصیری افشار با حضور در میان کارگران اعتصابی با تحکم و فریاد اعلام کرد هر کس به سر کار خود برنگردد اخراج می شود و در ادامه افزود در صورت ادامه اعتصاب درب شرکت را می بندیم و تعطیل اش می کنیم. پس از این سخنان، کارگران به طور یکپارچه اقدام به هو کردن او کردند. به گزارش ایلنا، بامداد روز سه شنبه ۱۶ خرداد، بیش از هزار کارگر شاغل و بازنشسته مجتمع نی شکر هفت تپه، برای سومین روز متوالی مقابل درب ورودی این کارخانه تجمع کردند. روز چهارشنبه ۱۷ خرداد، اعتصاب بزرگ کارگران شرکت نیشکر هفته تپه که با مشارکت بیش از هزار کارگر شاغل و بازنشسته و نی بر و با همراهی خانواده های شان در محل شرکت صورت گرفت، پس از مذاکره و توافق با رئیس امور اداری پایان یافت.

*روز شنبه ۲۰ خرداد، جمعی از کارگران پیمانی شهرداری شهر نی ریز، در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که در شهرداری شهر نی ریز در استان فارس مشغول کارند گفتند: عدم پرداخت ۲ ماه حقوق شان باعث شده تا از لحاظ معیشتی دچار مشکلات زیادی شوند.

*مردم دلوار شنبه شب ۲۰ خرداد، با تجمع مقابل بخشداری این شهر خواستار از سرگیری تخلیه ته لنجی در گمرک دلوار شدند. به گزارش سوک، معترضان ضمن تجمع مقابل بخشداری دلوار، با خودرو و موتورسیکلت خیابان مقابل بخشداری را مسدود کردند. بسیاری از لنج داران و فعالان اقتصادی بخش دلوار که کالاهای خود را در این شهر تخلیه می کنند، هم اکنون دچار مشکل شده و خواستار رفع محدودیتهای موجود هستند.

دلوار شهری است بندری بر کرانهٔ خلیج فارس در استان بوشهر ایران. دلوار مرکز بخش دلوار شهرستان تنگستان است



*بامداد روز یکشنبه ۲۱ خرداد، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در ادامه اعتراضات روزهای گذشته خود، مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض گفت: ما اینجا جمع شده ایم تا حقمان که همان حقوق عقب افتاده، پول صندوق و بدهی سالانه است را مطالبه کنیم. این در حالی است که این شرکت به روند تولید خود ادامه داده و محصولات تولیدی آن به خوبی در حال فروش هستند ولی معلوم نیست چرا درآمدهای شرکت به تامین حقوق کارگران اختصاص نمی یابد.

*بامداد روز یکشنبه ۲۱ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه گسترش توسعه صنعت آذربایجان در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل اعتراض کارگران شاغل در این واحد تولیدی، تاخیر در پرداخت مزد آنها در یک سال و نیم گذشته بود.

*روز یکشنبه ۲۱ خرداد، کشاورزان منطقه غرب اصفهان، در اعتراض به عدم تخصیص مناسب آب و محرومیت از حق آبه خود، برای دومین روز متوالی روبروی شرکت آب منطقه ای استان اصفهان تجمع کردند. به گزارش فارس، اعتراض کشاورزان شهرستان فلاورجان و شهرهای قهدریجان، قلعه سفید، نجفآباد، جوزان و روستاهای توابع آن به کاهش جریان آب رودخانه و عدم کفایت آن برای آبیاری مزارع و باغهای این منطقه بود.

*روز دوشنبه ۲۲ خرداد، کارگران کارخانه فولاد بوییر یاسوج به دنبال توخالی در آمدن وعده های مسئولان نسبت به پرداخت مطالبات شان و امنیت شغلی شان و نیز عدم برخورداری امکانات لازم جهت ایمنی کار، برای باری دیگر دست به تجمع مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد زدند. به گزارش بویرخبر، کارگران حاضر در این تجمع اعتراضی که در سه سال گذشته چند نوبت برای پیگیری معوقات مزدی و مشخص نبودن شرایط ادامه کارشان تجمع کرده بودند، اکنون علاوه بر پیگیری مطالبات معوقه خواستار توجه به شرایط آنان از جمله در زمینه ایمنی حاکم در کارخانه فولاد بوییراحمد شدند.

*بامداد روز سه شنبه ۲۳ خرداد، حدود ۳۰۰ کارگر کاغذ پارس در هفت تپه دست از کار کشیدند و اقدام به تحصن در محوطه شرکت کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این اعتصاب در پی عدم پرداخت حقوق اردیبهشت ماه این کارگران و ایجاد فضای امنیتی در کارخانه صورت گرفت و آنان علاوه بر تاکید به دریافت فوری دستمزد معوقه خود و برداشته شدن فضای امنیتی از کارخانه، خواهان یک ساله شدن قراردادهای یک ماهه خود، بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل و برگزاری انتخابات جهت انتخاب نمایندگان کارگری شدند.

*بامداد روز سه شنبه ۲۳ خرداد، سیصد کارگر بازنشسته شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به خلف وعده کارفرما برای پرداخت چهار درصد سهم کارفرما به صندوق سازمان تامین اجتماعی دست به تحصن در حسابداری شرکت زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این تحصن در پی آن صورت گرفت که کارفرما در اعتراض روز ۱۷ خرداد و بدنبال آن در اعتراض روز ۲۰ خرداد این کارگران، وعده پرداخت چهار درصد سهم کارفرما به صندوق سازمان تامین اجتماعی را داده بود اما علیرغم این وعده ها تاکنون هیچ اقدام عملی جهت انجام این کار از سوی کارفرما صورت نگرفته است.

*روز سه شنبه ۲۳ خرداد، جمعی از کارگران قند ممسنی شهرستان رستم در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و عدم پرداخت حقوق و حق بیمه ابتدا مقابل کارخانه و سپس در جاده سراسری تجمع کردند. به گزارش دیار ممسنی، عدم تعیین تکلیف مالک اصلی کارخانه، وضعیت حقوق و بیمه کارگران و تداوم یا تعطیلی شدن کامل کارخانه موضوعاتی است که نه تنها کارگران بلکه مردم شهرستانهای ممسنی و رستم نیز به جد پیگیر و خواستار شفاف شدن آن هستند.

*روز سه شنبه ۲۳ خرداد، کارگران رسمی و قرار دادی کارخانه گسترش توسعه صنعت آذربایجان در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه، برای سومین روز متوالی اعتصاب و در کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران توسعه صنعت آذربایجان گفت: ما در اعتراض به بی توجهی کارفرمای کارخانه در پرداخت مطالبات مزدی و بیمه ای خود دست از کار کشیده ایم.

*بامداد روز سه شنبه ۲۳ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه آجر ماشینی گلوگاه با تجمع مقابل ساختمان فرمانداری این شهر خواستار رسیدگی به وضعیت قطعی گاز و مشکلات خود شدند. به گزارش گلوگاه ما، کارگران این کارخانه گفتند: به دلیل بدهی کارخانه آجر ماشینی به شرکت گاز موجب شده که در این چند روز جریان گاز مصرفی کارخانه قطع شده است.

*روز چهارشنبه ۲۴ خرداد، جمعی از کارگران فضای سبز شهرداری منطقه ۸ اهواز در ادامه اعتراضات روزهای گذشته نسبت به عدم پرداخت حقوق، حق بیمه و مطالبات دیگر مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یک کارگر فضای سبز شهرداری منطقه ۸ اهواز گفت: امروز برای چهارمین روز پیاپی به دلیل ۳ ماه پرداخت نشدن حقوق برای

رسیدگی به مطالبات به درب شهرداری، شورای شهر و استانداری تجمع کردیم اما کسی جوابگوی مطالبات پرداخت نشده کارگران فضای سبز شهرداری منطقه ۸ نیست.

*به گزارش ایرنا، روز چهارشنبه ۲۴ خرداد، جمعی از کارگران شاغل در بخشهای خدمات شهری شهرداری منطقه ۲ آبادان در اعتراض به آنچه پرداخت نشدن سه ماه حقوق و مزایای خود مقابل ساختمان شهرداری مرکزی این شهر اجتماع صنفی برگزار کردند.

*روز چهارشنبه ۲۴ خرداد، کارگران شرکت ماهی کارون شوشتر در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی پس از فروش شرکت، دست به تجمع مقابل شرکت زدند. به گزارش خوز پرس، شرکت ماهی کارون شوشتر به عنوان بزرگترین شرکت تولیدی ماهی گرم آبی در کشور در روزهای گذشته به بخش خصوصی فروخته شده است. کارگران و کارمندان این شرکت با نگرانی این که از کار اخراج شوند، با دلهره به کار خود ادامه دادند و از سرنوشت کاری خود در این شرکت مطلع نیستند.

*روز چهارشنبه ۲۴ خرداد، رانندگان تاکسی و اتوبوس در کرمانشاه در اعتراض به عدم تحقق و پیگیری مطالبات شان از سوی مسئولان برای چندمین بار دست به اعتصاب زدند و مقابل سازمان تاکسیرانی و استانداری کرمانشاه تجمع کردند. به گزارش مهر، تاکسی داران کرمانشاه نسبت به اقساط کمرشکن و سرسام آور طرح تعویض خودروهای فرسوده و عدم توجه نسبت به بیمه رانندگان جدید اعتراض دارند. طی روزهای گذشته رانندگان اتوبوس در کرمانشاه نیز نسبت به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست به اعتصاب زدند و در اقدامی اعتراضی اتوبوسهای خود را مقابل استانداری کرمانشاه پارک کردند.

*روز چهارشنبه ۲۴ خرداد، کارگران معدن کوشک بافق در اعتراض به مرگ همکار جوان شان دست از کار کشیدند و خواستار این شدند که قبل از هرچیز، سطح ایمنی معدن به حد استاندارد رسد. به گزارش ایلنا، پس از بروز حادثه منجر به مرگ یک کارگر جوان این معدن در بیست و سوم خرداد، رئیس اداره کار بافق در محل معدن حاضر شده و با کارگران در رابطه با حادثه مذاکره کرده است. این مذاکرات، برای کارگران راضی کننده نبوده است. کارگران از عدم رعایت اصول ایمنی در این معدن انتقاد دارند.

*روز چهارشنبه ۲۴ خرداد، حدود ۳۰۰ نفر از کارگران معدن پابدانان جنوبی زرنند کرمان در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه و برای بازگشت به کار همکاران اخراجی شان برای دومین روز متوالی دست از کار کشیده و در دو راهی جاده زرنند به کرمان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض حجم معوقات مزدی پرداخت نشده را ۶ تا ۸ ماه عنوان کردند. بامداد روز پنجشنبه ۲۵ خرداد، کارگران معدن پابدانای جنوبی تونل ۶ زغال سنگ کوهبنان در ادامه اعتراضات روزهای گذشته، به همراه همسر و فرزندان خود مسیر زرنند به استانهای خراسان و یزد را مسدود کردند و تا تعیین تکلیف، قصد باز کردن این مسیر را ندارند. خواست کارگران، پرداخت کامل حقوقهای معوقه و برکناری پیمانکار این معدن است.

*بامداد روز پنجشنبه ۲۵ خرداد، پانصد نفر از کارگران روزمزد شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای شان دست از کار کشیده و اقدام به تجمع در محل کارخانه کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در پی این اعتصاب و تجمع، مدیر کارخانه با حضور جمع کارگران اعلام کرد طی تماسی که با رئیس هیات مدیره کارخانه داشته، مقرر شده است حداکثر تا روز یکشنبه هفته آینده دستمزد فروردین ماه کارگران پرداخت شود.

*روز پنج شنبه ۲۵ خرداد، جمعی از اهالی آنا در خصوص تغییر کاربری زمین روبروی کلینیک امین با حضور در شهرداری آنا همزمان با انجام مزایده این زمین اعتراض خود را به این تصمیم اعلام کردند. به گزارش آنا پرس، یکی از معترضان به این موضوع در این تجمع اعتراضی به شهردار آنا گفت: آقای شهردار شما که می‌خواهید بروید بدهی را بگذارید برای شهردار بعدی مانند شهرداران قبلی که بدهی جا گذاشتند و دلیلی ندارد برای تسویه حسابهای شهرداری همه جا را بفروشید.

*عصر روز پنج شنبه ۲۵ خرداد، نیروهای انتظامی به تجمع دامنه دار متقاضیان کار در روستاهای آق دره ۵ یورش بردند و چندین نفر از تجمع کنندگان از جمله چند زن را زخمی و تعدادی را هم بازداشت کردند. به گزارش موکریان، جمعی از اهالی روستاهای آق دره ۵ علیا، آق دره ۵ سفلی و آق دره ۵ وسط ک ۵ در مجاورت معدن طلای آق دره تکاب زندگی می‌کنند، مدت بیست روز در اعتراض به بیکاری و عدم بکارگیری آنها در این معدن دست به تحصن و تجمع مسالمت آمیز زده بودند. یکی از اهالی آق دره ۵ که نخواست نامش فاش شود در این باره گفت: «این معدن در مراتع روستاهای ما واقع شده است. بیشتر کارگران شاغل در این معدن غیر بومی هستند. فقط چند نفر از اهالی روستاهای ما در این معدن کار می‌کنند آن هم با قراردادهای فصلی.»

*روز شنبه ۲۷ خرداد، کارگران شهرداری دلفان در استان لرستان، بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه حقوق دست به تجمع مقابل فرمانداری زدند و اعتراض شان را با پهن کردن سفره خالی در خیابان به نمایش گذاشتند. به گزارش تسنیم، آخرین بار نهم خرداد ماه ۹۶ بود که کارگران شهرداری دلفان برای احقاق حق خود مقابل شهرداری این منطقه تجمع کردند که بار دیگر با وعده پرداخت حقوق در «روز شنبه» و به امید پرداخت حقوق صحنه را ترک کردند اما این وعده نیز محقق نشد و کارگران دیگر به آمدن هیچ شنبه ای امید ندارد و همچنان از گذر زندگیهای پر از سختی و مشقت دم می‌زنند.

*بامداد روز شنبه ۲۷ خرداد، حدود ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه پارس قو در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه مطالبات مزدی و مشخص نبودن زمان بازگشایی این کارخانه در محل کار خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران شرکت کننده مانند دفعات پیش بنر و پوسترهایی را حمل می‌کردند که در آن به عملکرد کارفرما و سهامداران اعتراض شده بود. هر کدام از کارگران روغن قو حدود ۳ ماه پرداخت نشده طلبکارند.

*روز شنبه ۲۷ خرداد، اعتصاب کارگران کارخانه گسترش صنعت آذربایجان پس از ۸۷ روز که ۲۷ روز آن در ماه خرداد بود، به طور موقت پایان یافت. به گزارش ایلنا، تجمع اعتصاب و حدود ۸۷ روزه کارگران گسترش توسعه صنعت آذربایجان در حالی خاتمه یافت که روز جمعه ۲۶ خرداد، دادستانی شهرستان تبریز با دعوت از کارفرما جلسه ای را برای رفع مشکلات کارگران برگزار کردند. دلیل اعتراض ۸۷ روزه کارگران در این واحد تولیدی، تاخیر در پرداخت مزدی آنها در یکسال ونیم گذشته بوده است. در این بین کارفرما فقط مبالغی را به صورت الحساب به کارگران داده است. همچنین در پرداخت حق بیمه کارگران این شرکت مشکلاتی به وجود آمده است، به طوری که حجم مطالبات بیمه ای باعث شده تا تامین اجتماعی از تمدید اعتبار دفترچه ای درمانی کارگران، از فروردین ماه سال جاری خوداری کند.

*روز یکشنبه ۲۸ خرداد، جمعی از کارگران معادن زغال سنگ هشونی غربی و ۱۲-۱۴ کوهبنان در استان کرمان همراه با خانواده های شان با تجمع در محور ورودی معدن ۱۲-۱۴ این مسیر را بستند. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، کارگران این معادن همچنین با حضور در فرمانداری کوهبنان بر پرداخت مطالبات معوق شان تاکید کردند.

*بامداد روز یکشنبه ۲۸ خرداد، جمعی از کارکنان شرکت بهره برداری مترو تهران با تجمع در ساختمان مرکزی این شرکت در چهار راه کالج به عدم پرداخت معوقات مزدی، مشکلات بیمه ای، بد حسابی صندوقهای حمایتی و نبود تشکل کارگری مستقل اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، علت برپایی این تجمع اعتراضی نارضایتی جمعیت ۸ هزار نفری کارکنان مترو تهران از بابت عدم پرداخت معوقات مزدی، مشکلات بیمه ای، بد حسابی صندوقهای حمایتی و نبود تشکل کارگری مستقل در این سازمان عنوان شده است.

*روز شنبه ۲۷ خرداد، کارگران ایستک سنندج در اعتراض به حکم اداره کل تعزیرات حکومتی استان کردستان مبنی بر توقیف ناوگان حمل و نقل کارخانه، مقابل این اداره تجمع کردند. به گزارش فارس، شرکت تولید نوشیدنیهای خورشید زریوار (ایستک) یکی از واحدهای تولیدی در استان کردستان است که در چند سال گذشته با مشکلات بسیاری مواجه بوده و باوجود این مشکلات تاکنون توانسته خط تولید خود را حفظ کند.

*بامداد روز شنبه ۲۷ خرداد، گروهی از کارگران پیمانی فضای سبز منطقه دو شهرداری اهواز که طی چند ماه گذشته حقوق نگرفته، مقابل ساختمان مرکزی شهرداری اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، حدود ۲۰۰ کارگر فضای سبز تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری «سپهر قلعه گلی» در ناحیه دو منطقه دو شهر اهواز در نتیجه بی توجهی مدیران این شرکت بابت دست کم دو ماه مزد معوقه از کارفرما طلبکارند. تجمع کارگران شهرداری منطقه دو اهواز در روز دوشنبه ۲۹ خرداد برای سومین روز پیاپی ادامه پیدا کرد.

*بامداد روز دوشنبه ۲۹ خرداد، کارگران شرکتی شهرداری منطقه ۵ زاهدان در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و عیدی مقابل این شهرداری تجمع کردند. به گزارش عصر هامون، کارگران در این تجمع از پرداخت نشدن ۵ تا ۶ ماه حقوق و عیدی گذشته خود خبر داده و از وضعیت پرداخت حق اولاد، تامین لباس و دستکش کار، پرداخت حق بیمه و غیره اعلام نارضایتی کردند.

*روز یکشنبه ۲۸ خرداد، بیش از هزار کارگر از بخشهای مختلف شرکت نیشکر هفت تپه شامل کارگران رسمی و روزمزدی در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق بهمن و اسفند ۹۵ و فروردین و اردیبهشت ۹۶ روزمزدها و حقوق اردیبهشت کارگران رسمی، پاداش سالهای ۹۴ و ۹۵ معوق، و تمدید نشدن دفترچه های درمانی دست به اعتصاب و تجمع جلوی مدیریت شرکت زدند. به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر، پس از تجمع کارگران مدیریت کارخانه، مهندس مومن غریب درخواست کرد که کارگران به اعتصاب پایان دهند که با اعتراض شدید کارگران مواجه شد. به گزارش ایلنا، اعتصاب و تجمع کارگران شرکت نیشکر هفت تپه روز سه شنبه ۳۰ خرداد وارد سومین روز پیاپی خود شد.

*به گزارش فارس، ظهر روز سه شنبه ۳۰ خرداد، رانندگان خودروهای سنگین در شهرستان لنجان در اعتراض نسبت به در اختیار نگذاشتن وظیفه حمل و نقل محموله های باری شرکت فولاد سبا مقابل این مجتمع تجمع کردند.

*بامداد روز سه شنبه ۳۰ خرداد، کارکنان شبکه کابل هوایی مخابرات مشهد در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل مقابل ساختمان مرکزی مخابرات خراسان رضوی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، خواسته اصلی تجمع کنندگان، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است. کارکنان این شرکت خواستار عقد قرارداد مستقیم با شرکت مخابرات و رفع تبعیض میان نیروهای رسمی و شرکتی مخابرات هستند. این اعتصاب در روز چهارشنبه ۳۱ خرداد، دومین روز خود را پشت سر گذاشت.

*روز یکشنبه ۲۸ خرداد، جمعی از کارگران اخراجی کارخانه روغن نباتی جهان در اعتراض به بیکارشدن و عدم بازگشت به کار و پرداخت نشدن مطالبات شان مقابل استانداری زنجان تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران با بیان اینکه «ما از آذر ماه سال گذشته بیکاریم و کسی برای برگشت به کار به سراغ ما نیامده و هر روز وضعیت بدتر از دیروز می‌شود» گفت: کارخانه اکنون به صورت صوری باز است و از فروردین ماه به بعد کارگران در کل یک ماه در شرکت حضور کامل نداشته‌اند. روز چهارشنبه ۳۱ خرداد، تجمع کارگران اخراجی کارخانه روغن نباتی جهان برای دومین بار مقابل اداره کل تأمین اجتماعی زنجان برگزار شد.

*روز چهارشنبه ۳۱ خرداد، تجمع همه روزه کارگران اخراجی کارخانه آذر آب اراک برای بازگشت به کار ادامه پیدا کرد. به گزارش ایلنا، در اولین روز خرداد سال جاری حدود ۲۲ کارگر بخش رنگ و سند پلاست توسط کارفرما اخراج شدند و هنوز وضعیت سه ماه معوقات مزدی آنها روشن نشده است. این کارگران در زمینه پروژه‌های نیروگاهی پالایشگاهی، پتروشیمی و سیمان فعالیت داشتند. این کارگران برای بازگشت به کار تقریباً هر روز مقابل درب ورودی شرکت و نهاد های دولتی مرتبط دست به تجمع اعتراضی زدند.

*روز چهارشنبه ۳۱ خرداد، جمعی از کارگران صبا فولاد زاگرس واقع در شهرک صنعتی سفید دشت در اعتراض به اعلام تعطیلی دو هفته‌ای این کارخانه در مقابل اداره کار شهرستان بروجن تجمع کردند. به گزارش کلار، کارخانه صبا فولاد زاگرس در شهرکرد، کیلومتر ۳۵ جاده بروجن و در شهرک صنعتی سفید دشت واقع شده است.

*بامداد روز ۳۱ خرداد، جمعی از کارگران معدن ۱۲-۱۴ شهرستان کوهبنان در ادامه اعتراضات شان نسبت به عدم پرداخت حقوق و شرایط کاری نامناسب مقابل دفتر امام جمعه کوهبنان تجمع کردند. به گزارش فارس، کارگران به داشتن ساعت کاری مشخص، پرداخت بی‌منظم و نامشخص حقوق، کمبود امکانات، عدم پرداخت اضافه کاری معترض بودند.

کارگران معدن ۱۴-۱۲ کوهبنان روز یکشنبه ۲۸ خرداد نیز به همراه کارگران معدن زغال سنگ هشونی غربی در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان همراه با خانواده‌های خود جاده مقابل کارخانه را بستند. در همان روز تعدادی از کارگران نیز مقابل فرمانداری تجمع کردند.



منتشر شد



زیر محک زمان

قطعه‌نامه‌های سه اجلاس شورای عالی سچفخا

(۱۳۸۸-۱۳۹۱-۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن

برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/ France

می‌توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

بهای کتاب ۷ یورو/ هزینه پستی ۲ یورو

من یک بلشویک خدا پرست هستم

مرز باریک است، اما امید واقعی است. جامعه مدنی، این حلقه برادری اسرار آمیز که از جنبشهای گوناگون ترکیب شده، از کلیساها، اتحادیه ها، سازمانهای غیردولتی که در جبهه های به کلی متفاوتی علیه نظم آدمخوار جهانی و علیه سیاستهای دولتی دست به مقاومت می زنند. این جامعه مدنی یک پدیده جدید جهانی است.

اکسپرس
برگردان: بابک



ژان سیگلر گزارشگر ویژه سازمان ملل پیرامون حق دسترسی به غذا بود و از سال ۲۰۱۳ در سمت معاون کمیسیون مشورتی شورای حقوق بشر این سازمان فعالیت می کند. او در نشست جی ۲۰ در هامبورگ هم شرکت خواهد داشت، البته در سمتی که آب پاشها هم هستند؛ همان سمتی که هیچ کمبودی ندارد. کتاب سیگلر به نام "مرز باریک امید" سال گذشته به بازار آمد. در این باره و اینکه امید کجاست، چه کسی امیدوار است و چه انتظاری از آن می رود، "اکسپرس" با او به گفتگو نشسته است.

آقای سیگلر، اسم کتاب شما "مرز باریک امید - نبردهای برده و باخته من و آنهایی که به طور مشترک برده خواهند شد" است. به راستی این امید کجاست؟ بحران گرسنگی در شرق آفریقا و همزمان تدارکات برای برگزاری اجلاس سران ۲۰ کشور در هامبورگ. شما چه انتظاری از این نشست دارید؟

اگر به نشستهایی که تاکنون برگزار شده نگاهی انداخته شود، می توان نتیجه گرفت که هر بار وعده کمک میلیاردی به آفریقا داده شده، اما در عمل پولی پرداخت نشده. من می خواهم مساله را کمی عمیق تر بشکافم. زمانی که از کشتار حقیقی، یعنی کشتار گرسنگی صحبت می شود، می بایست بین دو نوع گرسنگی تفاوت قایل شد: نخست گرسنگی ناشی از ساختارها و دیگری گرسنگی ناشی از اقتصاد.

گرسنگی ساختاری، کشتار روزانه است، نظم اقتصادی جهان سوم و کشورهای به اصطلاح رشد نیافته، به این امر مبتلا هستند. آفریقا آسیب دیده ترین قاره است. ۳۵,۲ درصد از حدود یک میلیارد آفریقایی به گونه دائمی دچار سوءتغذیه شدید هستند. بیشترین آمار قربانیان را در آسیا می توانیم ببینیم، آنجا ۶۵۰ میلیون نفر به طور مستمر با سوءتغذیه روبرو هستند. از زاویه درصدی اگر بخواهیم بگوییم، با این حال گرسنگی در آفریقا از همه جا گسترده تر است.

براساس گزارش تازه فائو (سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد - FAO) هر پنج ثانیه یک کودک زیر ده سال به دلیل گرسنگی جان می سپارد. در مجموع یک میلیارد نفر از ۷,۳ میلیارد جمعیت این کره خاکی با سوءتغذیه دائمی دست و پنجه نرم می کنند. آنها به همین دلیل زندگی جنسی، زندگی کاری، هیچ ندارند. این انسانها پریشان هستند، آنها از روز بعدشان هراس دارند. اما همین گزارش که تعداد قربانیان را اعلام می کند، می گوید که کشاورزی در موقعیتی که در حال حاضر بسر می برد، بدون هیچ مشکلی می تواند ۱۲ میلیارد نفر را تغذیه کند، یعنی نزدیک به دو برابر جمعیت کنونی جهان! کودکی که در همین لحظه می میرد، در حقیقت به قتل می رسد. امروزه در دنیا کمبود عینی مواد غذایی وجود ندارد. مشکل نبود تولید نیست، بلکه دسترسی نداشتن به آن و نبود قدرت خرید است. این معادله، علت گرسنگی ساختاری را توضیح می دهد.

مساله بعدی، گرسنگی اقتصادی است. این امر اغلب در ناتوان ترین کشورهای جهان ظهور پیدا می کند. مساله اینجا درهم فروپاشی ناگهانی یک اقتصاد است: کشاورزان نه می توانند بکارند و نه برداشت کنند، راههای حمل و نقل غیر قابل استفاده شده اند، آفت ملخ بروز می کند و غیره.

بحران گرسنگی کنونی در شرق آفریقا به ویژه در سودان جنوبی، سومالی و شمال کنیا وخیم است. افزون بر اینها، یمن هم به این درد مبتلا است. به گفته برنامه جهانی غذا، در روزهای اخیر ۲۳ میلیون نفر بی واسطه در معرض تهدید گرسنگی هستند. آنها فقط از گرسنگی رنج نمی برند، بلکه اغلب به آب پاکیزه هم دسترسی ندارند. بر اینها اضافه می شود که جنوب سومالی و جنوب سودان با یک اپیدمی وحشتناک مالاریا روبرو هستند. این عوامل، وخامت بحران گرسنگی را تشدید می کنند.

علت شکل گرفتن شرایط موجود چیست؟ اول، درگیریهای نظامی: ما شاهد هجوم جنگی عربستان به یمن هستیم، همچنین در جدیدترین عضو سازمان ملل، سودان جنوبی، جنگ دو گروه نژادی "نور" (Nuer) و "دینکا" (Dinka) جریان دارد. دوم، فلج شدن عملی برنامه جهانی غذا.

من هشت سال تمام گزارشگر ویژه حق دسترسی به غذا بودم. به همین دلیل بالا و پایین همایشهای اعلام تعهد را از حفظ هستم. این همایشها یا در رم، مقر فائو، یا در ژنو برگزار می شوند. در این همایشها مسوولان برنامه جهانی غذا وضعیت را توضیح می دهند و اعلام می کنند که به چه کمکهایی از چه کشورهایی نیاز وجود دارد. کشورهای صنعتی به این فراخوان جواب می دهند و اعلام می کنند که چقدر کمک خواهند کرد.

نتیجه همایش ۲۳ مارس این بود: برنامه جهانی غذا چهار میلیارد برای شش ماه آینده، یعنی تا سپتامبر ۲۰۱۷ در خواست کرده و دلیل آورده بود که این مبلغ حداقل میزانی است که برای پرتاب مواد غذایی با چتر و نیز ارسال آن با کامیون مورد نیاز است. اما فقط با بخش ناچیزی از این مبلغ، به طور دقیق ۲۵۲ میلیون دلار، موافقت شده. آنچه که به طور واقعی و در عمل پرداخت خواهد شد، مساله دیگری است. اغلب مبالغ وعده داده شده دوباره کمتر می شود. این بسیار ناکافی است و بنابراین می توان گفت حکم مرگ میلیونها نفر در ۲۳ مارس اعلام شده است.



چرا برنامه جهانی غذا فلج شده؟ یک دلیل آن این است که دولتهای کمک کننده مدعی هستند مشکلاتی دارند و دیگر نمی توانند یا نمی خواهند کمک کنند. دومین دلیل این است که بهای جهانی مواد غذایی پایه مانند ذرت، برنج و غلات که در مجموع ۷۵ درصد مصرف جهانی غذا را تامین می کنند، در ماههای

اخیر جهش انفجاری داشته است. یک دلیل این امر سفته بازی با مواد غذایی است.

من با چندین پرونده قضایی مواجه هستم، چون این مسایل را به طور مکرر محکوم کرده ام. با این حال یکبار دیگر هم اینجا می گویم: صندوقهای سرمایه گذاری و بانکهای بزرگ با سفته بازی با مواد غذایی سودهای افسانه ای می برند. این سفته بازی در یک چارچوب کاملاً قانونی انجام می شود، اما وقتی نرخ کالاها بالا باشد، برنامه جهانی غذا نمی تواند به اندازه لازم و کافی خرید کند. این اما به شدت مورد نیاز است، چون سازمان ملل که چیزی تولید نمی کند، بلکه فقط مواد خریداری شده را برای قربانیان ارسال می کند.

بر تمام این نابسامانیها این هم اضافه می شود که قدرتهای دارای حق وتو در سازمان ملل، در مناطق جنگی مختلف دایره عمل سازمان ملل را به کلی مسدود می کنند. برای مثال یک نیروی چند ملیتی یا کلاه آبی با یک ماموریت قوی در

سودان جنوبی وجود ندارد. افزون بر این تلاش برای ایجاد یک کریدور بشردوستانه پرواز ممنوع بر فراز مناطق مسکونی به شکست انجامیده. دلیل آن وتوی چین بود.

توضیح وتوی مزبور را می توان در این حقیقت یافت که ۱۱ درصد واردات نفت چین از سودان است. در یمن تهدید به وتوی آمریکا مانع ایجاد منطقه پرواز ممنوع است. به دلیل وتوی آمریکا، حضور سازمان ملل در یمن در عمل غیرممکن شده است. وحشتناک این است که این تراژدی با آگاهی همه دیپلماتهایی به وقوع می پیوندد که در همایشهای اعلام تعهد شرکت می کنند.

آیا جامعه مدنی وظیفه دارد که در تظاهرات و اعتراضهای خود در هامبورگ کشورهای ثروتمند را متقاعد کند که به تعهدات بشردوستانه خود در همایشهای اعلام تعهد جامعه عمل بپوشانند؟

اسم کتاب من "مرز باریک امید" است. مرز باریک است، اما امید واقعی است. جامعه مدنی، این حلقه برادری اسرارآمیز که از جنبشهای گوناگون ترکیب شده، از کلیساها، اتحادیه ها، سازمانهای غیردولتی که در جبهه های به کلی متفاوتی علیه نظم آدمخوار جهانی و علیه سیاستهای دولتی دست به مقاومت می زنند. این جامعه مدنی یک پدیده جدید جهانی است. جامعه مدنی امیدوار است. برنامه حزبی، خط حزبی و کمیته مرکزی ندارد. او فقط بر اساس وظیفه قطعی به حرکت در می آید. افراد از همه قشرهای اجتماعی، دینی و گروههای سنی در اینجا گرد هم جمع می شوند. امانوئل کانت می گفت: "رفتار غیر انسانی که با یکنفر انجام می شود، انسانیت را در من نابود می کند." مساله به سادگی به حس هویت برمی گردد: من دیگری هستم و دیگری من. این اصل، موتور خیزش مدنی است.

چه گواری می گوید: "مستحکم ترین دیوارها با شکاف ریزش می کنند." نظم آدمخوار جهانی سرنگون خواهد شد، اما نه به این دلیل که سران کشورها از خواب بیدار می شوند. رووسای جی ۲۰، ترامپ، مرکل و غیره با دستورات، استراتژی و اراده الیگارشیهای سرمایه مالی جهانی کوک می شوند. این الیگارشیها یک دیکتاتوری جهانی به پا کرده اند. بنا به آمار بانک جهانی، ۵۰۰ کنسرن بزرگ و خصوصی فراملیتی از همه بخشها، یعنی بخش صنعت، بخش مالی و غیره، ۵۲٫۸ درصد تولیدات جهانی، یعنی بیش از نیمی از ثروت تولید شده در جهان در طول یکسال را کنترل می کنند. این کنسرنها از هر گونه پایش اجتماعی، اتحادیه ای یا پارلمنتاری فرار می کنند.

آنها البته تواناییهای زیادی دارند، برای مثال بر پیشرفت علمی و تکنولوژیک مسلط هستند، با این حال اما فقط یک پرنسیب عمل و یک استراتژی دارند و آن کسب حداکثر سود در کوتاهترین مدت زمان است. این کنسرنها امروز از قدرتی برخوردارند که پیش از این هرگز هیچ قیصر و پادشاهی روی کره زمین نداشته. آنها از همه دولتها روی هم قوی تر هستند. آنها یک بخش کوچک الیگارشی با قدرتی باورنکردنی هستند. سران دولتهای جی ۲۰ فقط سرویس دهنده، دستیار و مجری علایق کنسرنها هستند. رووسای جمهور همدستان موسسات خصوصی هستند و نه دولتمردان مستقل اندیش. اما در برابر آنها امروز یک پدیده تاریخی قرار گرفته و آن جامعه مدنی جهانی است. جامعه مدنی در هامبورگ حاضر خواهد بود. من هم خواهم آمد و صحبت خواهم کرد. هامبورگ نقطه ای است که از آنجا مقاومت شکل می گیرد.

آقای سیگلر، نزدیک به یک ربع قرن پیش، در سال ۱۹۴۸ در وین دومین کنفرانس حقوق بشر که توسط پطرس غالی سازماندهی شده بود، برگزار شد. کنفرانس با صدور "منشور وین" پایان یافت. چه انتظاراتی از این منشور می رفت و آیا اهداف تعیین شده در آن زمان تحقق یافتند؟

این واقعا سووال خوبی است. زمانی که کنوانسیون حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس از سوی مجمع عمومی به تصویب رسید، حقوق سیاسی و اجتماعی تعریف شدند. آن زمان بحث شدیدی بین کمونیستها و دنیای غرب در گرفته بود. کمونیستها می گفتند، مساله نان در درجه اول اهمیت قرار دارد، همانگونه که برشت گفت: "یک برگه رای، گرسنگان را سیر نمی کند، برای بیسوادها، آزادی مطبوعات بی ارزش است."

بلوک کمونیستی استدلال می کرد که در مرتبه نخست باید حقوق اجتماعی و اقتصادی بشر تحقق یابد و بعد در پی آن حقوق سیاسی و مدنی می تواند در دستور کار قرار گیرد. قدرتهای غربی موضوع را برعکس می دیدند و می گفتند: شما ریاکار هستید، شما فقط به این دلیل از حقوق اجتماعی و اقتصادی دفاع می کنید، چون نمی خواهید دموکراسی برقرار کنید. بلوک کمونیستی در مقابل، غرب را متهم می کرد شبه دموکراسی ایجاد کرده و علاقه ای به عدالت اجتماعی و تامین مادی ندارد. در آن دوره قدرتهای غربی نظر خود را پیش بردند. به همین دلیل منشور حقوق بشر ۱۹۴۸ در عمل فقط اهداف سیاسی و مدنی را در بر گرفته است.

زمانی که نظم جهانی دوقطبی در اگوست ۱۹۹۱ فرو ریخت، دبیرکل وقت سازمان ملل فرصتی که ایجاد شده بود را دریافت و بی درنگ یک کنفرانس حقوق بشر در وین برگزار کرد که در آن باید برای اولین بار، جهان شمولیت حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیز مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته می شد. دستاورد کنفرانس وین این بود که همه اجزای حقوق بشر، جهان شمول، تجزیه ناپذیر و خودنهاد به رسمیت شناخته شدند. آمریکاییها به گونه تراژیکی از رای دادن به بیانیه نهایی خودداری کردند. با این وجود کنفرانس وین یک تحول مهم تاریخی است. حال مساله این است که حقوق بشر در عمل هم تحقق یابد، برای مثال در مبارزه علیه گرسنگی.

ما می توانیم ممنوعیت سفته بازی روی کالاهای ضروری غذایی را هدف قرار دهیم. این را واقعا همین فردا صبح می توانیم انجام دهیم، چرا که در دموکراسی استیصال وجود ندارد و چرا که هیچ بورسی وجود ندارد که در فضای تهی از قانون فعالیت کند. میلیونها نفر در پی این اقدام در زمان کوتاهی نجات خواهند یافت. ما می توانیم این کار را بکنیم. برای مثال زمانی که وزیر دارایی اتریش برای شرکت در مجمع عمومی صندوق بین المللی پول در ژوین به واشنگتن سفر می کند، می توانیم او را مجبور کنیم که نه طرف طلبکاران در فرانکفورت، وین، لندن و غیره، بلکه در طرف کودکان در حال مرگ، یعنی لغو کامل دیون ۵۰ کشور فقیر دنیا قرار گیرد.

از این طریق کشورهای یاد شده سرانجام امکان سرمایه گذاری در ساخت مدرسه، بیمارستان، تاسیسات آبی و کشاورزی را پیدا خواهند کرد. ما می توانیم به این هدف دست یابیم. وزیر دارایی آلمان که از آسمان نازل نشده، او بر پایه رای مردم آلمان در این پست قرار گرفته. آنگاه که الیگارشسی سرمایه داری درنده می خواهد به ما بقبولاند که از نظر اخلاقی شاید حق داشته باشیم، اما کاری از دستمان بر نمی آید، آنوقت باید خلاف این را به آنها ثابت کنیم و این فاصله را از بین برداریم. چرا که این نیروهای بازار نیستند که بر به اصطلاح قوانین طبیعی مسلط هستند، بلکه کماکان انسانها هستند که قوانین را می نویسند.

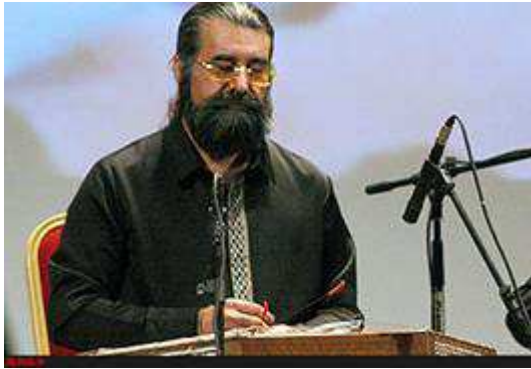
شما در کتاب خود می نویسید که عمیقا باور دارید تاریخ یک معنا و جهت دارد. شما می گوید شما به انسان شدن بشر باور دارید. چه تفاوتهایی جهان نگری شما با مدل مرحله ای ماتریالیسم تاریخی دارد؟

من بلشویکی هستم که به خدا اعتقاد دارد. من هم مثل ویکتور هوگو معتقدم: "من از همه کلیسایها نفرت دارم. من به انسانها عشق می ورزم، من به خدا اعتقاد دارم." مهربی که من در زندگی تجربه کرده ام، عشقی که در جنبشهای آزادیبخش در سطح جهان دیده ام، نشان می دهد که انسان توان انجام چه کارهای بزرگی را دارد.



رویدادهای هنری ماه (خرداد ۹۶)

موسیقی!



"ساز مخالف" دولت تدبیر و امید در همدان

آیا این پیش درآمد سمفونی "زدودن امید" در قلب خوش باوران است؟ حسین پرنیا (آهنگساز و سرپرست گروه همایون) به سیاستهای محدودگرانه وزارت ارشاد "دولت تدبیر و امید" اعتراض کرده است. او می گوید: "تا دیروز برخی نهادها نمی گذاشتند کنسرت دهیم، امروز ارشاد و انجمنهای موسیقی نمی گذارند. آنها محترمانه وادارمان می کنند کنسرتها را لغو کنیم."

پرنیا ضمن انتقاد شدید از عملکرد انجمن موسیقی همدان در زمینه صدور مجوز کنسرتش گفت: "به دنبال بدرفتاریهایی که مسوولان انجمن موسیقی همدان با ما داشتند، کنسرت را لغو کردم و تا زمانی که چنین افرادی در راس امور این انجمن هستند، در همدان کنسرتی برگزار نخواهم کرد."

آهنگساز قطعه "گلپونه ها" در ادامه افزود: "رفتارهای به شدت عجیبی در همدان و بسیاری از شهرهای دیگر در بحث صدور مجوز کنسرتها دارد اتفاق می افتد که به شدت به آنها اعتراض دارم و از دولت تدبیر و امید که بنده هم مانند سایر هنرمندان از آن در انتخابات حمایت کردم، می خواهم این مشکلات را حل کند."

او در ادامه گفت: "آنها برای صدور مجوز برگزاری از ما فیلم با کیفیت از اجرا خواسته اند. ما که نمی توانیم بیست سی میلیون تومان هزینه ساخت فیلم کنیم، آن هم برای یک مجوز! متأسفانه خبر دارم که این رفتار در بعضی جاهای دیگر و با اساتید دیگری نظیر کیهان کلهر و حسین علیزاده هم شده است."

محمد جواد لاریجانی هم مفتی شد

وقتی پای دین به سیاست کشیده می شود و سیاست چماقی برای حذف، محمد جواد لاریجانی هم مفتی شهر می شود و فتوا می دهد.

او با وارد شدن به مشاجرات بر سر پخش "ربنا" (یک دعای مذهبی با صدای شجریان) حکم داده: "ار آنجا موضوع دفاع از ایشان یک مناقشه سیاسی شده است، لذا در تلاوت مذکور توجه به آیت تحت الشعاع قرار می گیرد و این امر خلاف موازین شرعی تلاوت است."



شاهین نجفی با رادیکال در صحنه

در ساعات اولیه شروع خرداد ماه شاهین نجفی با "رادیکال" بروی صحنه رفت. بنا به گفته بی بی سی، سالن برگزاری کنسرت که در منطقه "تاتنهم" در شمال شرقی لندن بود، مرکزی است برای ایجاد موقعیت و معرفی هنرهای مطرح حاشیه نشینان لندن. این واقعیت که جمهوری اسلامی برای سر شاهین نجفی جایزه گذاشته است،

مسوولان سالن را به جنب و جوش خاصی برای حمایت از او انداخته بود؛ نورپردازها و صدابرداران خبره هم داوطلبانه کارهای کنسرت را انجام دادند.

شاهین نجفی بعد از خواندن ترانه "نقی" با فتوای مرگ مراجع دولتی ایران روبرو شد و ناچار گردید به طور مخفی به زندگی شخصی و هنری اش ادامه دهد، بدون شک این دوران باعث توجه و حمایت جامعه هنری غرب شده است.

تروبیستهای بنیادگرا توان برهم زدن فستیوال موسیقی آلمان را نداشتند



فعالیت یکی از بزرگترین فستیوالهای موسیقی در آلمان بار دیگر از سر گرفته شد.

سازمان دهندگان فستیوال "راک ام رینگ (Rock am Ring)" که در پی یک مورد مشکوک از شرکت کنندگان خواسته بودند تا محل فستیوال را ترک کنند، حال اعلام کرده اند که پس از بازرسیهای دقیق پلیس، اجرای برنامه های این فستیوال از سر گرفته شده است. انتظار می رود که حدود نود هزار نفر در روز پایانی این فستیوال حضور داشته باشند.

ترانه ای که نخست وزیر انگلیس را دروغگو خطاب کرد، پر شنوده شد

آهنگی که در آن "ترزا می" دروغگو خوانده می شود، به سکوی سوم جدول رسمی تک آهنگهای بریتانیا راه یافت. گروه "کپتین اسکا" (Captain Ska)، اجرا و تهیه این آهنگ را برعهده دارد. در این آهنگ بخشهایی از سخنرانیها و مصاحبه های خبری نخست وزیر بریتانیا هم آورده شده است و موضوعهایی چون خدمات بهداشت ملی بریتانیا، آموزش، انتخابات و فقر مطرح می شود. در بخشی از آهنگ در باره ترزا می گفته می شود: "او یک دروغگو است، دروغگو... نمی توانید به او اعتماد کنید."

این آهنگ (Liar Liar GE2017) نام دارد و از جمعه گذشته در دسترس عموم قرار گرفته، اما رادیوهای مهم از پخش آن خودداری کرده اند. رادیو بی بی سی نیز اگرچه این ترانه را به دلیل آنچه که "همزمانی با انتخابات" خوانده پخش نکرد، اما در باره آن گزارش فوق را با آب و تاب منتشر کرد.

ترامپ مورد خطاب موسیقی: دیوار را فرو ریز!

به گزارش دویچه وله، در منطقه مرزی میان مکزیک و آمریکا شمار زیادی از هنرمندان محلی، آلمانی و آمریکایی با اجرای کنسرت به تفرقه و ملی گرایی اعتراض کردند.

اعتراض به برنامه های ترامپ و نیز به تمامی دیوارکشیهای سراسر دنیا، این هنرمندان را به هم پیوند داده است. هنرمندان مکزیک ادوات ضربی شان را به حصار مرزی آویخته بودند، به گونه ای که حصار تبدیل به آلت موسیقی شده بود. تماشاگران و اعضای ارکستر سمفونیک شهر "درسدن" آلمان که برای اجرای کنسرت مشترک به منطقه مرزی مکزیک و آمریکا سفر کرده بودند، با مسرت به حصار پوشیده از ادوات ضربی نگاه می کردند.

ایده اجرای این کنسرت غیرمعمول از آن "مارکوس رینت"، بنیانگذار و رییس ارکستر سمفونیک درسدن، بوده که با شعار "دیوار را فرو ریز" توجه عموم را به خود جلب کرده است. مارکوس رینت خود متولد آلمان شرقی است و در سن ۲۱ سالگی به آلمان غربی آن دوره فرار می کند و البته مدت زمانی پس از فرارش، دیوار برلین که دو بخش غربی و شرقی آلمان را برای سالها جدا کرده بود، فرو می ریزد.

ادبیات

فصلنامه آوای تبعید منتشر شد

نخستین شماره نشریه "آوای تبعید" در گستره ادبیات و فرهنگ در ۳۵۰ صفحه منتشر شده است. این فصلنامه با مدیر مسوولی اسد سیف در فضای مجازی انتشار می یابد.

این نشریه در معرفی خود می گوید: "تبعیدی فقط آن کس نیست که از زادبوم خویش تارنده شده باشد. تبعیدی می تواند از زبان، فرهنگ و هویت خویش نیز تبعید گردد. آن کس که شعر، داستان، هنر، فکر و اندیشه اش در کشور خودی امکان چاپ و نشر نداشته باشد، نیز تبعیدی است. این نشریه می کوشد تا زبان تبعیدیان باشد. تبعید را نه به مرزهای جغرافیایی، و تعریف کلاسیک آن، بلکه در انطباق با جهان معاصر می شناسد."

تاوان سنگین صلح منتشر شد

"بازگشت به کیلی بگز" رمانی است در باره ایرلند و جنبش جدایی طلبانه جمهوری خواهان ایرلند؛ جنبشی که در اوایل دهه دوم قرن بیستم شکل گرفت و حدود ۸۰ سال زنده و فعال بود.

"سورژ شالاندن"، روزنامه نگار و نویسنده فرانسوی، که در سالهای دهه ۹۰ میلادی گزارشهای فراوانی از مذاکرات صلح ایرلند با بریتانیا در روزنامه "لیبراسیون"، مهم ترین ارگان روشنفکران چپ لیبرال در فرانسه منتشر می کرد، نویسنده این رمان است.

پیش از این هم رمان دیگری با نام "افسانه پدران ما" از همین نویسنده و به اهتمام مرتضی کلانتریان منتشر شده است.

پس از صد سال کتابی از جی آر آر تالکین منتشر شد

کتاب جدیدی از "جی آر آر تالکین" که یک قرن پیش آن را نوشت، روز پنجشنبه ۱۱ خرداد منتشر شد. عنوان کتاب "برن و لوئین" و حوادث دهشتناک جنگ جهانی اول که نویسنده شاهد آن بوده، الهام بخش قسمتهایی از این داستان است.

این کتاب را "کریستوفر تالکین"، فرزند نویسنده فقید مجموعه "ارباب حلقه ها"، ویراستاری کرده و دو شخصیت اصلی دارد، یکی انسان و دیگری جن است که از فضای تخیلی "میان زمین" که او در داستانهایش خلق کرده بود، وام گرفته شده است.

تمرکز داستان روی مجموعه ای از سفرهای اکتشافی پر مخاطره و عشق ممنوعه است که به گفته موسسه انتشاراتی "هارپر کالینز" ناشر کتاب، در واقع چکیده یک رمان طولانی تر است که جی آر آر تالکین چند بار آن را بازنویسی کرده و بسط داده بود.

"جان گرت"، یکی از پژوهشگران آثار جی آر آر تالکین، در مصاحبه ای با شبکه خبری بی بی سی گفت این کتاب که نویسنده پس از بازگشت از جبهه های جنگ جهانی اول در فرانسه آنرا نوشته، در حقیقت نوعی "جن گیری" از تجارب تلخ او در جبهه های جنگ است.

سینما

فیلم محمد رسول اف برنده جایزه «نوعی نگاه» جشنواره کن

فیلم "لرد" (Lerd) ساخته محمد رسول اف، فیلمساز ایرانی، برنده جایزه "نوعی نگاه" در جشنواره کن امسال شد.

این فیلم با بازیگری رضا اخلاقی راد و سودابه بیضایی، داستان زندگی مرد جوانی را به تصویر کشیده که تلاش می کند به دور از هیاهوی زندگی شهری، در دل طبیعت و از راه پرورش ماهی امرار معاش کند.

محمد رسول اف که در سال ۱۳۸۸ به دلیل فیلمبرداری بدون مجوز به همراه جعفر پناهی، فیلمساز برجسته ایرانی، دستگیر و زندانی شد، در



لرد تلاش کرده است فساد اقتصادی و اداری در ایران را نشان دهد. این فیلم به همین دلیل از شرکت در جشنواره فیلم فجر در ایران محروم شد.

آقای رسول اف پیشتر گفته بود مجوز ساخت فیلم لرد را در ازای سپردن تعهد کتبی به مقامهای وزارت ارشاد، مبنی بر این که حد و مرزها را رعایت کند، کسب کرده است. با این حال مقامات ایران این فیلم را به سی و پنجمین جشنواره فیلم کن معرفی نکردند. محمد رسول اف پس از دریافت این جایزه به خبرنگاران در کن گفت: "این جایزه، کارها را از این به بعد آسان تر خواهد کرد."

فیلمهای قبلی آقای رسول اف از جمله "دستنوشته ها نمی سوزند" که موضوع آن درباره قتل‌های زنجیره ای بود، هیچکدام باوجود داشتن پروانه ساخت، در ایران اجازه اکران نیافتند.

"نوعی نگاه"، یک بخش جانبی جشنواره کن است که در آن از فیلمسازان جوان و خلاق سراسر جهان حمایت و تقدیر می شود.

مستند سازان معترض در مقابل خانه سینما

مستند سازان پس از ۲۵ سال هنوز نمی توانند انجمن خود را به ثبت رسانند، بهانه ای که برای خودداری از به رسمیت شناختن آنها آورده می شود، ثبت نکردن این انجمن در ابتدای شروع به کار است.

این هنرمندان اکنون برای دستیابی به حقوق خویش، به تجمع اعتراضی در مقابل "خانه سینما" دست زده اند. آنها پیشتر در اطلاعیه ای از کلیه هم صنفان خود خواسته بودند به صفوف آنان به پیوندند.

"ناهید رضایی" به عنوان یکی از حاضران در این تجمع بیان کرد: "مجمع عمومی ۲۲ خرداد ماه در محلی خارج از خانه سینما یعنی در یک گالری برگزار می شود، چون به ما اجازه داده نشد تا مجمع خود را در خانه سینما برگزار کنیم."

او با دعوت از همکاران خود تاکید کرد که در صورت به نتیجه نرسیدن موضوع، تجمع بعدی در وزارت ارشاد و پس از آن در مقابل مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

حضور پلیس اگرچه به دخالت منجر نشد، اما با این کنایه مستند سازان همراه بود: "از حضور پلیس تشکر می کنیم اما دعوایی نداریم و آنها را هم خبر نکرده ایم." همایون اسعدیان، یک مقام خانه سینما، در این رابطه گفت: "خانه سینما هم با پلیس تماسی نگرفته است."

"روبن اوستلند" سوئدی، شگفتی آفرین فستیوال کن

نخل طلای هفتادمین دوره جشنواره فیلم کن به فیلم "مربع" ساخته "روبن اوستلند"، فیلمساز سوئدی رسید و به این ترتیب یکبار دیگر این جشنواره سینمایی در اروپا نشان داد که شگفتی آفرین است. او که انتظار این اقبال بلند را نداشت، از دریافت نخل طلای کن غافلگیر شد.

"مربع"، نخستین فیلم انگلیسی زبان اوستلند، یک کمدی است. یک مدیر موزه با بازی "کلس بنگ"، چیدمانی با عنوان "مربع" در فضای عمومی برگزار کرده که بسیار موفق بوده و با استقبال شهروندان مواجه شده. همزمان با این موفقیت، تلفن همراه او را می دزدند و او که در پی دزد است، موقعیتهای عجیبی برایش پیش می آید و سرانجام به یک بحران عمیق روحی با سویه های اگزیستانسیالیستی دچار می شود.

آیا روحانی و ولایتی سر "رهبر" کلاه گذاشته اند؟

این موضوع مستندی است بنام "فروشنده" که محصول مووسسه "فانوس فردا"، از شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران است. این فیلم در آملی تیاتر دانشگاه پلی تکنیک با حضور سعید جلیلی به نمایش درآمد.

این مستند نگاهی متفاوت به انتخابات دوره اول ریاست جمهوری حسن روحانی داشته و معتقد است که قدرتهای جهانی انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۹۲ را طراحی کرده بودند که تا حکومت را وادار به پذیرش برجام کنند.

محسن حاج کرمی، تهیه کننده این مستند، به گونه ای وانمود می کند که گویا در این ماجرا علی اکبر ولایتی (مشاور امور بین الملل رهبر جمهوری اسلامی) و حسن روحانی در یک اقدام هماهنگ در سال ۹۲، با تاکید بر تحریمها به عنوان مهم ترین عامل بحران اقتصادی ایران، زمینه های پیروزی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری را فراهم کردند. در ادامه این فیلم گفته می شود که "بنیاد راکفلر" دست به کار شد و با همکاری محمد جواد ظریف، وزیر خارجه، "برجام" را به ایران تحمیل کرد.

سازندگان این مستند هرچند به نقش علی خامنه آی در برجام به طور مستقیم اشاره نمی کنند، اما چنین القا می کنند که حسن روحانی و علی اکبر ولایتی دست در دست هم و با کمک محمد جواد ظریف، رهبر جمهوری اسلامی را فریب دادند و توافق هسته ای را روی دست "رهبر" گذاشتند. به روایت این فیلم، آنها تاریخ اجرای برجام را هم به مهر ۹۴ موکول کردند که "اصلاح طلبان" در انتخابات مجلس پیروز شوند.

شعر ماه!

شعر کوتاهی از شاعر جوان با نام مستعار "بلوط"

پرچم های سیاه
ازدواجهای سپید
انقلابهای نارنجی
اعتراضهای سبز
سیلیهای سرخ
جیغهای بنفش
آینده های خاکستری
گذشته های طلایی
در اجتماع نیرنگ و رنگ
آبی اما اسیر فراموشی ست
آسمان
که پاک خودش را باخته
و دریا
که سیاهپوشِ نهنگهای مایوس است
«بلوط»

(در تهیه این مجموعه از سایتهای خبری صدای آمریکا، بی بی سی، دویچه وله، رادیو زمانه، رادیو فردا و یورونیوز بهره گرفته شده است)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

سیمین بهبهانی، شاعر معترض و نو آور

م. وحیدی



بگو چگونه بنویسم، یکی نه، پنج تن بودند
 نه پنج، بلکه پنجاهان به خاطرات من بودند
 بگو چگونه بنویسم که چوب دارها روزی
 فشرده پای آزادی به فرق هر چمن بودند
 مگر ببارد از ابری براین جنازها اشکی
 که مادران جدا مانده، زپاره های تن بودند
 سیمین بهبهانی*

اگر چه در میهن خویش بسر می برد، اما تنها و غریبانه مرد. در غربتی سرد و کین توزانه و در "بن بست کج و پیچ سرما" بی که قصابان حاکمیت "با کنده و ساطوری خون آلود" در گذرگاههایش مستقر بودند و جایی که "مزد گورکن اش، از ارزش آدمی بیشتر" بود. حاکمیت هنرگش و زن ستیز آخوندی، سالها گذرنامه اش را توقیف و ممنوع القلم اش نموده و اجازه انتشار آثارش را نمی دادند.**

رسانه ها و ورق پاره های حکومتی رسماً دشنامش می دادند و تهمت‌ش می زدند و او را "شاعره معروفه" و "فتنه گری که با جریان فتنه همکاری و شعرهایش را به آنان تقدیم می کند"*** می خواندند و هربار او را از صحنه شعرخوانی پایین می کشیدند و مورد هجوم و ناسزا قرار می دادند. حملات هیستریک علیه او، حتی تا بعد از مرگش نیز ادامه داشت. خود وی در مصاحبه ای با دردی جانگداز از آن یاد می کند: "روزنامه ها از جمله کیهان ... هر روز رکیک ترین کلمات و فحشهای عرضی و ناموسی می نوشتند و مرا "شاعره معروفه" خطاب و برایم سوابق تاریک ترسیم می کردند و دروغ می بستند و علناً بی احترامی می کردند. این حرفها برای من جگرخراش بود. یواش یواش من بیماری روانی گرفته بودم و غالباً گریه می کردم."

سیمین بهبهانی، صدای ماندگار شعر و غزل پارسی و شاعر بزرگ میهنمان پس از دو هفته در کما بودن سرانجام در اواخر مرداد ماه ۱۳۹۳ در بیمارستان پارس تهران دفتر زندگی اش بسته شد. او ۸۷ سال زندگی کرد. سیمین بهبهانی، "سیمین غزل ایران" از نامی ترین شعرا و از معدود شاعران زنی است که نامش فراتر از مرزها، ماندگار شده است. شاعری پرکار و خلاق که جایی پربار در گستره غنی ادبیات پارسی دارد.

مضامین متفاوت غزلها و اوزان تازه شعری و زبان مستقل و متمایزش رنگی نو به غزل زد و با اضافه نمودن حدود هشتاد وزن جدید به اوزان کلاسیک، لقب "نیمای غزل" را برای خود به ارمغان آورد. شاعری نو آور که با روحیه معترض خود برای مردم و همه گروههای زنان ایرانی و حقوق از دست رفته آنان سرود و دغدغه اش "فقر" و "آزادی" بود. وی در مصاحبه ای می گوید: "من طرفدار مردم هستم و این هیچگاه در من عوض نشده ... شعر من همیشه جنبه نگرش به زیر دستان جامعه و طبقه پایین و اصولاً خود جامعه داشته..."

سیمین از پدر و مادری فرهیخته و با فرهنگ زاده شد. پدرش عباس خلیلی، شاعر، نویسنده، مترجم و مدیر روزنامه اقدام بود و مادرش فخر ارغنون شاعر، نوازنده سه تار و از زنان پیشرو دوران خود بشمار می رفت و زبان فرانسه تدریس می کرد. اولین سروده سیمین در چهارده سالگی و در روزنامه ملک الشعرا (نوبهار) منتشر شد:

ای ملت فقیر و پریشان چه می کنی
 ای توده گرسنه و نالان چه می کنی
 سرمایه دارها همه در میان کاخها

تو در میان کلبه احزان چه می کنی

"سه تار شکسته" نخستین کتاب او در نثر و شعر و در سال ۱۳۳۰ به چاپ رسید. خود او، اما کار جدی اش را "جای پا" می داند که در سال ۱۳۳۴ منتشر گردید. مجموعه ای از اشعار دو بیتی به سبک نیما که در آن دوران خیلی رایج بود. با انتشار این کتاب تا قبل از سی سالگی، در میان شاعران دوران خود به چهره ای شناخته شده بدل شد. "چلچراغ" کتاب بعدی او بود و از دهه چهل به بعد، نامی تثبیت شده در غزل پارسی پیدا کرد و ضمن همکاری با "شورای موسیقی رادیو و تلویزیون" بیش از ۳۰۰ ترانه سرود.

"دشت ارژن"، "یک دریچه آزادی"، "خطی ز سرعت و از آتش"، "ای دیار و شب‌نم" و "نگاه گلگون" از دیگر آثار او بشمار می روند. معروفترین شعر او "دوباره می سازمت وطن" است که پس از اعتراضات سال ۸۸ بیشتر بر سرزبانها افتاد. دکتر احمد کریمی حکاک در مورد او می گوید: "انقلاب ایران سیمن را از صحنه غزل و شعر عاشقانه پرتاب کرد به میان میدان مبارزه. میانه میدانی که او حقیقتاً حس کرد به عنوان یک زن، به عنوان یک ایرانی و به عنوان یک انسان قرن بیستم باید در برابر برخی گرایشات بایستد و تمام قامت ایستاد و بس زیبا و پایدار ایستاد و تا آخر عمر در کنار مردم و در برابر اجحافات ایستادگی کرد. سیمن باعث ماندگاری غزل شد و نه تنها ماندگاری غزل، بلکه جوان شدن غزل و جوانه زدن آن در پهنه ها و صحنه هایی که اصلاً انتظارش نمی رفت ... او جان تازه ای در غزل فارسی دمید ... و این را فارسی زبانان غیر ایرانی در افغانستان و تاجیکستان خیلی زیرکانه و داهیانه درک کردند ... و بکار می برند." اشعار سیمن از رویدادهای دهه شصت خورشیدی تاثیر پذیرفته است. وی در "شهادت" سعید سلطانیپور "سرود:

نگاره گلگون به متن کبود است
چه مرگ و چه مرگی سرود و درود است
نمرد و نمی رد شهید "سعیدی"
که نام و دوامش به شعر و سرود است...

و در قتل عام تابستان سال ۶۷ با اندوه سرود:
آتش به زندان افتاد...
ای داد از آن شب، ای داد!
ابلیس می زد فریاد:
«های ای نرون، روح شاد!»
دیوانه آتش افروخت وان خیل زندانی سوخت؛
سخت است، سخت، اما
دانم که فردا دشمن پا تا به سر خواهد سوخت
در آتش این بیداد...

سیمن همزمان در عرصه اجتماع فعال شد، چه در کانون نویسندگان و در جمع فعالان حقوق زنان و چه به صورت منفرد به دفاع از ارزشهایی چون حقوق بشر و آزادی بیان. او همچنین در کمپین یک میلیون امضا برای حقوق زنان شرکت کرد. سیمن در گیر و دار گردهماییهای خیابانی و درپارکها، همراه با مادران شهدا مورد هجوم نیروهای انتظامی و پاسداران قرار گرفت و ضرب و شتم شد اما عقب نشینی نکرد و همگامی و همپایی خود را با جنبش زنان ادامه داد و در میان یکی از همین اجتماعات رو به مردم گفت: "من آرزو دارم زندانهای ما درش باز شود. زندانیهای سیاسی آزاد شوند. به خصوص زنها که در این دوران بسیار بسیار کوشیدند، فداکاری کردند و به زندان افتادند ... حال بسیاری از آنان ناگوار است و من امیدوارم بزودی همه آزاد شوند ..."

سیمین بهبهانی چه در ایران و چه در جهان ستوده می شود. در سال ۱۳۷۸ "سازمان جهانی حقوق بشر" در برلین مدال "کارل فون اوسی یتسکی" را به او اهدا کرد. در همین سال جایزه "لیلیان هیلمن" و "اشیل هامت" به وی اعطا شد. همچنین در شهریور ۱۳۹۲ جایزه "یانوش پانونیوش" از سوی انجمن قلم مجارستان به وی اهدا گردید. یاد این شاعر ارزشمند، توانا و متعهد که به حاکمیت مستبد آخوندی "نه" گفت و با رنجها و دردهای عظیم زنان زیست و به دفاع از حقوق آنان و مردم جامعه اش پرداخت همواره گرامی باد!

پانویس:

*در شهادت پنج هموطن کرد؛ شیرین علم الهدی، مهدی اسلامی و...

سیمین بهبهانی در روز ۱۷ اسفند ماه ۱۳۸۸ هنگامی که قرار بود برای انجام معالجات پزشکی و سخنرانی در "روز جهانی زن" به پاریس رود، با ممانعت ماموران امنیتی روبرو شد و ممنوع الخروج اعلامش کردند. *سایت بی بی سی



خلافت شام و اریز می کند، خلافت ایران به حساب می ریزد

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۴ خرداد

همچون الگوی سوریه و عراق، حاکمان جمهوری اسلامی در ایران نیز داعش را به خدمت اجرای نقشه های خویش گرفته اند. ماشین سرکوب "حکومت اسلامی" پرچم "دولت اسلامی" (داعش) را برافراشته است تا زیر آن به تاخت و تاز علیه زندانیان سیاسی، خانواده زندانیان گشتار شده، فعالان سیاسی و مدنی و اقلیتهای ملی و دینی درآید. منابع حقوق بشری از دستگیریهای گسترده در استانهای مختلف کشور خبر داده اند. ده ها تن در کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، تهران، هرمزگان و فارس به طور ناگهانی و یکباره به اتهام ارتباط با داعش دستگیر شده اند. همچون نام و علت دقیق دستگیری، مبنا و پیشینه ای که این دستگیریها را بی درنگ پس از حمله های تروریستی تهران توضیح می دهد نیز در ابهام باقی مانده است. روشن آن است که دستگاه حاکم همواره از چنین حملاتی به عنوان دستاویزی برای

فشار بر جامعه و به ویژه اقلیتهای ملی و دینی، اعدام و شکنجه زندانیان، تقویت زیرمجموعه نظامی و امنیتی خود، افزایش ضریب شرایط امنیتی علیه جامعه و تصفیه حسابهای داخلی سود جسته است.

در همین راستا، دستگاه امنیتی، تدابیر غیرانسانی خود در زندانها را به بهانه حملات تروریستی تهران شدت بخشیده و فشارهای غیرانسانی بر آنان را افزایش داده است. نخستین نشانه های این خیز داعشی، در زندانهای گوهردشت و سنندج پدیدار گردیده؛ اسارتگاه هایی



که در آنها تنها روزنه محدود زندانیان به هوای آزاد مسدود گردیده و یا اسیران بی دفاع آماج ضرب و شتم دژخیمان "حکومت اسلامی" قرار گرفته اند.

در این رابطه هشداری از زندانیان سیاسی از اسارتگاه های سراسر کشور نسبت به اقدامات و دسیسه چینی حکومت در زندانها را باید جدی انگاشت. فعالان اسیر در زندانهای اوین، گوهردشت، فشاویه، اهواز و زاهدان در نامه سرگشاده ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل و گزارشگر ویژه این نهاد در امور ایران، نسبت به "خطری که زندانیان را به بهانه های واهی تهدید می کند"، آگاهی داده و اعلام خطر کرده اند.

همسویی "خلافت اسلامی" و خلیفه گری ولایت فقیه را به ویژه می توان در استانهای گُرد نشین مشاهده کرد. فرقه گرایان حاکم در تهران با تشدید اختلافهای دینی و تحریک و سازماندهی بخشهای گوناگون جامعه علیه یکدیگر، در پی مُتلاشی کردن شیرازه های مدنی جامعه و گسترش خود در شکافهای آن همچون میکروبی کُشنده و مُخرَب هستند. این همان سیاستی است که خلیفه گری تهران در سوریه و عراق نیز بر پُشت صدها هزار قُربانی و ویرانی این دو کشور به پیش می برد. در این میان آش سرکوبی و زمینه چینی برای سرکوبهای بیشتر چندان شور شده که وکلای حکومتی از این استانها نیز احساس ناامنی کرده و ناچار به اعلام بیگناهی شده اند.

واکنش رژیم جمهوری اسلامی به حملات جنایتکارانه تهران سند دیگری از همسویی عملی، خویشاوندی ایدئولوژیک و همسانی روشها و ابزارهای خلافت ایران و خلافت شام و عراق ارایه کرده است. پایتخت ایران به تریبون تازه و خونین نمایش این پیوند بدل گردیده است. داعش سخاوتمندانه واریز می کند و رژیم ولایت فقیه فعالانه به حساب می ریزد.



شَبَح قِیام و خیزش در آسمان ولایت

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر پنجشنبه ۲۵ خرداد

سخن پراکنیهای خامنه ای در روزهای اخیر، حال و هوای آشفته او را بازتاب می دهد. حرفهای او نه نمادی از قدرت بلکه دقیقا اعتراف به ضعف است. واقعیت این است که شبَح قِیام و خیزشهای مردمی در زیر وحشیانه ترین سرکوبگریها همراه با داغ و درفش و زندان همچنان چالش اصلی رژیم ولایت فقیه است. دو قطبی شدن نمایش انتخابات، برآمد شکاف عمیق



بین حکومت و نیازهای جامعه بود و با پایان این شعبده، شکاف در درون قدرت و مبارزه برای سرنگونی و تحقق دموکراسی، عدالت و حکومت غیر دینی وارد دور تازه ای می شود.

کنش و واکنشها پیرامون فرمان آتش به اختیار، تاکیدی بر شدت گیری جنگ باندهای حکومتی است. قلم زن روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران، طرف مقابل را به اجرای دستور آتش تهدید کرد. روزنامه جوان در مطلبی با تیتُر «جه شد به «آتش به اختیار» رسیدیم؟» نوشت:

«نیروهای آتش به اختیار را دوست ندارید؟ راه حل ساده است: دچار اختلال نباشید؛ وظایفتان را انجام دهید تا پای آتش به اختیار وسط نیاید».

الغای سند ۲۰۳۰ از طرف روحانی در شورای عالی ارتجاع فرهنگی، عقب نشینی باند روحانی در برابر فرمان آتش خامنه ای بود. پذیرش سند ۲۰۳۰ که در آن منع تبعض در آموزش و حق تحصیل برای همگان و برابری جنسیتی گنجانده شده است، در قد و قواره رژیم ولایت فقیه نبوده و نیست. پس گرفتن این سند بار دیگر تأکیدی بر سیستم متحجر و قرون وسطایی آموزش و پرورش در حکومت مذهبی حاکم بر ایران است.

حرفهای خامنه ای در دیدار با سران حکومتی و بگو مگویش با روحانی، نگرانی او را بیشتر نشان می دهد. خامنه ای از رویدادهای سال ۵۹ و ۶۰ حرف زد. وی روحانی را از گرفتار شدن به شرایط دوران اولین رییس جمهوری اسلامی ترساند و در حقیقت ترس خود را از دو قطبی شدن جامعه نشان داد. خامنه ای با یادآوری قیامهای سال ۸۸ و شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه، نگرانی اش را تکرار کرد.

جامعه ایران با وجود استبداد مذهبی ناگزیر به دو قطبی طرفداران حکومت و مردم جان به لب آمده تبدیل شده و هیچ «تدبیر» و یا «آتشی» نمی تواند قطب ضد ولایت فقیه را مهار کند. این پیام ماندگار ۳۰ خرداد سال ۶۰ و ۳۰ خرداد سال ۸۸ است.



اقدام جهت حمایت از اعلام جرم و دادخواست خانواده های قتل عام ۶۷

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... دوشنبه ۱۵ خرداد

نزدیک به چهار دهه از قتل عام بیرحمانه و جنایتکارانه زندانیان سیاسی به دست رژیم ولایت فقیه می گذرد. طی این



سالها رژیم به موازات ادامه اعدام و زندانی کردن فعالان سیاسی، در سرپوش گذاشتن بر این جنایت نیز کاملاً فعال بوده است. گاهی ادعا و ژست حق به جانب گرفته و زمانی هم با در اختیار گذاشتن فرصتها و منصبها در اختیار مجریان این جنایت، وقیحانه به قربانیان و خانواده های آنان دهن کجی کرده است. از سوی دیگر، هیچیک از این تلاشها نتوانسته جهتگیری انسانی مردم را خدشه دار و عزم عدالت خواهی قربانیان این جنایت را خاموش کند. این ننگ تاریخی محو شدنی نیست. در همین راستا، بار دیگر خانواده زندانیان به دادخواهی گام برداشته اند.

در تداوم تلاشها و فعالیتهای سازمانها، گروه ها، نهادها و فعالان حقوق بشری، به تازگی خانواده های پنجاه نفر از قربانیان این جنایت در تهران و شهرستانها، در دادخواستی مشترک، به گزارشگر ویژه سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی حقوق بشری شکایت برده اند.

خانواده ها خواستار دریافت اسناد و تاریخ محاکمه، محل دفن و تاریخ اعدام، وصیت نامه های قربانیان، تعداد و اسامی اعدام شدگان شده و در نهایت علیه مسوولین این فاجعه دردناک اعلام جرم کرده و خواهان "بازداشت و یک محکمه علنی" آنها شده اند. خانواده ها اعلام کرده اند، "خواهان بازدید یک هیات بین المللی برای بررسی وضعیت زندانهای کشور و اجازه مذاکره این هیات با زندانیان سیاسی و خانواده های قربانیان این فاجعه" هستند.

خانواده ها در نامه ای خطاب به دکتر عاصمه جهانگیر نوشته اند: "ما امضاکنندگان زیر از مادران و خانواده های خاوران و دیگر خانواده های جانباختگان دهه ۶۰ از سراسر ایران، علیه جمهوری اسلامی اعلام جرم می کنیم."

جمهوری اسلامی در سالهای گذشته حتی اجازه برگزاری مراسم یادبود به خانواده ها و دوستان آنان نداده، فرزند آقای منتظری را به دلیل افشای نوار صوتی از این جنایت بازداشت کرده، به تخریب گورهای جمعی دست زده، با وقاحت تمام پورمحمدی، یکی از اعضای "هیات چهار نفره اعدامها" و نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین را در دل دولت روحانی جا داده و عضو دیگر آن، ابراهیم ربیسی را به کاندیداتوری ریاست جمهوری نشانده است.

اکنون باید از اعلام جرم خانواده بازماندگان حمایت کنیم. این پنجاه خانواده از سایت "بیداران" خواسته اند ادامه جمع آوری امضاها را پیگیری کند. این سایت از خانواده اعدام شدگان که خواهان امضای این دادخواست هستند، می خواهد با نوشتن نام و نام خانوادگی خود و نسبت با فرد جانباخته، شناسه های فرد جانباخته شامل: نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد، وابستگی سازمانی و عقیدتی، زمان و محل بازداشت، محل و حکم زندان، زمان و محل اعدام (یا هر نوع قتل دولتی) و نیز محل خاکسپاری را به آدرس میل «dadkhastma@gmail.com» ارسال کنند.

از دادخواهی خانواده ها فعالانه حمایت کنیم و به طور گسترده دست به اطلاع رسانی و افشاگری بزنیم.



«آتش به اختیار»، حکمی علیه جامعه

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... شنبه ۲۰ خرداد

از همان هنگام که خبر عملیات تروریستی در تهران پخش شد و داعش مسئولیت آن را به عهده گرفت، شک و تردید در مورد آمر این عملیات روی میز رسانه ها قرار گرفت.

برخی از مفسران و تحلیل گران سیاسی با توجه به سابقه درخشان جمهوری اسلامی در انجام عملیات تروریستی انگشت اتهام را به طور مستقیم به سوی بیت ولی فقیه نشانه گرفتند.

در شبکه های اجتماعی و سایتهای خبری ترمهایی همچون «کار خودشان بوده»، «اتحاد نانوشته بین رژیم و داعش»، «ارسال کارت دعوت رژیم برای داعش»، «عملیاتی برای جبران شکست انتخاباتی» و... به فراوانی دیده می شود.

بدیهی است که از رژیم ولایت فقیه نمی توان انتظار شفافیت داشت و دروغ در تار و پود این رژیم نهادینه شده است.

برخی از کارشناسان عملیات تروریستی با تجزیه و تحلیل این عملیات، آن را مغایر با نحوه عمل داعش می دانند. همچنین

ورود سه تروریست با انبوهی وسایل جنگی به مجلس رژیم که به قول یک شاهد عینی حتی اجازه همراه داشتن یک

خودکار به بازدید کنندگان نمی دهند، بسیار سوال برانگیز شده است. این که مدتی قبل یکی از تروریستها در کردستان

دستگیر و پس از سه ماه بازداشت با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی و قول همکاری آزاد می شود هم مورد پرسش بسیار است.

در این فراسو نه بررسی آمر این عملیات جنایتکارانه بلکه برخورد خامنه ای مورد نظر است. خامنه ای در اولین موضع

گیری بدون این که به خانواده قربانیان تسلیت بگوید، این اقدام که دهها کشته و زخمی بر جای گذاشته را «ترقه بازی»

دانست. همسویی و همکاری متقابل داعش و سپاه قدس برای ولی فقیه این فرصت را ایجاد کرد که گریز به دهه ۶۰ زند و

رژیم را قربانی جلوه دهد. اما اصل موضوع اعلام مجدد جنگ او علیه جامعه بود. او به ذوب شدگان در ولایت فرمان آتش

داد تا هرجا که لازم است دست به جنایت بزنند. خامنه ای اراذل و اوباش جنایتکار را «افسران جنگ نرم»، معرفی کرد و

به آنها چراغ سبز «آتش به اختیار» داد. بدیهی است که این فرمان تنها در آتش و دود «ترقه بازی» می تواند صادر شود.

ولی فقیه نه تروریستها که جامعه را نشانه گرفته است. از این نظر مستقل از این که کدام یک از برادران دوقلوی «داعش و

سپاه قدس» طراح این عملیات تروریستی بوده اند، برای خامنه ای استفاده از این فرصت برای مهار جنبشهای اجتماعی

همچون جنبشهای اعتراضی نیروهای کار، جنبش اعتراضی غارت شدگان، جنبش دادخواهی و... است.

"دانشجو پزی"، شبکه های اجتماعی و تجربه ای از یک مبارزه مشترک

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۹ خرداد

در همان حال که دانشجویان دختر خوابگاه معصومه دانشگاه چمران اهواز دست به اعتراض علیه نبود سیستم سرمایه‌ی خوابگاه در هوای ۵۰ درجه اهواز زده بودند و مسوولان طبق روال همیشگی، پشت گوش انداختن مشکلات دانشجویان را پیش گرفته بودند و در همان حال که به دانشجویان با یخ و پنکه و در عین حال تهدید و حبس در خوابگاه برخورد می شد، همبستگی و مقاومت دختران و فعالیت گسترده کاربران شبکه های اجتماعی، "مسوولان" را به عقب نشینی سوق می داد.

غلامحسین خواجه، رییس دانشگاه اهواز، در تلویزیون دولتی به دروغ پردازی و توجیه مشکلات دختران می پرداخت و دانشجویان با رد ادعاهای وی خواهان استعفا او می شدند. در این میان اعتراضات دانشجویان دامنه وسیع تری پیدا کرده و اکنون مشکلات دیگر دانشجویان مانند سرقت از خوابگاه دختران و پسران و حمله سارقان با چاقو به دانشجویها را به صحنه آورده بود. دانشجویان همچنین نداشتن شوراها و صنفی دانشجویی که پیش از روی کار آمدن روحانی در اولین ترم فعال و سپس منحل شدند و سنگ اندازی در ایجاد این شوراها را مشکل اصلی بر می شمردند.

اعتراضات دانشجویان و گستردگی افشاگری کاربران شبکه های اجتماعی، مسوولان را گام به گام و با اکراه به عقب نشینی وامی داشت. آنها برای خاموش کردن صدای اعتراضات پیشنهاد یک خوابگاه جدید برای ۲۰۰ دانشجو را دادند. اما دانشجویان که ۷۰۰ نفر هستند، حاضر نشدند یاران و همکلاسیهای خود را تنها بگذارند. همبستگی دانشجویان و تلاشهای پشت جبهه کاربران شبکه های اجتماعی حتی استاندار را نیز با قول و امضا و تعهد به صحنه آورد. وی گفت: "اگر دانشجویان همکاری لازم را انجام دهند، تمام امکانات استان را برای حل مشکلات آنها بسیج خواهیم کرد."

"هشتگ دانشجوی پزی" که توسط کاربران فضای مجازی راه اندازی شده بود و توفان تویتری هزاران کاربر در رسوا کردن و به صحنه آوردن موضوعی که برای سه سال زیر فرش جارو می شده بود، نه تنها در شهر اهواز، بلکه در سطح جامعه ایران و خارج کشور انعکاس پیدا کرد.

سر آخر دانشجویان دختر از مسوولان امضا گرفتند که اگر به مشکلات شان رسیدگی نشود، استعفا بدهند. اگرچه مشکلات این دانشجویان هنوز حل نشده باقی مانده، اما "مسوولان" با مشکل بزرگتری روبرو شده اند.



بلوای خامنه ای پیرامون سند ۲۰۳۰

مهدی سامع

در بحبوحه کشاکش میان باندهای رژیم در نمایش انتخابات و در مناظره های تلویزیونی، خامنه ای برای ضربه زدن به روحانی بلوای جدیدی را با موضوع سند ۲۰۳۰ به راه انداخت. او اندکی قبل از دور سوم مناظره ها در روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ طی یک سخنرانی به مسایل فرهنگی پرداخت و در فرازی از سخنان خود دولت روحانی را در مورد پذیرش سند آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو مورد حمله قرار داد.

خامنه ای گفت: «این سند و امثال آن، مواردی نیستند که جمهوری اسلامی ایران تسلیم آنها شود و امضای این سند و اجرای بی سر و صدای آن قطعاً مجاز نیست و به دستگاههای مسئول نیز اعلام شده است.» وی اضافه کرد: «به چه مناسبت یک مجموعه به اصطلاح بین المللی که تحت نفوذ قدرتهای بزرگ نیز قرار دارد، به خود حق می دهد که برای ملت‌هایی با تاریخ و فرهنگ و تمدن گوناگون، تکلیف معین کند.» وی سپس از شورای عالی انقلاب فرهنگی که چندین نماینده از جانب او در آن حضور دارند را سرزنش کرد و گفت: «این شورا باید مراقبت می کرد و نباید اجازه می داد که کار

تا جایی پیش برود که اکنون ما مجبور به جلوگیری از آن شویم..... اینجا جمهوری اسلامی ایران است و در این کشور مبنا اسلام و قرآن است. اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب و ویرانگر و فاسد غربی بتواند اعمال نفوذ کند. در نظام جمهوری اسلامی پذیرش چنین سندی، معنا ندارد.» خامنه ای رهنمود داد که «اگر چنانچه با اصل کار نمی‌توانید مخالفت کنید، صراحتاً اعلام کنید که جمهوری اسلامی ایران در زمینه آموزش و پرورش، دارای اسناد بالادستی است و احتیاجی به این سند ندارد.»

در همان زمان اغلب مفسران و تحلیلگران سیاسی طرح این موضوع را یک شگرد انتخاباتی به منظور راندن روحانی به گوشه رینگ ارزیابی کرده و آن را به مثابه نقض بی طرفی ولی فقیه و قرار گرفتن او در راس جبهه ریسی دانستند. هرچند خامنه ای و نزدیکان او از شروع مبارزات انتخاباتی یک خط در میان روحانی را مورد حمله قرار می‌دادند، اما طرح مساله سند ۲۰۳۰، از جانب خامنه ای، آن هم پس از مناظره دوم که ریسی و قالیباف به شدت به روحانی تاخته بودند، می‌توانست هزینه زیادی را به روحانی تحمیل کند.

کارگزاران دولت روحانی در مقابل تعرض خامنه ای، مساله «تحفظ» را پیش کشیده و اعلام کردند که به رهبر گزارش صحیح داده نشده است. با حمله روحانی به باند رقیب در روز بعد (دوشنبه ۱۸ اردیبهشت) در همدان و طرح موضوع ۳۸ سال کشتار، تا آن جا که به رقابتهای انتخاباتی مربوط می‌شد، روحانی را از موضع دفاعی خارج کرد اما مساله سند و بلوایی که خامنه ای به راه انداخته بود، همچنان جریان داشت.

عَمَلَه و آگره ولی فقیه که بسیاری از آنان اصل سند و یا خلاصه آن را هم مطالعه نکرده بودند با مشتت اراجیف مبتذل، امضای سند یونسکو را اقدامی کفرآمیز که موجب نشر فحشا می‌شود، خواستار ابطال این سند شدند.

با مشخص شدن نتیجه نمایش انتخابات، خامنه ای برای گُند کردن روند پذیرش برجامهای دیگر موضوع سند یونسکو را به شکل حادثی مطرح کرد. در روز چهارشنبه ۱۷ خرداد که عملیات تروریستی در تهران انجام گرفت، در دیدار با دانشجویان بسیجی، ضمن انداختن مار جدید «آتش به اختیار» در میانه مَعْرکه ولایت، با حالت عصبی گفت: «بعضی می‌آیند می‌گویند ما تحفظ دادیم، یا گفتیم فلان چیزش را قبول نداریم؛ نه، بحث سر اینها نیست. فرض کنیم در این سند هیچ چیز واضحی هم که مخالف اسلام باشد وجود نداشته باشد، که حالا وجود دارد. من حرفم این است که نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته شود.» سپس با طعنه خطاب به روحانی گفت: «آنها که خیال می‌کنند ما گزارش درست نگرفتیم، نه، گزارشهای ما گزارشهای درستی است... شما می‌گویید این سند مثلاً خلاف اسلام ندارد، داشته باشد یا نداشته باشد، اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی است. نظام آموزشی ما را چهار نفر بنشینند در یونسکو بنویسند؟» روحانی در مقابل این تعرض خامنه ای، نامه ای که نشان می‌دهد خامنه ای از موضوع تصویب سند اطلاع داشته را منتشر کرد. سپس در جلسه روز سه شنبه ۲۳ خرداد، شورای عالی انقلاب فرهنگی با «اجماع» اعضای این شورای ارتجاعی تصویب شد که: «مبنای عمل در کشور اسناد بالادستی مصوب در شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و سایر مراجع قانونی بوده و در حوزه آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت، سند اساسی و ملی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش خواهد بود که این سند در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است و هر سند، بیانیه و یا موضوع دیگری که مغایر با این سند باشد، ملغی است.»

بدین ترتیب بلوایی که خامنه ای به راه انداخته بود تا در نمایش انتخابات، روحانی را در موضع ضعف قرار دهد، در این مرحله برای کشیدن ترمز پذیرش برجامهای دیگر، از طریق شورای ارتجاع فرهنگی حکم به لغو سند ۲۰۳۰ داد.

اما این سند به چه مسائلی می‌پردازد که خامنه ای این گونه به آن می‌تازد. برای اطلاع خوانندگان نبردخلق از مضامین اصلی سند و دیدگاه ارتجاعی و ضد بشری خامنه ای، در پایان چکیده این سند به نقل از کانال تلگرام «انجمن پازین بانه» منتشر می‌شود. این که کدام یک از ۱۷ هدف اصلی این سند مُرُوج و مَبْلَغ فحشا و کفر است، سوالی است که مرتجعان و در راس آنها خامنه ای باید بدان پاسخ گویند.

خامنه ای که از پیشرفته ترین دستاوردهای جهان و به خصوص کشورهای غربی برای سرکوبی مردم استفاده می کند، وقتی پای تعهد به برخی مسایل مربوط به توسعه پایدار پیش می آید، فریاد وا اسلما و استقلال سر می دهد. این رفتار مستبدانی است که حاکمیت آنها فقط با سرکوبی می تواند ادامه داشته باشد.

سند ۲۰۳۰ چیست؟

سند آموزشی یونسکو با عنوان «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» هدف خود را چنین بیان

می کند: «تضمین آموزش با کیفیت برابر و فراگیر و ترویج فرصتهای یادگیری مادام العمر برای همه و اهداف وابسته به آن.»

این سند در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ در نیویورک به تصویب کشورهای عضو یونسکو رسید.

مقدمه سند:

«ما بار دیگر بر اهمیت بیانیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر و حقوق بین الملل تأکید می کنیم.»

ما در راستای منشور سازمان ملل متحد، بر مسئولیتهای همه کشورهای در ترویج، حفظ و احترام به حقوق بشر و آزادیهای بنیادین برای همه، به دور از هر گونه تبعیض از لحاظ نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، دیدگاه سیاسی یا غیره، خاستگاه ملی یا اجتماعی، مالکیت، تولد، معلولیت و یا هر وضعیت دیگری تأکید می کنیم.»

در این سند ۱۷ هدف تعیین شده که امضا کنندگان متعهد شده اند تا سال ۲۰۳۰ به آنها دست یابند، از این رو است که سند به «سند ۲۰۳۰» شهرت یافته است.

اهداف هفده گانه از این قرار هستند:

۱. پایان دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه جا
۲. پایان دادن به گرسنگی، تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر و توسعه کشاورزی پایدار
۳. تضمین دارا بودن زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین
۴. تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصتهای یادگیری مادام العمر برای همه
۵. دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران
۶. تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه
۷. تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون به صرفه، مطمئن، پایدار و نوین
۸. ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره ور، و اشتغال شرافتمندانه برای همه
۹. ساختن زیربنای مقاوم، ترویج صنعتی سازی پایدار و فراگیر و ترویج نوآوری
۱۰. کاهش نابرابری در درون و میان کشورها
۱۱. تبدیل شهرها و سکونتگاههای انسانی به مکانهای همه شمول، امن، مقاوم و پایدار
۱۲. تضمین الگوهای پایدار تولید و مصرف
۱۳. اقدام فوری برای رویارویی با تغییر اقلیم و آثار آن



۱۴. حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوسها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار
۱۵. پاسداشت، احیاء و ترویج استفاده پایدار از بوم سازگانه‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگلها، مبارزه با بیابان زایی و توقف و معکوس سازی روند تخریب (یا فرسایش) زمین و همچنین متوقف ساختن تخریب
۱۶. ترویج جوامع صلح جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخ گو و فراگیر در همه سطوح
۱۷. تقویت ابزار اجرا و احیای همکاریهای جهانی برای تحقق توسعه پایدار

شهدای فدایی در تیر ماه

- رفقا: کاظم سلاحی - احمد خرم آبادی - محمدکاظم غبرایی - بهمن راست خدیو - محمد علی خسروی اردبیلی - نسترن آل آقا - گلرخ (شهرزاد) مهدوی - نادعلی پورنغمه - حمید رضا هزارخانی - مارتیک قازاریان - نزهت السادات روحی آهنگران - محمود عظیمی بلوریان -
- یدالله زارع کاریزی - اسماعیل نریمیس - حبیب برادران خسروشاهی - محمد رضا (امیر) قصاب آزاد - محمد علی خسروی اردبیلی - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی - حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری -
- غلامرضا لایق مهربان - محمد رضا یثربی - فاطمه حسینی - محمد حسین حقنواز - طاهره خرم - عسگر حسینی ابرده - محمد مهدی فوقانی - غلامعلی خراط پور - علی اکبر وزیری - مهدی (بهزاد) مسیحا - حمید آرین - بهزاد امیری دوان - افسرالسادات حسینی - نادره احمد هاشمی - سیمین توکلی - علی خصوصی - علی اکبر حق بیان -
- عبدالله سعیدی بیدختی - حجت محسنی کبیر - حمید ژیان کرمانی - کامران رضوانی - غلامرضا جلالی - خسرو مانی (مائی) - توفیق قریشی - آسمر آذری یام - بهمن راست خدیو - شفیع رمضانی - نادر ایازی - کریم فتحی -
- غلام حسین خاکباز - عبدالحسین عنانی شیشوان - سیاوش حمیدی - علی حمیدی مدنی - طوبی مولودی - علی اکبر حیدریان - کمال محمدی - سینا کارگر - روح انگیر دهقانی - نوروز قاسمی - ناصر فضل الهی - حمید فضل الهی - حسین تنگستانی - علی رضا فارسیان -
- اسماعیل حسینی - فرشته گل عنبریان - هادی کاکاخانی - احمد باختری - ناصر ممی وند و... طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

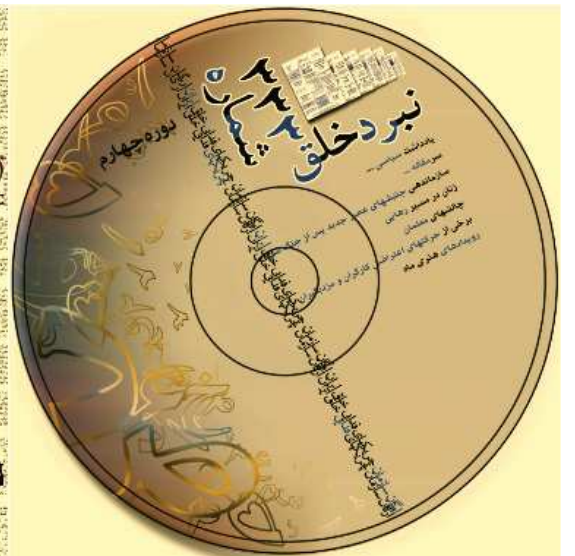
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 386 22 juan 2017

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

NABARD CULTURAL ASSOCIATION : Published by

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org